



واژه نامه

کاشانه

علی اصغر شاطری





DICTIONARY OF MOHARRAM WORDS IN KASHAN

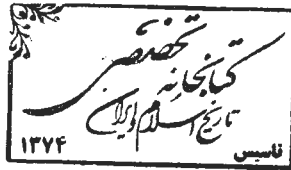
By : Ali Asghar-e-shatary



انتشارات مرسال
Morsal Publications
2005

اسکون شد

واژه نامه محرم (کاشان)



علی اصغر شاطری

انتشارات مرسل

تقدیم بہ روح پدر و مادر

و تقدیم بہ روح تمامی فدمتگذاران

ہیئت شاہزادہ علی اصغر علیہ السلام کاشان - مسجد صادقہ -

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۲	آب فرات.....
۱۳	اربعین.....
۱۶	اربعین در کاشان.....
۱۷	بابا.....
۱۷	بازار.....
۱۹	مسیرهای ورود هیئت‌ها به بازار.....
۲۰	چگونگی حرکت به سوی بازار.....
۲۲	بانی.....
۲۳	پرچم.....
۲۳	پرده خوانی.....
۲۵	تاسوعا.....
۲۶	تعزیه.....
۲۹	تکیه.....
۳۰	در آداب به تکیه در آمدن.....

۳۳ توغ
۳۶ توغ در کاشان
۳۶ توغ کلهر
۳۷ توغ سیقن
۳۷ توغ مابین
۳۸ توغ شیخ رضا
۳۹ توغهای زیارت پنجه‌شاه
۳۹ توغ میانچال
۳۹ چرا توغ را خمیده برمی‌دارند؟
۴۰ چگونگی حمل توغ
۴۰ توغ جامه کردن
۴۰ جریده
۴۲ اجزای جریده
۴۴ سنج
۴۴ جلسات هفتگی
۴۵ جلسات فوق‌العاده
۴۶ چاووش
۴۸ چاووش عزا
۴۹ حجلهٔ قاسم
۵۰ حسینیه
۵۱ خیمه‌سوزی
۵۲ دوره
۵۳ دورهٔ نخل سرپره
۵۴ دورهٔ توغ شیخ رضا
۵۴ دورهٔ هیئت ابوالفضل مسجد جامع
۵۵ دورهٔ توغ پنجه‌شاه
۵۵ دورهٔ نخل درب باغ
۵۶ ذاکر اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۵۶ ذکر
۶۰ ذوالجنج
۶۱ روز ختم
۶۲ روضه

۶۵	انواع روضه‌خوانیها در کاشان.....
۶۵	۱- روضه‌خوانیهای خانگی.....
۶۶	۲- در بیوت علما.....
۶۷	۳- هیئتها.....
۶۹	زنجیرزنی.....
۷۰	زیارت عاشورا.....
۷۱	سادات.....
۷۳	سفره.....
۷۳	سَقایی.....
۷۵	سَقاخانه.....
۷۶	سینه‌زنی.....
۷۶	شش‌گوشه.....
۷۸	شمایل.....
۷۹	شمع‌زنی.....
۸۰	شیر فضّه.....
۸۲	ضرب‌المثلها.....
۸۳	عاشورا.....
۸۴	الف: عاشورا پیش از واقعهٔ کربلا.....
۸۴	ب: عاشورا پس از واقعهٔ کربلا.....
۸۵	ج: عاشورا در کاشان:.....
۸۸	عَلَم.....
۸۹	علم دو چوبه.....
۹۰	علمات.....
۹۱	علمات چگونه است.....
۹۲	سلام علمات.....
۹۲	علمدار.....
۹۳	قمه‌زنی.....
۹۵	کتل.....
۹۶	کتل - کتلی.....
۹۷	کتیبه.....
۹۸	دوازده بند محتشم کاشانی.....
۱۰۴	کمکی رفتن.....

- گهواره ۱۰۴
- نان عباسعلی ۱۰۶
- نخل ۱۰۶
- نخل بستن ۱۰۷
- نخل تکاندن ۱۰۸
- بعضی اصطلاحات ۱۰۹
- نخل در بازار کاشان ۱۰۹
- ۱ - مرکز پانخل ۱۱۰
- ۲ - کاروانسرای امین‌الدوله ۱۱۰
- نذر ۱۱۳
- نوحه ۱۱۵
- نهر علتمه ۱۱۸
- ناظم ۱۱۹
- مدّاح ۱۱۹
- خاطره‌ای از مدّاح اهل بیت مرحوم حاج آقا محمد علّامه (ره) ۱۲۲
- مشک ۱۲۳
- واعظ ۱۲۴
- هیئت ۱۲۵
- نخستین دسته‌بندیهای عزاداری در کاشان ۱۲۶
- هیئت شاهزاده علی‌اصغر کاشان ۱۲۸
- نشانه‌ای از اعجاز امام حسین علیه السلام در هیئت حضرت علی‌اصغر علیه السلام : ۱۳۰
- هیئت کودکان ۱۳۲
- منابع و مأخذ ۱۳۳

پیشگفتار

حادثهٔ عظیم و جانسوز کربلا در سال ۶۱ هـ. ق که با شهادت حضرت حسین بن علی علیه السلام و یاران باوفایش صورت گرفت تفکر و اندیشه‌ای را بنیان نهاد که تا این زمان پویایی و مانایی آن ساری و جاریست و با خون خود چراغی را فروخت که نورش روز به روز گسترده‌تر می‌گردد.

بی‌تردید یکی از عواملی که نهضت حسینی و تفکر عاشورایی را زنده نگاه داشته است اقامهٔ عزاداری و سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده و اهمی است که ائمه اطهار علیهم السلام بدان معطوف داشته‌اند.

ابوهارون مکفوف می‌گوید: «روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم حضرت فرمود: برایم در سوگ سیدالشهدا شعر بخوان، من نیز شعر خواندم حضرت فرمود: نه این طور، بلکه همان گونه که برای خودتان شعر می‌خوانی و همان گونه که نزد قبرش مرثیه می‌خوانی،» (۱)

اولین مراسم عزاداری توسط اهل بیت علیهم السلام که به شام به اسارت رفته بودند در کنار کاخ یزید برپا شد و زینب، ام‌کلثوم، رباب و سکینه و ... به نوحه‌سرایی، مرثیه‌خوانی و عزاداری پرداختند و مردم شام نیز در مجلس عزاداری آل‌الله شرکت کرده با گریه، زاری و ندبه به آن بزرگان تأسی نمودند.

جابر بن عبدالله انصاری به همراه عطیه کوفی اولین مرثیه‌خوانان و سوگواران قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین بودند و از آن زمان تاکنون فراز و نشیبهای فراوانی بر سوگواری خامس آل عبا علیهم السلام گذشته است.

بعد از حکومت شیعهٔ دیالمه و فاطمیون مصر، سلاطین صفویه به عزاداری و سوگواری امام حسین علیه السلام رونق بسزایی بخشیدند و عزاداری چهرهٔ دیگری بخود گرفت، پاره‌ای از مراسم و وسایل به آن اضافه شد و به عنوان یک سنت تاکنون ادامه

یافته است. هر چند که در سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ - دوره رضاخان پهلوی - که ممنوعیت‌هایی برای عزاداری ایجاد شد، بعضی از سنن و وسایل دسته‌های عزادار متروک شد اما دگر باره احیا گردید.

آداب و سنن عزاداری ایام محرم بویژه روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در شهرهای مختلف ایران گوناگون و متفاوت است. در شهری مراسم نخل‌گردانی وجود دارد، در شهر دیگر مراسم طشت‌گذاری؛ در شهری مراسم عزاداری در بازار انجام می‌شود در شهر دیگر در امامزاده یا دیگر اماکن مقدس؛ اما بعضی از ابداعات و شعایر با کمترین اختلاف به یکدیگر شبیه هستند.

عزاداری و سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام در شهرستان کاشان با شماری از سنتها، آداب و رسوم همراه است و ابداعات و ساخته‌هایی در عزاداری سنتی کاشان وجود دارد که در این نوشتار اشاره‌ای به پاره‌ای از آنها می‌کنیم از آن جمله:

عزاداری و روضه‌خوانی ایام محرم، چگونگی حرکت دسته‌ها و هیئت‌ها، نحوه سرایی، مرثیه‌خوانی، علم و علامات، کتل و بیرق، توغ، نخل و جریده، آداب جامه کردن توغ، تکاندن نخل، دوره، پرده خوانی، آب فرات و نهر علقمه، شش گوشه، مراسم شمع‌زنی و شام غریبان، تعزیه، تکیه و حسینیه، چاووش خوانی، شیر فضا و قافلهٔ بنی اسد، گهواره، مشک و ذوالجناح، سفره‌نذاختن و نذریهای مردم، نان عباسعلی و آش نذری، سینه‌زنی، زنجیرزنی و قمه‌زنی، واعظ و مداح یا ذاکر اهل بیت، علمداری و سقایی، پابره‌نه و سربره‌نه در مراسم عزاداری رفتن، گل بر سر مالیدن و کاه به سر ریختن، کتلی شدن کودکان به یاد حضرت علی‌اصغر و دوری گزیدن از کارهای مباحی نظیر: ازدواج و جشن عروسی، آرایش کردن، دوخت و دوز، پوشیدن لباسهای نو و روشن، جاروب کردن، خانه تکانی و ...

سعی و تلاش ما بر آن بوده است تا پشتوانه و پیشینهٔ این سنتها و آداب و رسوم برای علاقمندان بیان شده باشد چرا که بعضی از آنها متکی به روایات و احادیث است، برخی از آنان جنبهٔ ملی و تاریخی دارد و بعضی از آنها نیز تقلیدهای بی‌اساس

و بی‌منطق است؛ قضاوت و داوری را به خوانندگان گرامی واگذار می‌نماییم.
به هر تقدیر هدف از تدوین این فرهنگواره آن بوده است که برای علاقمندان به فرهنگ عامه (فولکلور) دانستیهای لازم و مفید ارائه گردد.
در اینجا لازم و واجب است که از هیئت شامزاده علی‌اصغر کاشان - مسجد صادقیه - که هزینهٔ چاپ این اثر را پذیرفتند، از آقای احمد مزرعتی - ویراستار محترم کتاب - و از جناب آقای حاج حسینعلی پورمدنی - مدیر محترم انتشارات مرسل - تشکر و قدردانی نمایم.

علی‌اصغر شاطری
کاشان - ص. پ. ۱۸۶۹

آب فرات

نام نهری در سرزمین کربلا که حادثهٔ جانسوز عاشورا نزدیک آن اتفاق افتاد و امام حسین علیه السلام و یارانش با لب تشنه در کنار آن، شهید شدند. فرات، نهر مقدّس و بافضیلتی است که طبق روایات، دو ناودان از بهشت در آن می‌ریزد و نهری پربرکت است و کودکی که کامش را با آب فرات بردارند، دوستدار اهل بیت علیهم السلام می‌شود. ^(۱) در حدیث است که فرات مهریهٔ زهرا علیها السلام می‌باشد. ^(۲) مستحب است برای زیارت امام حسین علیه السلام در آب فرات غسل زیارت کنند که موجب آمرزش گناهان است. ^(۳) نوشیدن از آب فرات نیز مطلوب است. امام صادق علیه السلام به سلیمان بن هارون فرمود: «ما اظنّ احداً یحتک بماء الفرات الاّ احبنا اهل البیت.» و نیز فرمود: «من شرب من ماء الفرات و حتک به فانه یحبنا اهل البیت.» ^(۴) هرکس از آب فرات بنوشد و کام را با آن بردارد، او دوستدار ما خاندان خواهد بود و در حدیث از فرات به عنوان نهر مؤمن و نیز نهر بهشتی یاد شده است.

«فرات یادآور عظیمترین حماسهٔ خونین و ماندگارترین صحنهٔ وفا و صبر است. آب فرات همچون خاک کربلا دو آموزگار شجاعت و الهام بخش شهادتند. از این رو برداشتن کام نوزاد با آب فرات یا تربت حسینی، چشاندن طعم شجاعت و انتقال فرهنگ شهادت در دل و جان شیعه است.» ^(۵)

از نشانه‌های دیگر عزاداری مردم کاشان «آب فرات» است که متعلق به هیئت سجّادیّهٔ مقدّم‌کوی دو مسجدان است. این هیئت تا دو دههٔ قبل نیز در روزهای نهم و یازدهم که روزهای بازار این هیئت است آن را در پیشاپیش هیئت به بازار آورده مردم از آب آن به نیت شفا و تبرک می‌نوشیدند اما سالهاست که در غرفه‌ای در بازارچهٔ مدرسهٔ سلطانی نگهداری می‌شود.

«آب فرات» یک اسکلت چوبی ست با چهار گلدسته و یک گنبد که زیر آن تشتک آبی

۲ - همان، ص ۵۶۳

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۴

۱ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۵۲

۳ - همان، ج ۱، ص ۵۶۵

۵ - فرهنگ عاشورا، ص ۳۴۱

قرار دارد و بر روی چهار چرخ سوار شده است. آب فرات در حدود نود سال پیش به وسیلهٔ استاد غلامحسین خرّمی نجّار و به درخواست مرحوم غلامعلی فراتی ساخته شده است و در دههٔ شصت به دست استاد ماشاءالله کارگر، تعمیر و سقف آن گره‌چین و آینه‌کاری شده است.

در حال حاضر آب فرات را از روز هفتم تا روز دوازدهم محرم در نبش بازارچهٔ مدرسهٔ سلطانی قرار داده هیئت‌های عزادار و مردم از آن می‌نوشند.

اربعین

عدد چهل در فرهنگ اسلامی و در معارف عرفانی دارای جایگاهی خاص و اعتباری ویژه است، از این رو همواره دستمایهٔ اعتقادی مردم بوده است.

چله نشینی برای برآورده شدن حاجات و برای رسیدن به مقامات عرفانی، حفظ، نگهداری و نشر چهل حدیث از پیامبر ﷺ و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام و نوشتن کتاب چهل حدیث در میان عالمان اسلامی رایج است؛ کمال عقل و معرفت در چهل سالگی، دعا برای چهل مؤمن و چهل شب چهارشنبه به مسجد مقدّس سهله یا جمکران رفتن و ... نمونه‌هایی از این فرهنگ اعتقادی‌ست.

اربعین یا بیستم ماه صفر رسمی میان شیعیان است که در این روز به یاد شهدای کربلا و برای اقامهٔ عزای حضرت سیدالشهدا ﷺ به زیارت مرقد مطهر آن بزرگوار می‌روند و زیارت اربعین می‌خوانند.

جابرین عبدالله انصاری^(۱) و عطیّه کوفی^(۲) نخستین کسانی بودند که در اوّلین

۱- جابرین عبدالله پانزده سال قبل از هجرت در مدینه به دنیا آمد. او و پدرش جزء نخستین مسلمانان صدر اسلام هستند که پیامبر و مهاجرین را یاری نمودند. عبدالله در غزوهٔ احد به شهادت رسید و جابر نیز در ۱۹ غزوه از جمله غزوهٔ بدر جزو سپاه مسلمین بود. بعد از پیامبر گرامی اسلام (ص) جابر از یاران وفادار امیرالمؤمنین (ع) بود که در جنگ صفین در رکاب آن حضرت جنگید.

۲- ابوالحسن عطیّه بن سعد بن جناده عوفی کوفی از تابعین و بزرگان راویان حدیث امامیه و از محدّثان عالیقدر است؛ بر خلاف آنچه در زبان ذاکران رایج و مشهور شده است عطیّه - همسفر جابر در این زیارت - غلام و بردهٔ او نبوده بلکه از شخصیت‌های دانشمند و مبارز شیعه و همفکر او بوده است.

اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام زائر کوی حرم حسینی شدند. شیخ مفید می‌نویسد: بیستم صفر روزی است که جابر بن عبدالله نصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه وارد کربلا شد تا قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند، زیرا زیارت امام حسین علیه السلام در این روز مستحب است. و همچنین شیخ طوسی می‌نویسد: روز بیستم ماه صفر روزی است که جابر بن عبدالله انصاری صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه برای زیارت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام به کربلا رفت و او اول کسی بود که قبر امام را زیارت کرد و در این روز زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است. عطیه می‌گوید:

همراه جابر بن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رهسپار شدیم. همین که به نزدیکی کربلا رسیدیم، جابر در نهر فرات غسل کرده سپس لباس پوشید و کیسهٔ عطری را باز کرد و با مقداری از آن، خود را معطر ساخت. در هر گامی که به سوی قبر امام حسین علیه السلام برمی‌داشت، زبانش به ذکر و یاد خدا گویا بود. هنگامی که به نزدیکی قبر رسید گفت: دست مرا به قبر برسان (جابر در آن زمان نابینا بود) دست او را بر قبر نهادم، جابر از فرط اندوه و غم از هوش رفت و بر قبر فرو افتاد. من آب به سر و صورت او پاشیدم، همین که به هوش آمد، سه بار صدا زد یا حسین! آنگاه گفت: چگونه دوستی جواب دوست را نمی‌دهد؟ سپس در جواب خویش گفت: «چگونه می‌توانی پاسخ بدهی در حالی که رگهای گردنت بریده شده، خونت ریخته و سرت از بدن جدا گشته است؟! گواهی می‌دهم که تو زادهٔ بهترین پیامبران، فرزند سرور مؤمنان، فرزند همزاد تقوا، از نسل هدایت، همچنین از اهل کساء، فرزند سرور برگزیدگان الهی، زادهٔ فاطمه سرور زنان جهانی؛ چگونه نباشی در حالی که از دست سرور پیامبران غذا خورده در دامن پرهیزکاران پرورش یافته‌ای، از پستان ایمن شیر خورده‌ای و با نور اسلام از شیر باز گرفته شده‌ای، چه در زندگی و چه پس از مرگ پاک بوده‌ای، دل‌های مؤمنان از فراق تو آزرده گشته است ولی در زنده بودن تو شکی ندارند. سلام و درود خدا بر تو باد! گواهی می‌دهم که در راه برادرت یحیی بن زکریا گام نهادی و مانند او به شهادت رسیدی.

آیا آن گونه که مشهور است خاندان امام حسین علیه السلام در اربعین اول به کربلا رسیدند و در آنجا امام سجاد علیه السلام با جابر دیدار کرده است یا آنکه ورود اسیران به کربلا در اربعین سال بعد بوده است؟ و یا آن که ورود اسیران در بازگشت از شام وارد کربلا نشدند بلکه یکسره به مدینه رهسپار شدند؛ در این باره در میان دانشمندان اختلاف نظر شدید وجود دارد.

این مطلب را سیدبن طاووس در کتاب «لهوف» بیان داشته سپس در کتاب «اقبال» خویش آن را بعید می‌داند. مرحوم علامه مجلسی آمدن اسیران در کربلا را در چنین روزی بعید می‌داند و مرحوم شیخ مفید در کتاب «مسائر الشیعه» روز بیستم ماه صفر را روز بازگشت حرم ابی عبدالله علیه السلام از شام به مدینه دانسته است یعنی همان روزی که جابر وارد کربلا شد. همچنین مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب «لؤلؤ و مرجان» این مطلب را جزء تحریفات عاشورا مورد بررسی قرار می‌دهد.

مرحوم دکتر محمد آیتی بازگشت اسیران به کربلا را در روز اربعین افسانه می‌داند و می‌گوید: «... داستان آمدن اهل بیت را از شام به طرف عراق و رسیدن آنها در اربعین یعنی روز بیستم ماه صفر به کربلا به هیچ وجه نمی‌توان باور کرد، یا سندی قابل اعتماد برای این افسانه تاریخی به دست آورد...»

«... نه امام چهارم علیه السلام از شام به کربلا آمده است و نه اهل بیت عصمت علیهم السلام در بازگشت از شام به کربلا آمده‌اند و نه جابر بن عبدالله انصاری با عطیه بن سعد بن جناده عوفی در زیارت اربعین خود با امام چهارم علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت ملاقات کرده‌اند و در هیچ یک از روایات مربوط به زیارت جابر و عطیه، نامی و اثری از ملاقات این دو بزرگوار با امام سجاد علیه السلام و اهل بیت در کار نیست و قصه پردازان آن را ساخته و پرداخته‌اند...»^(۱)

در مقابل، شهید محراب سید محمدعلی قاضی طباطبائی در کتاب مبسوط و مستقل ۶۸۰ صفحه‌ای خود به نام «تحقیق در نخستین اربعین سیدالشهدا علیه السلام» با تلاش و توجیهاات بسیار وسیع و گسترده خواسته است اشکالات وارده را پاسخ گوید چه از لحاظ

مسافت و نیز فاصلهٔ زمانی و غیره اما توجیحات آن بزرگوار خالی از تکلف نبوده است. در مجموع، اثبات ورود اسیران به کربلا در اربعین و دیدار امام سجاد علیه السلام با جابر، از لحاظ تاریخی بسیار مشکل است و نفی آن نیز آسان نمی‌باشد.

اربعین در کاشان

از ابتدای ماه محرم تا پایان ماه صفر که مصادف با رحلت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و همچنین روز آخر ماه صفر که برابر با شهادت ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است شهر کاشان یکپارچه عزادار و سیاهپوش است.

هیئتهایی که در دههٔ اول و دوم ماه محرم مراسم روضه‌خوانی و سینه‌زنی داشته‌اند در اربعین یک یا دو شب مجلس روضه برقرار می‌کنند اما هیئتهایی که در دهه‌های اول و دوم برنامهٔ روضه‌خوانی نداشته‌اند در دههٔ دوم ماه صفر یک دهه مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنی برپا می‌دارند و در روز اربعین مراسم عزاداری و سینه‌زنی در بازار برگزار می‌کنند.

در روز اربعین مراسم ویژه‌ای نیز به وسیلهٔ هیئت انصار ابوالفضل - خیابان نطنز - همراه با تعزیهٔ جابر از مرکز هیئت تازیارت هارون بن موسی - پنجه شاه - برگزار می‌شود که در طول مسیر مورد استقبال هیئتها و مشتاقان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته با دود نمودن اسپند، قربانی کردن گاو، گوسفند و شتر، دادن چای و شربت و پاشیدن گلاب به عزاداران و تعزیه خوانان، آنان را بدرقه و مشایعت می‌کنند. در پایان مراسم - در زیارت پنجه شاه - تعزیهٔ جابر بن عبدالله انصاری اولین زائر قبر مطهر حضرت سیدالشهدا در روز اربعین به اجرا درمی‌آید.

نکته:

□ در این روز علاوه بر هیئتهایی که از قبل سابقهٔ عزاداری و سینه‌زنی در بازار کاشان داشته‌اند، هیئتهای تازه تأسیس که در دو - سه دههٔ اخیر تأسیس شده‌اند به علت

نداشتن مجوز نیروی انتظامی برای عزاداری سنتی در روزهای تاسوعا و عاشورا - به سبب ازدیاد هیئتها و ازدحام جمعیت - در این روز عزاداری خود را در بازار کاشان برگزار می‌کنند.

□ در روز اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام در منازل علمای بزرگوار و سادات بنی فاطمه و کسانی که نذر و نیازی دارند مجلس روضه‌خوانی برپا می‌باشد.

بابا

به کار بردن کلمهٔ «بابا» در جلوی اسم بعضی بزرگان هیئت در کاشان از گذشته تاکنون امری رایج بوده گفتن آن هم بی‌سبب و بی‌دلیل نبوده است؛ در گذشته بزرگان محل و یا کسانی که وسعت مالی داشته‌اند برای دستهٔ عزاداری محل شعائری از جمله نخل، توغ و جریده می‌ساختند و در یک روز خاص که متعلق به آن بوده پای توغ و جریده عزاداری و روضه‌خوانی کرده عزاداران را اطعام می‌نمودند؛ این عمل مساوی بوده با اهدای لقب «بابا» و کاربرد آن جلوی اسم بانی توغ، نخل و جریده؛ همچنین به بزرگ هیئت نیز «بابا» گفته می‌شود.

بازار

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود و ذهن را مشغول نموده این است که به چه دلایلی هیئتها در روزهای مشخص و معینی به بازار رفته عزاداری می‌کنند. آیا بدون دلیل و از روی تصادف است یا از روی منطق و حساب و کتاب؟ چه دلیلی دارد که هیئت ابوالفضل روز پنجم بازار می‌رود اگر روز سوم یا ششم می‌رفت اشکالی داشت؟ چه دلیلی دارد که هیئت اصغری روز چهارم را برای عزاداری و سینه‌زنی در بازار برگزیده است و یا هیئت قاسم‌بن‌الحسن علیه السلام روز سوم را انتخاب کرده است. آیا دلیل خاصی وجود دارد؟

روشن است که گزینش و انتخاب هر یک از روزهای محرم برای عزاداری سنتی در بازار کاشان از روی اتفاق و بدون علت نبوده است بلکه دلیل قانع‌کننده‌ای داشته و دارد و

تا همین امروز هم به قوت خود پابرجاست؛ البته هیئتهایی که سالها بعد از اولین هیئتهای سازمان یافته تأسیس شده‌اند به تبعیت از هیئتهای اولیه، هر یک روزهایی خاص را برگزیده‌اند.

۱- علت اینکه هیئت حضرت ابوالفضل مسجد جامع (قبل از جدایی و دو دسته شدن با هیئت ابوالفضل مدرسه سلطانی) روز پنجم ماه محرم الحرام به بازار می‌روند آن است که در روز عاشورا حضرت عباس بن علی علیه السلام همراه چهار برادر خود از آن جمله حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیدند؛ به این دلیل روز پنجم را برای عزاداری در بازار برگزیدند.

۲- علت اینکه بعضی هیئتها - بویژه هیئتهایی که بنام حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند - در روز هفتم به بازار می‌روند این است که در روز هفتم ماه محرم سال ۶۱ هـ. لشکر عمر سعد آب را به روی حرم ابی عبدالله علیه السلام بست و چون این روز به حضرت عباس علیه السلام سقای کربلا تعلق دارد در این روز به بازار می‌روند و هیئت موسی بن جعفر علیه السلام نیز به دلیل آنکه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هفتمین امام شیعیان است در روز هفتم در بازار کاشان عزاداری و سینه‌زنی می‌کنند.

۳- علت اینکه هیئت قاسم بن الحسن علیه السلام - سرپله - در روز سوم ماه محرم در بازار عزاداری می‌کند این است که در روز عاشورا سه فرزند از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام (۱) در کربلا به شهادت رسیدند و به این نیت روز سوم محرم به بازار می‌روند.

۴- علت اینکه هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - مسجد صادقیه - در روز چهارم محرم الحرام عزاداری سنتی خود را در بازار کاشان برگزار می‌کند بدین دلیل است که اولاد چهارمین هیئت به شکل سازمان یافته کنونی در کاشان است و ثانیاً اینکه حضرت علی اصغر علیه السلام چهارمین فرزند ذکور امام حسین علیه السلام است.

۵- علت اینکه هیئت ابا عبدالله الحسین در روز هشتم محرم در بازار به پای توغ شیخ رضا عزاداری می‌کنند این است که این توغ به وسیله شیخ رضا از خادمان امام رضا علیه السلام به

۱- فرزندان امام حسن (ع) که در روز عاشورا به شهادت رسیدند: قاسم بن الحسن، ابوبکر بن حسن، عبدالله بن الحسن.

کاشان آورده شده است به احترام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز هشتم به بازار می آیند. همچنان که هیئت علی بن موسی الرضا - درب زنجیر - نیز در روز هشتم در بازار عزاداری می کنند.

مسیرهای ورود هیئتها به بازار

هیئتها و دسته های سینه زن و زنجیر زن برای عزاداری از دو مسیر وارد بازار تاریخی و قدیمی کاشان می شوند:

مسیر اول از طرف بازارچه سردار و دروازه دولت که هیئت های پشت مشهد از این مسیر وارد بازار می شوند.

مسیر دوم از طرف بازار پانخل و خیابان بابا افضل است که مخصوص هیئت های مرکز شهر می باشد. هیئتهایی که از طرف بازار پانخل می آیند اولین محل عزاداری آنان ابتدای بازار پانخل است که مشرف به خیابان بابا افضل می باشد. و هیئتهایی که از خیابان بابا افضل وارد بازار شوند اولین مکان عزاداری آنان بازار گذرنو است (ابتدای بازار اصلی) که مشرف به خیابان بابا افضل می باشد.

هیئتها و دسته های سینه زن و زنجیر زن در طول مسیر حرکت در مکانهای مشخصی برای دقایقی ثابت به سینه زنی، زنجیر زنی و روضه خوانی می پردازند؛ این مکانها عبارتند از: مسیر هیئتهایی که از طرف بازارچه سردار و دروازه دولت وارد می شوند ابتدای بازار مسگرها، انتهای بازار مسگرها (مسجد میدان)، مسجد بالا بازار و کاروانسرای تاریخی امین الدوله؛ هیئتهایی که از مسیر پانخل وارد بازار می شوند ابتدا در بازار پانخل، بازار گذرنو، زیارت شاه یلان، درب زنجیر و کاروانسرای امین الدوله است. در روزهای بسته بودن کاروانسرای امین الدوله، بازارچه میانچال پایان مراسم عزاداری می باشد.

در سالهای گذشته هیئت های دو طرف شهر تا انتها و ابتدای مسیر حرکت همدیگر می رفتند و در صورت برخورد به یکدیگر لحظاتی را با هم به عزاداری می پرداختند؛ سپس با سلام و صلوات و فاتحه برای گذشتگان هر دو هیئت، به مسیر خود ادامه

می‌دادند و این عمل زنده‌کنندهٔ روح برادری و اخوت در میانشان بود لیکن در این زمان هیئتها در کاروانسرای امین‌الدوله مراسم سینه‌زنی خود را به پایان می‌رسانند و تنها هیئتهای سقایی و سادات ابتدا و انتهای دو مسیر را می‌روند. مطلب مهمتر اینکه متأسفانه در میان بعضی هیئتهای پشت مشهد رسم شده است در همان ابتدای بازار مسگرها عزاداری خود را به اتمام می‌رسانند. امید است با آگاهی و ژرف‌نگری و به دور از بعضی مسائل حاشیه‌ای عزاداری، سنت، آداب و رسوم گذشتگان را که با تدبیر و اندیشه برای ما به یادگار گذاشته‌اند بهترین نگهبان باشیم.

چگونگی حرکت به سوی بازار

هر هیئتی که می‌خواهد به بازار برود ساعتها قبل از حرکت، در مرکز هیئت - حسینیه یا مسجد - اعضاء و افراد هیئت خود را فرا می‌خواند. بلندگوها را روشن کرده اطراف مرکز را آبپاشی و زفت و روب نموده، عود و اسپند دود می‌کنند و چندین بار شیپور آماده باش را به صدا درمی‌آورند تا کسانی که هنوز آماده نشده‌اند هر چه سریعتر خود را به مرکز هیئت برسانند. نوجوانان و نونهالان پرچمهای حسینی را در دست گرفته و جوانان با شور و حال وصف ناپذیری آماده برگزاری هر چه بهتر و شایسته‌تر عزاداری می‌شوند. علم، علامات، توغ و جریده را نیز آماده کرده تا هنگام حرکت هیئت پیشاپیش دسته حمل کنند. با فراخوان ناظم هیئت و ذکر گرفتن هیئت به وسیلهٔ ناظم، مراسم عزاداری در مرکز هیئت آغاز شده با دقایقی سینه زدن در مرکز هیئت و ذکر مصیبت اهل بیت، جمعیت به سوی بازار حرکت می‌کنند.

هیئتهایی که با ذکر سنتی به بازار می‌روند یک یا چند نفر هماهنگ ذکر مخصوص را فریاد کرده بقیهٔ اعضای هیئت همچنان که بر سینه می‌زنند ذکر را جواب می‌گویند؛ اما هیئتهایی که به صورت دسته - دسته به سوی بازار حرکت می‌کنند هر دسته‌ای که در حال خواندن نوحه و ذکر خود است، می‌ایستد و هنگامی که ذکر تمام شد حرکت می‌کند؛ دسته‌ها در حدود دو - سه متر با هم فاصله دارند و در میان هر دسته یک پرچم قرار دارد.

دسته‌های فرد (اَوَّل، سوم و پنجم) و دسته‌های زوج (دوم، چهارم، ششم و غیره) با هم و هماهنگ ذکر دسته را می‌خوانند.

بیشتر هیئتهای کاشان با ذکر سنتی خود عزاداری و سینه‌زنی می‌کنند و بقیهٔ هیئتها در دو دسته هستند اما هیئت محترم قاسم‌بن‌الحسن در روز تاسوعا و عاشورا بیش از ده دسته است و هیئت شهدای کربلا - درب یلان - در روز تاسوعا در چهار دسته در بازار عزاداری می‌نمایند.

در روزهای اوَّل تا هشتم محرم هیئتها محدودیتهای خاصی ندارند و خود نیز نسبت به موقع حرکت و نظم واقف هستند. مثلاً هیئتهایی که در روز هشتم به بازار می‌آیند می‌دانند که هیئت حیدری درب فین آخرین هیئت است و یا در روز یازدهم آخرین هیئت که به بازار می‌آیند هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - مسجد صادقیه - است پس نظم و مقررات را خود می‌دانند؛ اما در روزهای تاسوعا و عاشورا با هماهنگی نیروی انتظامی برای هیئتها ساعتی مشخص در نظر گرفته شده است: هیئتهایی که در صبح از طرف پشت مشهد وارد بازار می‌شوند می‌توانند از ساعت ۹ صبح تا ۱۰ بعد از ظهر در کاروانسرای امین‌الدوله مراسم پایانی داشته باشند لیکن هیئتهای مرکز شهر طرف صبح نمی‌توانند و بر عکس؛ از ساعت ۱۲ ظهر هیئتهای مرکز شهر می‌توانند در کاروانسرای امین‌الدوله مراسم پایانی داشته باشند اما هیئتهای پشت مشهد نمی‌توانند. ناگفته نماند که بعد از ظهر از طرف پشت مشهد کمتر هیئت به بازار می‌آید. هنگام حرکت هیئتها گاو و گوسفند جلوی آنان قربانی می‌کنند و افراد بسیاری مقدم عزاداران را با پاشیدن گلاب گرمی می‌دارند.

روزهای تاسوعا و عاشورا خیابان باباافضل - میانهٔ دو سوی بازار - میعادگاه هزاران عاشق و دلباختهٔ اهل بیت است که به عشق عباس بن علی علیه السلام و حضرت سیدالشهدا علیه السلام سینه می‌زنند و اشک از دیده جاری می‌سازند.

قلم از شور و حال و عظمت عزاداری و سینه‌زنی دوستان و محبتان اهل بیت در روز تاسوعا و عاشورا بویژه بعد از ظهر، عاجز و قاصر است. آن هنگام که دو هیئت ابوالفضل -

مدرسه سلطانی و مسجد جامع - ذکر می‌گیرند و جوانان با فریادهای ابوالفضل - ابوالفضل بر سر و سینه می‌زنند و محاسن سپیدها از دیده به جای اشک، خون جاری می‌سازند عطر ملائک به مشام می‌رسد و حضور سبز علمدار کربلا حس می‌شود.

و آن هنگام که نخلهای عزا و ماتم به دست صدها دلسوخته برافراشته می‌شود و هزاران جوان عاشق و شیدای وادی عشق بر سر و سینه‌زنان فریادهای «حسین - حسین، وا حسین» سر می‌دهند؛ آنگاه است که رایحه عشق فضا را معطر می‌کند و اشک ملائک، گلاب روی عزاداران می‌گردد.

آن هنگام که نخل سیاهپوش حسین می‌آید صدای مادر غمدیده‌ای به گوش جان می‌رسد که با صدایی شکسته در گلو می‌گوید: حسین مظلوم! حسین مادر! غریب مادر! حسین عطشان!

چگونه می‌توان آن لحظات عرفانی و عاطفی را وصف نمود جز آنکه خود عاشق و دل‌باخته باشی.

بانی

در فرهنگ اسلامی وقف جایگاه ویژه‌ای دارد و از اهمیت فراوانی برخوردار است در ستایش این سنت پسندیده اسلامی احادیث و روایات فراوانی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ ائمه طاهرين عليهم السلام نقل شده است و برای واقف اجر و پاداش دنیوی و اخروی و حسنه فراوان روایت شده است. در جامعه اسلامی وقف مساجد، مدارس، تکایا و حسینیه‌ها، قنوات و آب‌انبارها و دهها طرح و بنای عام‌المنفعه دیگر از این منظر قابل بررسی و تأمل است.

در فرهنگ عاشورایی که برگرفته از فرهنگ اسلامی است نوعی از وقف به چشم می‌خورد که واقف آن را «بانی» می‌نامند.

ساخت شعائر حسینی چون نخل، توغ، جریده، علم، کتل، علمات و تقبل هزینه مجالس روضه‌خوانی، عزاداری، تعزیه‌خوانی و سفره و پذیرایی نمونه‌هایی است که افراد از

روی عشق و علاقه و نذر و نیاز انجام می‌دهند.

پرچم

همان بیرق، علم و لیاست؛ هر گروه و دسته‌ای پرچم خاصی دارد. پرچمها به رنگهای سیاه، سرخ و سبز است. پرچم دو چوبه، پرچم سه گوش و کتل از انواع دیگر پرچم است. هیئتهای حسینی هنگام حرکت به سوی بازار برای عزاداری سنتی و یا هنگام دورهٔ هیئت، پرچم دوچوبهٔ خود را که بر آن نام، مرکز و سال تأسیس هیئت نقش بسته است، جلوی دسته حرکت داده دهها پرچم کوچک و بزرگ دیگر را به دست نونهالان و نوجوانان در پس آن حرکت می‌دهند که شکوه و عظمت خاصی به جمعیت عزادار می‌بخشد. اعضا و افراد هر هیئتی نسبت به پرچم هیئت خود تعصب خاصی دارند تا جایی که متأسفانه در بین دو هیئت گاهی اوقات نزاعها و جنگهایی نیز به وقوع می‌پیوندد. هر هیئت در نصب پرچم در محله و محیط اطراف مرکز خود حد و حدود مشخصی دارد که دیگران نمی‌توانند در آن حدود تعیین شده پرچم هیئت خویش را نصب کنند و اگر هیئتی از مرز خود تجاوز کرده پرچم خود را در حد و مرز هیئت دیگری نصب کند حرفها و مشاجرات فراوانی به وقوع می‌پیوندد. نمونه‌ای از حدود و مرز بندیها در نقشه (۱) مشخص است.

پرده خوانی

«پرده خوانی» مراسمی است که پرده خوانان بر اساس موضوعات نقاشی شده بر روی پرده - که طول یک پرده گاهی اوقات به بیش از ده متر می‌رسد - با نوایی گرم و دلنشین و صدایی رسا و گیرا مراثی، اشعار و نوحه‌هایی را که شرح آن تصاویر است می‌خوانند. تصاویر این پرده‌ها که به واقعهٔ کربلا مربوط است و یا به نوعی با آن حادثهٔ جانگداز در ارتباط می‌باشد چنان شور و هیجانی در دلها ایجاد می‌کند که گویی حاضران در آن حادثهٔ عظیم حضور دارند. پس از پایان مراسم پرده خوانی مردم به «پرده خوان» که به او

«مرشد» نیز می‌گویند کمک مالی می‌کنند.

«در این گونه مراسم پرده خوانان با استفاده از پرده‌های بسیار بزرگی که نقاشان و صورتگران حرفه‌ای موضوعات گوناگون عاشورا و صحنه‌های کربلا را روی آن ترسیم کرده‌اند، با روشهای ویژه به توضیح هر پرده و تشریح وقایع خاص آن می‌پرداختند. پرده‌خوانی به شکل دوره‌گردی انجام می‌شد و «پرده‌گردانی» شغل افرادی بود که شهر به شهر و محله به محله گشته و پرده‌های خود را به نمایش می‌گذاشتند.»^(۱)

در این پرده‌ها «بر مبنای حوادث تاریخ اسلام، بویژه وقایع کربلا، نقاشیهای درهم و برهمی روی پرده کشیده می‌شود که عنوان «پرده‌نگاری» دارد؛ نگارگران پرده‌های مذهبی، عموماً با الهام از مقتله‌ها، به تصویر صحنه‌ها می‌پرداختند. نقالان هم با نصب آنها بر روی دیوار و در حضور مردم، با بیانی گرم به تعزیه‌خوانی و پرده‌خوانی بر اساس حوادث به تصویر کشیده شده می‌پرداختند. محتوای این پرده‌ها اعم از دنیا و آخرت، بهشت و جهنم، صالحان و شروران، حسینیان و یزیدیان بود. در این پرده‌ها، شمایل حضرت عباس علیه السلام با دستانی از بدن جدا، طفلان مسلم، خیمه‌های سوزان، قیام مختار، مجلس جن و انس، معراج پیامبر با براق، حوض کوثر، ضامن آهو و ... کشیده می‌شد و نقالان پرده‌خوان با نثر و شعر، حوادث مربوط به آنها را با صدای بلند بازگو می‌کردند و از حاضران اشک می‌گرفتند.»^(۲)

زنان و مردانی که به تماشای پرده‌ها می‌نشستند چنان انقلابی در دلشان ایجاد می‌شد که با چشمانی اشکبار و دیده‌ای گریان همراه با ناله‌های جانگداز، دل به کلام پرده‌خوان می‌سپردند.

«در شهرستان کاشان تا یکی - دو دههٔ قبل نیز پرده‌خوانی رواج داشت و پرده‌خوانان نه تنها در ایام محرم بلکه در تمام طول سال هر کجا جمعیتی و جماعتی بود با نصب پرده‌ها، خاطرۀ عاشورا و روح سلحشوری را در اذهان زنده می‌کردند. تکایا و میادین شهر

۱- کیهان فرهنگی، سال دهم، شماره سوم

۲- روزنامه کیهان ۷۳/۴/۷ صفحه ۱۲، مقاله «پرده‌های مذهبی»

مانند میدان کمال‌الملک و مزارات دشت‌افروز و فیض از جملهٔ مراکز مهمتی بودند که پرده‌خوانان پرده‌های خود را بر دیوارها نصب می‌کردند و مردم مشتاق و علاقمند را به دیدن و شنیدن فرا می‌خواندند. لیکن متأسفانه چند سالی است که از آن پرده‌ها و پرده‌خوانان خبری نیست.»^(۱)

تاسوعا

شب تاسوعا به عنوان شب عزاداری و سینه‌زنی هیئتهای ابوالفضلی کاشان است. در این شب مردم شیفته و دلدادۀ قمرینی هاشم علیه السلام در این مجالس شرکت می‌کنند و با سینه‌زنی در این محافل عشق و محبت خود را به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بیان می‌کنند. اصلی‌ترین مجالسی که در این شب میزبان هزاران نفر از زنان و مردان و جوانان است عبارتند از: ۱- مدرسه سلطانی (مرکز هیئت ابوالفضل) ۲- مسجد جامع کاشان (مرکز هیئت ابوالفضل) ۳- مسجد میدان امیر پشت مشهد (مرکز هیئت ابوالفضل) که پذیرای هزاران زن و مرد عزادار است؛ البته در تمامی مساجد و حسینیه‌ها و مراکز هیئتها و حتّاً در بعضی از منازل در این شب و عزاداری برپاست. این شب و شب عاشورا همچون شبهای احیای ماه رمضان مردم تا سحرگاهان بیدار هستند و در مجالس از خطابه و عَظا و مدیحه سرایی مداحان اهل بیت استفاده‌ها می‌برند.

در روز تاسوعا از دیداد هیئات مذهبی در بازار کاشان موجب آن شده است که از صبح تا ساعت ۱۲ شب هیئتهای عزاداری در بازار مشغول سینه زدن و عزاداری باشند و اوج این عزاداری هنگام ذکر گرفتن دو هیئت ابوالفضلی مدرسهٔ سلطانی و مسجد جامع است که هزاران نفر در حدّ فاصل خیابان باباافضل و میدان کمال‌الملک همچنین در بازار منتظر و تماشاگر این عشق بازی و ارادت هستند.

تعزیه

معنای لغوی تعزیه با معنای اصطلاحی آن تفاوت دارد. تعزیه در لغت به معنای سوگواری و عزاداری است و یا به مجلسی گویند که به یادبود فوت شده‌ای برگزار می‌شود. اما در اصطلاح به نوعی از نمایش مذهبی گویند که زنده‌کنندهٔ واقعهٔ تاریخی و ماندگاری در تاریخ اسلام و تشیع است نظیر وقایع غدیر خم، کربلا، قیام مختار و ...

اولین تعزیه‌ها در دورهٔ قاجار برپا شد و دوران شکوفایی و رونق تعزیه و تعزیه‌خوانی در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار است که با ساخت تکیهٔ دولت به اوج خود رسید.

در کتاب «تعزیه؛ هنر بومی پیشرو ایران» اثر پنز چلکووسکی دربارهٔ تعزیه و تکایا مطالب تازه و جالبی وجود دارد، از جمله:

«با سازش میان دسته‌های ستار و روضه خوان ساکن، تعزیه ابتدا در چهار راهها و میادین اجرا می‌شد، اما به زودی به حیاط کاروانسراها، بازارها و منازل شخصی کشانیده شد.

در سدهٔ نوزدهم این نمایشهای نوظهور در تماشاخانه‌های باز یا سر بسته بنام «تکیه» - که معمولاً به وسیلهٔ طبقات مرفه و فرادست به عنوان یک خدمت مذهبی و عمومی ساخته شدند - به اجرا در می‌آمد. شماری از تکیه‌ها هزاران تماشاگر را در خود جای می‌دادند، اما بیشتر تنها پذیرای چند نفر بودند.

در شهرهای کوچک و روستاها، انواع ساده‌تر متداول بود. بعضی از تکیه‌ها به طور موقت و صرفاً برای تظاهرات ماه محرم برافراشته می‌شدند. حتا سفارتخانه‌های انگلیس و روسیهٔ تزاری در برپایی مجلل‌ترین تکیه برای مراسم سالانهٔ محرم در تهران رقابت می‌کردند ...» (۱)

تعزیه با نام کاشان ارتباطی جدا نشدنی دارد چرا که یکی از خاستگاههای اصلی و مهم هنر تعزیه بویژه در دورهٔ شکوفایی آن یعنی دوره قاجار، کاشان بوده است. به یمن وجود

عاشقان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و ادیبان و صاحبان ذوق و هنر، کاشان همواره یکی از پایگاه‌های مهم تعزیه و تعزیه‌خوانی بوده که تعزیه‌خوانان بنام و معروف آن شهره عام و خاص بوده‌اند. از این روی تعزیه وامدار کاشان است.

از تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانهای مشهور و بنام ایران یکی سیدمصطفی کاشانی معروف به «میرعزا» و دیگری پسرش سیدکاظم کاشانی معروف به «میرغم» بوده‌اند که در همان دوره - زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه - تعزیه‌های خوب و پرشکوهی را در تهران (تکیه دولت) و در کاشان برپا می‌کردند؛ همچنین سید زین‌العابدین، قراب‌کاشی نیز از تعزیه‌خوانان معروف ایران است.

عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» جلد اول صفحه ۲۹۱ در این باره

می‌نویسد:

«اما تعزیه‌خوانهای کاشی به‌واسطه حسن صورت و آواز خوشی که داشتند در سایر شهرها هم مورد توجه بودند و در تعزیه‌های بزرگ تهران و مجالسی که در تکیه دولت برپا می‌شد نقشهای مهم و حساس به عهده آنها بود.»

متأسفانه در این زمان نقش تعزیه و تعزیه‌گردانی بسیار ضعیف و کمرنگ شده است. نیم قرن پیش بسیاری از هیئتها برنامه تعزیه برداری داشته‌اند که حالا اثری از آن برنامه‌ها و مراسم نیست. در بسیاری از مجالس، تعزیه‌خوانهای سیار به تعزیه‌خوانی می‌پرداختند که از آن افراد هم دیگر اثری نیست.

در چند سال اخیر بعضی از هیئتها که تعدادشان به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد تعزیه‌هایی را به صورت سیار اجرا می‌کنند از جمله هیئت انصار ابوالفضل - خیابان نطنز - در روز اربعین و هیئتی تازه تأسیس از منطقه لتحر کاشان که در بعدازظهر روز عاشورا در میدان کمال‌الملک به تعزیه‌خوانی می‌پردازند. اما در نوش‌آباد کاشان تعزیه بسیار معروف و مشهوری است که افراد زیادی از کاشان برای دیدن آن به نوش‌آباد می‌روند.

یکی از مراسم معروف تعزیه‌خوانی در قرن اخیر که بیش از سی و پنج سال است که

دیگر خبری از آن نیست تعزیه برداری هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - محلهٔ کَلْهَر - است که در شب ۱۵ محرم الحرام برگزار می‌شده است.

آقای جواد اسماعیلی شاعر و ذاکر اهل بیت علیهم السلام در این زمینه می‌گوید:

«نقش من «یزید» بود و شاطرعبّاس شاطری نقش «شمر» را بازی می‌کرد. چه چهرهٔ پرجاذبه و صدای با صلابتی داشت. چه روزگاری! بچه‌های هیئت چه عشق و علاقه‌ای داشتند! وقتی که وارد مجلسی می‌شدیم و تعزیه شروع می‌شد زلزله در مجلس می‌افتاد؛ همه اشک می‌ریختند، ناله و فریاد می‌زدند، صدای شیون مجلس را فرا می‌گرفت و چهره‌ای نبود که از اشک، تر نشده باشد.

شمر (شاطرعبّاس): سلطان شهر شام! سلام،

یزید (جواد اسماعیلی): سلامها!

شمر: آورده‌ام خبر،

یزید: ز کجا؟

شمر: دشت کربلا،

یزید: فتح است یا شکست؟

شمر: به اقبال شاه، فتح!

یزید: حمد خدا کنم که جهان شد به کام ما،

یزید: سلطان دین حسین شهید شد؟

شمر: بلی، بر خون خود طپیده شد!

یزید: کس یاری اش نکرد؟

شمر: چرا!

یزید: کی؟

شمر: برادرش،

یزید: نامش چه بود؟

شمر: حضرت عبّاس باوفا!

یزید: آن هم شهید شد؟

شمر: بلی،

یزید: چون شهید شد؟

شمر: از کینه هر دو دست شد از پیکرش جدا،

یزید: چگونه جنگ نمود؟

شمر: دلیرانه!

یزید: وصف کن!

شمر: زد بر سر سپاه، خود را چو ازدها ...»^(۱)

حسن نراقی در «تاریخ اجتماعی کاشان» می‌نویسد:

«در ایام عاشورا همراه دسته‌های عزاداران، تعزیه خوانها هم سواره و پیاده در حرکت بودند و صحنه‌سازیهای این‌گونه تعزیه‌های سیار به قدری پر طول و تفصیل بود که گاهی عبور آنها از بازار شهر بیش از شش ساعت به طول می‌انجامید. و در این مدت بند واسطهٔ ازدحام زن و مرد اهالی برای تماشای داکین و کاروانسراها بسته و تعطیل می‌گردید.»^(۲)

تکیه

«تکیه» لفظی ست عربی به معنای «پشت به چیزی گذاشتن» چنان‌که سعدی گوید:

مرا تکیه جان پسر بر عصاست دگر «تکیه» بر زندگانی خطاست

در فرهنگها یکی از معانی تکیه را مکان فقیران، خانقاه، منزل درویشان، دیر، صومعه، حسینیه، تعزیه‌خانه و ... ذکر کرده‌اند. در لغتنامهٔ دهخدا ذیل کلمه «تکیه» آمده است:

«تکیه جمع آن تکایا، جایی که معمولاً از مسافران فقیر یا افرادی که توصیه شده باشند، بلاعوض پذیرایی کنند. تکیه در هند و ایران و مصر و شام مشابه «زاویه» در آفریقا است.»

گزارش انگلبرت کمپفر (۱۶۵۱ - ۱۷۱۶ م.) که در عصر صفوی به ایران سفر کرده است

تأیید می‌کند که تکایا در معابر و میادین برای استفاده مسافران بنا می‌شده است. «تکیه، گوشه یا کلبه‌ای است در زیر آسمان و یا نوعی استراحتگاه در محلی دنج که تنها در مصاحبت دیگران برای رفع خستگی به آنجا می‌روند تا وقت را با کشیدن چیق و قلیان و نوشیدن بگذرانند. تکیه‌ها در معابر و میدانهای عمومی دیده می‌شدند. مخارج ساختن این تکیه‌ها اندک است و بیشتر به خاطر درویشهایی که گدایی می‌کنند و شهرها و بیابانها را در می‌نوردند، برپا می‌شود.»^(۱)

تکایا همواره محل اجتماع جوانمردان و اهل فتوت و اخیان بوده است و با گذشت زمان آداب و رسوم خاصی نیز بر آن افزوده شده چنان‌که ملاحسین کاشفی در «فتوت‌نامه سلطانی» خویش برای تکیه داران و به تکیه درآمدن، آدابی را مطرح کرده است.

در آداب به تکیه در آمدن

ملاحسین واعظ کاشفی در «فتوت‌نامه سلطانی» در آداب به تکیه در آمدن چنین آورده است که:

«بدان که هر درویشی که به منزل رسد باید که از احوال ساکنان آن دیار پرسشی نماید و هر جا که از اهل دلی و عزیزی نشان یابد خود را به ملازمت او رساند و در آمدن به تکیه فقرا چند چیز رعایت کند تا دانند که او میان بسته است و خدمت فقرا کرده:

اگر پرسند که آداب به تکیه درآمدن چند است؟ بگوی سه: اول آنکه با وضو باشد؛ دویم آنکه چون به آستانه رسد پای راست فرا پیش نهد؛ سیوم آنکه گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ.

اگر پرسند که مستحب تکیه درآمدن چند است؟ بگوی دو: اول آنکه چون به تکیه درآید این دعا بخواند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ اسْتُرْ عَيْبِي وَ افْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دویم جای پاک طلب کند و دو رکعت نماز بگذارد و اگر محال نباشد سه بار تسبیح بگوید، بدین وجه: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**

اگر پرسند که حرمت به تکیه در آمدن کدام است؟ بگوی آنکه اگر سنانی بر سر عصا دارد سنان را روی به خود کند نه روی به تکیه.

اگر پرسند که این چه معنا دارد؟ بگوی معنیش آن است که با سنان مجاهده بر نفس خود زده‌ایم.

اگر پرسند که ارکان به تکیه در آمدن چند است؟ بگوی هشت: اول سلام کردن بدین عبارت که «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهل الشَّدِّ والفتوَّة و رحمةُ اللَّهِ و برکاته». دوم از سر تواضع روی بر خاک نهادن؛ سیم اهل جمع را مصافی کردن و به دست دریافتن؛ چهارم ترجمان گفتن؛ پنجم جای طلب کردن؛ ششم سجدهٔ تحیت به جای آوردن؛ هفتم حق‌القدم گفتن؛ هشتم هر جا که حواله کنند، نشستن.

اگر پرسند که شرط به تکیه در آمدن کدام است؟ بگوی آنکه نشانهٔ ارادت بنماید. اگر پرسند که نشانهٔ ارادت کدام است؟ بگوی آنکه بی تحفه و تبرک به نظر پیران نرود.

اگر پرسند که به تکیه به سر آمدی پا به پا؟ بگوی بی سر و پا آمدم و به صدق و صفا آمدم.

اگر پرسند که به چه روی آمدی؟ بگوی به روی نیاز.

اگر پرسند که به بوی که آمدی؟ بگوی که به بوی مهر و وفا.

اگر پرسند که تکیه تو را طلبید یا تو تکیه را طلبیدی؟ بگوی تکیه مرا طلبید و من صاحب تکیه را طلبیدم.

اگر پرسند که به چند عهد به تکیه در آمدی؟ بگوی به چهار عهد.

اگر پرسند که آن چهار عهد کدام است؟ بگوی اول در آمدن به حرمت؛ دویم

نشستن به عزت؛ سیم گفتن به حکمت؛ چهارم برخاستن به خدمت»^(۱)

با رونق گرفتن مکتب تشیع در عهد صفوی تکیه‌ها از حالت خانقاهی و صفه‌نشینی خارج و به محل برگزاری مراسم عزاداری، سوگواری، تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی بدل شد و جایگاه خویش را در نزد حکومت و مردم مستحکم نمود.

«در عهد صفویه هنگامی که روضه‌خوانی مجلسی با ذکر مراثی و نوحه‌سرایی و حرکت دسته‌های عزاداران همراه با تظاهرات گوناگون در سوگواریهای مذهبی معمول گردید در بدو امر جهت تشکیل مجالس و محافل اجتماع شیعیان، از گذرگاههای عمومی و چهارسوقهای شهر که اغلب هم مسقف بود استفاده می‌شد، تا آنکه دستجات عزاداران و علامتهای آنها که عبارت بود از طوق و علم و عماریهای بزرگ (که نخل نامیده می‌شد) و اسبهای یدک‌کش و احياناً چند نفر شتر حامل اسیران که بتوانند به سهولت عبور کنند. مهمترین تکایای آن زمان در کاشان از این قرار بوده است:

تکیه پای نخل در اواخر بازار بزرگ شهر، تکیه سر پوشیده کوی طاهر و منصور، تکیه قبرستان درب باغ، تکیه گذر سرپره، تکیه کوی سر سنگ، تکیه پامنار، تکیه بزرگ سر پوشیده قاضی اسدالله میدان ولی سلطان، تکیه گذر مابین، تکیه میدان کهنه، تکیه درب حوض پشت مشهد، تکیه کوی گلچگانه، تکیه محتشم و تکیه کلهر. سپس نیز برای روضه‌خوانیهای مجلسی، حسینیه‌های متعدد که هر یک دارای غرفه‌ها و طاقنمای بزرگ و کوچک بود در هر کوی و برزن ساخته شد که در ایام عاشورا همه را سیاهپوش کرده با انواع چراغهای رنگارنگ آراسته می‌گردید. از دوره کریم‌خان زند که نمایندهای مذهبی به صورت تعزیه‌خوانی و شبیه‌گردانی بیشتر مرسوم گردید و جنبه‌های مختلف آن مورد توجه عامه قرار گرفت، تکایای مخصوص و وسیعتری فقط برای تعزیه‌خوانی ساخته شد که در وسط آنها تختگاه برجسته‌ای به ارتفاع یک متر از کف زمین برای نمایش دادن صحنه‌های مختلف تعزیه ساخته شده بود. در عهد قاجاریه که تعزیه‌خوانی شیوع کامل پیدا کرد تکیه بزرگ و مجللی به نام حاجی محمدجعفر خان در کاشان مخصوص این کار

در کوی سرپله ساخته شد.»^(۱)

در زمان حاضر تکایا به «حسینیه» تغییر نام یافته و از کارایی قبلی آن نیز دیگر خبری نیست و تنها برای روضه‌خوانی و سینه‌زنی هیئت واقع در آن محله، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

توغ

از وسایل عزاداری در دستجات و هیئتهای سینه‌زنی کاشان و دیگر شهرها «توغ» است که در جلوی دسته‌ها و هیئتها به حرکت در می‌آورند و عزاداران حسینی در عقب آن بر سر و سینه می‌زنند. اما توغ چیست؟ آئین جامه کردن توغ چگونه است؟ توغ را با چه پارچه‌هایی می‌پوشانند؟ توغ را چگونه حرکت می‌دهند؟ چرا خمیده حمل می‌کنند؟ آیا توغها را نیز به «دوره» می‌برند؟ توغهای کاشان کدامند؟ توغ کش به چه کسی می‌گویند؟ و ...

توغ: «جنسی ست از هیزم سخت.»^(۲) هیزم تاغ را گویند و آتش آن بسیار ماند.^(۳) همان درخت تاغ و تاخ است.^(۴) هیزمی ست که آتش آن دیر بماند و آن را تاغ و تاخ نیز نامند.^(۵) هیزمی ست که آتش او سخت، تیز است.»^(۶)

«به معنی علم و نشان.»^(۷) علم، درفش، علم و رایت بزرگی که در ایام عزاداری سکنه بعض محله‌ها در برخی از شهرها آن را حرکت دهند، و آن از امتیازات محلات مزبور محسوب شود.»^(۸)

«از جمله وسایل عزاداری که از قرن‌ها قبل رسم و رایج گردیده برای اقامه عزاداری و به همراه دستجات عزا بردارند توغ، بیرق و علم است که هر سه عنوان نشانه عزا و سوگواری

۱- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، صص ۲۲۱ تا ۲۲۲

۲- لغت فرس اسدی، مصحح اقبال، ص ۲۲۹

۳- برهان قاطع و فرهنگ آندراج.

۴- فرهنگ رشیدی.

۵- فرهنگ جهانگیری.

۶- شرفنامه منیری.

۷- غیاث‌اللغات.

۸- فرهنگ معین.

را دارد. اما اسم و شکل آنها با یکدیگر متفاوت بوده مغایرت دارد.»^(۱)

«توغ، گویا کلمه‌ای است ترکی ماوراءالنهری و در اصل نام درخت و هیزم تاغ است که امروزه هم گاهی در دامنه کوهها دیده می‌شود. از دوران سلجوقیان به بعد (از قبل از سلجوقیان نویسنده اطلاعی ندارد) این لفظ به نوعی علم اطلاق شده است که به فرماندهان و سپهسالاران بزرگ اختصاص داشته است.

املای این کلمه بنا بر ضبط بعضی از فرهنگ نویسان با تاء منقوطة و غین است ولی بعضی دیگر از جمله نویسنده بهار عجم با غین و قاف هر دو ضبط کرده‌اند.»^(۲)

«توغ، در اصل لغتی‌ست ترکی به معنی پرچم، علم و بیرق. چون ترکان آق‌قویونلو همیشه در پیشاپیش سپاهیان علمی را حرکت می‌دادند که به آن توغ می‌گفتند و به کاربردن این علامت در زمان صفویه نیز بین سپاهیان قزلباش رواج یافت، بتدریج این علامت در دسته‌جات عزاداری نیز به کار برده شد. به این تعبیر که عزاداران همه سربازان امام حسین علیه السلام هستند و از این جهت به عنوان یک شیء مقدس شناخته شده و با همان لغت ترکی «توغ» شهرت یافت.»^(۳)

«طوق زبانه‌ای از فولاد به عرض تقریبی هفت سانتی‌متر و به طول یک متر الی یک مترونیم و قطری در حدود سه میلی‌متر دارد که منتهالیه سر آن به شکل گلابی قلم زده و از پائین به سینی به شکل قلب متصل است و سطح این سینی هم قلمزده و کلماتی از قرآن و یا چیز دیگری متناسب با موضوع پنجره‌وار کننده شده و دور آن به فواصلی چله‌هایی مانند پیکان نیز وصل است و در پایین آن لوله آهنی‌ست که سر چوبی به قطر نزدیک بیست سانتی‌متر و بلندی دو تا سه متر در آن است و طاقه شال ترمه‌ای به آن گره می‌زنند و در مواقعی که به اصطلاح «دسته» می‌روند شالی به کمر بسته و ته چوب را در آن گذاشته به‌طور قائم می‌برند.»^(۴)

«یکی از مراسم ویژه ایام محرم جامه کردن توغهای هر تکیه است. هر تکیه تعدادی

توغ دارد که در روزی خاص از ایام محرم آنها را جامه (لباس) می‌کنند و این سنت در بسیاری از شهرها هم اکنون با کم و بیش اختلافی رواج دارد. مردم عزادار با نظمی خاص در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی وارد تکیه شده و به دنبال آن توغها با شور و هیجانی خاص به همراه شیون و نالهٔ مردان و زنان به حالت نیمه افراشته نگه داشته می‌شود. در این حالت توغ را به آداب و ادب جامه می‌کنند و توغها آمادهٔ برافراشته شدن می‌شوند. (به نشانه افراشتن علم حسین بن علی علیه السلام) سپس در حالی که علمها نیمه افراشته است، خطیب با وقار کامل بر فراز بلندی و با آهنگی طنین‌دار خطبه‌ای در سکوت جمعیت می‌خواند. پس از آن نوبت ذکر ائمهٔ اطهار تا قائم آل محمد علیهم السلام است که مردم با شنیدن نام مبارک آن حضرت یکباره از جا کنده می‌شوند و با طنین صلوات و ندای حسین - حسین، علمها را در فضایی روحانی و پر از احساس و شور و هیجان برافراشته به کنار می‌نهند و این مراسم تا پایان محرم و در تکایای مختلف به اجرا درمی‌آید.^(۱)

ملاحسین واعظ کاشفی در «فتوت‌نامهٔ سلطانی» در این باب می‌آورد:

«اگر پرسند که توغ از کجا گرفته‌اید؟ بگوی توغ همین نیزه است، اما به شرط آنکه پرچم داشته باشد و روایت این چنان است که حسان روزی وصله‌ای چند از الف نمود بر نیزه بسته بود و در دست گرفته، امیر پرسید که‌ای حسان این چه معنی دارد؟ گفت: یا امیر، این نیزه را علم ساخته‌ام، یعنی به مهر و محبت شما در عالم علم شده‌ام و این وصله نمود اشارت بدان است که اگر مرا روزی در هوا داری شما قطعه قطعه بسازند هر یک به شکل الف، همچنان در طریق خدمت ثابت قدم خواهم بود و مداحان در توغ این روایت سند گرفته‌اند.

اگر پرسند که توغ چه معنا دارد؟ بگوی توغ اصل و نشانه را می‌گویند و در هر لشکرگاهی که توغ زدند، هر کس می‌داند که جای او کجاست، آنجا می‌رود، اینجا نیز در معرکهٔ فقر توغ مداحان نمودار توغ پادشاهان است، هر کجا مداحان توغ نصب کردند، هر کسی از معرکه‌گیران حد خود و مقام خود داند.

اگر پرسند که لازمهٔ پای توغ چه چیز است؟ بگوی سفره و چراغ.
 اگر پرسند که سر توغ چیست؟ بگوی سربازی در محبت و سرافرازی برادران خواستن.
 اگر پرسند پای توغ چیست؟ بگوی درکشیدن سفره و افروختن چراغ و پایدار بدان بودن.
 اگر پرسند که چوب توغ چیست؟ بگوی استقامت ورزیدن در محبت است و درست بودن»^(۱)

توغ در کاشان

پس از رسمیت یافتن حکومت شیعه در ایران و ارزش دادن صفویه به شعارهای مذهبی، خاصه مراسم تعزیت و سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، برای برگذاری باشکوهتر مجالس روضه و عزا، وسایل و شعارهایی از قبیل توغ، جریده، کتل و نخل همراه با آداب و رسوم خاصی افزوده شد.

کاشان نیز از این قاعده مستثنا نبود و اخلاص و اعتقاد راسخ مردم به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و عشق و علاقه به حضرت سیدالشهدا علیه السلام باعث شد که توغها، جریده‌ها، نخلها و کتلها ساختند و وقف تکیه‌ها و مساجد نمودند و برای عزاداری پای آن شعائر موقوفاتی نمودند و روز به روز بر عظمت و شکوه مراسم عزاداری افزودند. از جمله توغهای معروف که در کاشان موجود است و در زمان حاضر نیز هیئتها به بازار می‌آورند عبارتند از:

توغ کلهر

از توغهایی که هم اکنون در عزاداری پیشاپیش دستهٔ عزادار حرکت داده می‌شود توغ محلهٔ کلهر است که معروف به توغ آسید فضل الهی است. این توغ به وسیلهٔ آسید فضل الله - از اجداد سادات کیوانیان محلهٔ کلهر - ساخته شده است و در تکیهٔ کلهر نگهداری

۱- فتوٰت نامهٔ سلطانی، ملّا حسین کاشفی.

می‌شده موقوفاتی نیز داشته است. بعد از تأسیس هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام و به وسیلهٔ هیئت اصغری در روز چهارم محرم به بازار آورده می‌شود و قبلاً در شب دورهٔ هیئت نیز جلوی هیئت اصغری می‌برده‌اند. این توغ هم اکنون در مسجد صادقیه نگهداری می‌شود.

توغ سپین

از قدیمی‌ترین توغهای کاشان است که در مسجد امام علی علیه السلام که روبروی درب غربی مسجد درب یلان است نگهداری می‌شود. در کتاب عزاداری سنتی شیعیان آمده است: «وقف سیغن» وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود این توغ را هر کس بخرد و بفروشد به لعنت خدا و نفرین رسول خدا گرفتار شود. و بر کاسهٔ پایین تیغهٔ آن علاوه بر صلوات کبیره که بر اکثر توغها نوشته و کنده‌اند این شعر را نوشته‌اند:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
 «سنهٔ ۱۰۲۰ هـ. ق»

روز سوم محرم الحرام هیئت شهدای درب یلان این توغ را به همراه علم، کتل و علمات به بازار می‌آورد.

توغ مابین

از دیگر توغهای کاشان که هنوز هم هر ساله به بازار می‌آورند و در پای آن عزاداری و سینه‌زنی می‌کنند توغ تکیهٔ مابین است که حالا در مسجد محمدیان - خیابان فاضل نراقی - نگهداری می‌شود و به وسیلهٔ هیئت امام حسن مجتبی علیه السلام در روز عاشورا برای عزاداری به بازار آورده می‌شود؛ همچنین در شب شانزدهم محرم که شب هفت امام حسین علیه السلام است توغ مابین را به دوره می‌برند و در مجالس به تعزیت و عزاداری می‌پردازند و در دههٔ آخر ماه صفر هم در روز بیست و هشتم که مصادف با رحلت پیامبر گرامی اسلام و شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است این توغ را به بازار برده به

پای آن عزاداری می‌نمایند.

بر روی توغ مابین سنهٔ ۱۱۲۴ هـ. ق حکاکی شده است.

توغ شیخ رضا

از مشهورترین توغهای کاشان توغ شیخ رضاست که از یک تیغه و بدنهٔ برنزی و تیر چوبی کوتاهی تشکیل شده است. بر توغ نامبرده چنین نقر شده است: «وقف امام حسین علیه السلام نمود آقا مهدی ولد مرحوم آقا صادق سنهٔ ۱۲۴۲ هجری قمری» در حال حاضر مسئولیت آن را سید مصطفی شیخ رضایی که به او بابای توغ گویند بر عهده دارد. این توغ ابتدا در بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام نگاهداری می‌شده است و شیخ رضا که از خادمان حرم امام رضا علیه السلام بوده این توغ را به عنوان هدیه به کاشان آورده است.

توغ شیخ رضا را در روزهای هشتم و دهم (عاشورا) محترم به بازار آورده در روز نهم (تاسوعا) به دوره می‌برند و در پای آن عزاداری و سینه‌زنی می‌نمایند و هنگام حرکت از اذکار قدیمی استفاده می‌کنند. (۱)

نکته:

- در جلوی این توغ هیچ‌گونه علم و پرچم دیگری به حرکت در نمی‌آید؛ تنها توغ است که در جلوی هیئت حرکت می‌کند.
- در گذشته هنگام عزاداری در بازار اگر توغ به دسته و هیئت دیگری برخورد می‌کرد به هر طریق به حرکت خود ادامه می‌داد لیکن حالا به خاطر نظم، انضباط و آگاهی، چنین کاری انجام نمی‌شود و از بروز بعضی ناهنجاریها جلوگیری شده است.

توغهای زیارت پنجه‌شاه

در زیارت پنجه‌شاه کاشان که مرکز هیئت چهارده معصوم علیهم‌السلام است چهار توغ وجود دارد که دو تا از آنها بزرگ و دو عدد دیگر کوچکتر است. بنا به گفتهٔ متولیان امر یکی از توغها از زیارت و هیئت است ولی توغهای دیگر چون در منازل قرار داشته است شایسته آن دیده‌اند که در زیارت باشد از این رو در صحن زیارت قرار گرفته است.

توغ پنجه‌شاه را بنا به سنت قدیم در شب پانزدهم محرم به وسیلهٔ هیئت چهارده معصوم به دوره می‌برند و پس از برگذاری مجالس عزاداری و سینه‌زنی دوباره وارد صحن زیارت نموده در پای آن سینه‌زنی و عزاداری می‌نمایند و در جایگاه خود قرار می‌دهند.

توغ میانچال

در مسجد میانچال که مرکز هیئت موسی بن جعفر علیه‌السلام است توغی ست که به وسیلهٔ این هیئت در شب شانزدهم محرم به دوره برده می‌شود و در مجالس روضه‌خوانی به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند و در پایان توغ را به مسجد میانچال آورده در جایگاه خود قرار می‌دهند.

چرا توغ را خمیده برمی‌دارند؟

در بسیاری از شهرهای ایران توغ را ایستاده و عمودی حمل می‌کنند و در جلوی هیئت عزادار حرکت می‌دهند؛ به این معنا که علم سیدالشهدا پابرجاست و ما آمادهٔ جانبازی و فداکاری هستیم اما در کاشان توغها را خمیده برمی‌دارند و در پیشاپیش هیئت حرکت می‌دهند. و دلیل این کار آن است که گویند: در روز عاشورا هنگامی که عملدار کربلا حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام بر زمین افتاد و برادر خویش را صدا زد و امام حسین علیه‌السلام بر بالین برادر حاضر شده این جمله را فرمود: «الآن انکسر ظهري و قلت حيلتي» الآن کمرم شکست و راه چاره به رویم بسته شد. به اعتبار این سخن و به احترام علم و ازگونِ عملدار کربلا توغها را خمیده حرکت می‌دهند و خمیده در مجالس عزاداری و

روضه قرار می‌دهند.

چگونگی حمل توغ

حرکت توغ در دسته جات و هیئتهای حسینی در شهرهای ایران به دو صورت است: در بیشتر شهرها به صورت عمودی است که چوب توغ را داخل کمر بند گذاشته همچون علامات حمل می‌کنند ولی در کاشان به صورت خمیده و افقی است. علاوه بر توغ و چوبهٔ توغ، چوبی که سر آن حلقه‌ای فلزی است زیر جامهٔ توغ قرار داده به وسیلهٔ آن توغ را بلند کرده داخل کمر بند می‌گذارند، سپس توغ را حرکت داده فردی نیز انتهای چوب توغ را نگاه می‌دارد تا به زمین کشیده نشود.

توغ جامه کردن

جامه کردن توغ یا لباس پوشاندن آن همراه با مراسم و عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. و با اشک دیده غبار ماتم را از روی توغ پاک می‌کنند و لباس عزای حسین علیه السلام را بر تن توغ می‌پوشانند. این مراسم در کاشان چند روز به محرم بویژه پنجشنبه شب (آخرین پنجشنبهٔ ماه ذی‌الحجه) یا چند روز اول محرم برگزار می‌گردد. توغهای کاشان که همگی زباندار است و زبانهٔ توغ را با دستمالهای ابریشمین، مخمل و پارچه‌های قیمتی به صورت آویزان می‌پوشانند و پارچهٔ قیمتی تیرمه‌ای را روی توغ تا انتهای چوب می‌پوشانند. پارچه‌ها و دستمالهای توغ نذری است که از سوی حاجتمندان و دردمندان صورت گرفته است.

جریده

معنای لغوی جریده عبارت است از: دفتر (۱)، دفتر اعمال (۲)، دفتر حساب (۳)، دفتر یا

۲- شرفنامهٔ منیری.

۱- ناظم‌الاطباء، شرفنامهٔ منیری.

۳- بهار عجم، آندراج.

کتاب یا رساله‌ای که حاوی مسائل سیاسی یا مالی یا سایر امور دیوانی باشد و در عربی و فارسی محدث است. روزنامه، مجله و ...^(۱)، گروه سواران که برای جنگ دشمن جدا کرده باشند^(۲)، گروه سواران که پیاده نداشته باشند.^(۳) شاخهٔ بی‌برگ^(۴)، شاخ درخت بی‌برگ^(۵)، شاخهٔ دراز، تر باشد یا خشک^(۶)، شاخهٔ درخت خرماست که برگهای کشیدهٔ بلندی از دو طرف و یک برگ عمودی در وسط دارد.^(۷)

جریده علمیه‌ست که در مراسم عزاداری و سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام در عقب دسته یا هیئت حرکت دهند.^(۸) یکی از علمهایی که برای اقامهٔ عزاداری در قرون گذشته تأسیس نموده‌اند و در چند شب و روز خاصی از ایام و لیالی عاشورا به همراه دستهٔ عزاداران حمل می‌نموده در پای آن بنام حضرت عباس علیه السلام به عزاداری می‌پرداخته‌اند.^(۹) در گویش محلی کاشان «جریده» را «جریته» می‌نامند (تبدیل حرف «د» به «ت» در گویش محلی کاشان رایج است).

جریده در فرهنگنامهٔ محترم از کاملترین و فصیحترین شعارهاست که زیباترین مفاهیم را در برابر دیدگان حقیقت بین مجسم می‌کند. شعاریست پر معنا با مفاهیم والا و سترگ و آنچه در این شعار دیده می‌شود شباهت و مناسبت با حادثهٔ خونین عاشورا دارد. جریده پیامی رسا و گویا از شعور و آگاهی گذشتگانمان به واقعهٔ کربلاست. کَشکول در جریده: به معنای سقایی حضرت قمربنی هاشم علیه السلام در کربلاست^(۱۰) هلال در جریده: به معنای آن است که حضرت عباس بن علی علیه السلام ماه بنی هاشمیست^(۱۱)

۱- لغتنامهٔ دهخدا.

۲- منتهی الأرب.

۳- شرح قاموس.

۴- اقرب الموارد.

۵- غیث اللغات.

۶- ناظم الأطبایا.

۷- نخل و گهواره.

۸- عزاداری سنتی شیعیان.

۹- عزاداری سنتی شیعیان.

۱۰- از ویژگیهای خاص حضرت عباس (ع) در روز عاشورا و قبل از عاشورا سقایی آن حضرت است که برای اهل حرم به وسیلهٔ مشک از نهر علقمه یا شریعهٔ فرات آب می‌آورده است.

۱۱- این شهر آشوب در کتاب مناقب می‌نگارد: بدین لحاظ به حضرت ابوالفضل قمربنی هاشم می‌گفتند که نور جمال و چهرهٔ مبارک او همانند ماه درخشان بود و در تاریکیها احتیاجی به نور نداشت.

آئینه در جریده: صداقت و یک رنگی و آئینه بودن حضرت ابوالفضل در روز عاشورا است. رشته‌های مروارید: رشتهٔ الفت و مهربانی و وفاداری حضرت عباس علیه السلام نسبت به برادر بزرگوار خود حضرت امام حسین علیه السلام و بچه‌های حرم می‌باشد.

علم جریده: نشان از علمداری و سپهداری علمدار کربلاست.

پنجه‌های فلزی: نشان از دستان بریدهٔ حضرت ابوالفضل علیه السلام در روز عاشورا است.

شیر فلزی: نشان از شجاعت و شهامت فرزند علی حضرت ابوالفضل علیه السلام است.

در فرهنگ عزاداری وسایل و اشیائی که همراه دسته و هیئت به حرکت درمی‌آوردند همگی دارای مفهوم و معنای خاصی است و آن شعار از خصوصیات شهیدی از شهدای روز عاشورا است؛ مثلاً گهواره نشان از حضور طفل شیرخواره و سمبل شش ماههٔ شهید عاشورا است. و جریده نیز نشانی از حضرت عباس علیه السلام است چرا که تمامی خصوصیت‌های آن حضرت در آن گنجانیده شده است. پیشینیانمان آنچنان دقیق و موشکافانه بر اساس تاریخ و مقتل عاشورا عمل کرده‌اند که حتا حرکت جریده و عزاداری در پای آن هم با تاریخ قیام عاشورا و نقش حضرت ابوالفضل علیه السلام در قیام خونین کربلا همخوانی و همگونی دارد. جریده را در شب هفتم یا در روز هفتم محرم حرکت می‌دهند و یا در پای جریده مجلس و عزاداری برپا می‌کنند و سفره می‌اندازند. چرا که لشکر عمر سعد در روز هفتم ماه محرم آب را به روی حرم ابی عبدالله علیه السلام بست؛ همچنین در روز نهم ماه محرم که این روز تعلق به حضرت عباس علیه السلام دارد، جریده را همراه دسته و هیئت برداشته حرکت می‌دهند، همچنین در روز یازدهم که روز ختم و عزای شهدای کربلاست، بعضی از جریده‌ها را همراه هیئت به بازار می‌برند.

اجزای جریده

تمامی جریده‌ها مجموعه‌ای از این اشیاء هستند با کمترین اختلاف در ساخت. جریده‌ها از یک علم فولادی شبیه نیزه، چند تسمه آهنین هلالی شکل، دو پنجهٔ فلزی،

دو عدد شیر فلزی، کشکول فولادی یا مسی، آینه، رشته‌های بلور و مروارید، جاشمعی و یا یک مشعل چراغ مانند و چند تکه شال قیمتی سبز و یا مشکی تشکیل یافته است. علم نیزه مانند، داخل کشکول فرورفته و کشکول نیز سوار بر تسمه افقی که بر روی میله فولادی نصب است؛ دو یا سه تسمه هلالی شکل که به فاصله مشخصی از یکدیگر به علم وصل شده روی تسمه‌های هلالی تکه‌های بلور چسبیده است و میان تسمه‌های هلالی و علم، رشته‌های مروارید مانند زده می‌شود و پنجه‌ای فلزی به دو سر تسمه هلالی شکل نصب می‌گردد و پرچم کوچکی نیز به سر علم زده می‌شود و شیر فلزی روی تسمه افقی زیر کشکول در کنار دو جاشمعی نصب شده رشته‌های کوتاهی از مروارید و بلور و چند شال مشکی و سبز نیز روی تسمه افقی آویخته است. همچنین در جلوی بعضی از جریده‌ها چراغ مشعل ماندنی وجود دارد.

در گذشته در پای جریده‌ها بناواختن سنج عزاداری می‌کردند ولی اکنون این سنت در کاشان منسوخ شده است و تنها بعضی از هیئتهای قدیمی و باسابقه در عقب دسته و هیئت خود جریده را به بازار می‌آورند و از عظمت و شوکت و اعتبار قبلی آن کاسته شده است؛ به عنوان یاد و خاطره، شعر مربوط به مراسم سنج‌زنی پای جریده را در اینجا می‌آوریم:

هیئت (گروه)

حسین

حسین

حسین

حسین

ناظم (جلودار)

سر جدا حسین

شد کشته حسین

ای حسین من

یا حسین حسین

سنج

حسین

حسین

حسین

حسین

سر جدا حسین

شد کشته حسین

ای حسین من

نور عین من

سنج

شکل حرکات سنج‌زنی بدین ترتیب است: پای چپ خم می‌شود و بالا می‌آید، دست بالای سر می‌رود و همراه با پرش، ضربه‌ای نواخته می‌شود. سپس به سرعت بدن به چپ متمایل، دست‌ها پایین می‌آید و همراه با پرش در سمت چپ، ضربه دیگری نواخته می‌شود. بعد پای چپ، پایین و پای راست بالا می‌آید. همزمان با چرخش بدن به راست، همراه با پرش در سمت راست ضربهٔ سوم نواخته می‌شود. سرانجام، همراه با پرش پای راست پایین می‌آید و یک ضربه سکوت. (۱)

جلسات هفتگی

هیئت‌های مذهبی و دسته جات حسینی قبل از فرا رسیدن ماه محرم برای آمادگی هر چه بیشتر در جهت برپایی مراسم عزاداری و سوگواری ابا عبدالله‌الحسین علیه السلام در یکی از شبهای هفته که بیشتر، شبهای جمعه می‌باشد مجلس روضه‌خوانی و سینه‌زنی برگزار می‌نمایند؛ در این مجلس ابتدا اهل منبر برای مستمعان، مسائل اسلامی و احکام شرعیته را بیان نموده سپس مداحان مصیبت و روضهٔ حضرت سیدالشهدا علیه السلام را می‌خوانند؛ سپس با ذکر مخصوص هیئت به نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند. در پایان ضمن طلب آمرزش و مغفرت برای بانی مجلس از شرکت‌کنندگان در مراسم پذیرایی به عمل می‌آید.

نکته:

□ یک یا دو شب جلوتر از شب برگزاری مجلس روضه‌خوانی، در کوچهٔ منتهی به منزل روضه‌خوانی پرچم و علم هیئت نصب می‌شود و با بستن ریشه (رشته‌های) لامپ، برپایی مجلس عزاداری و هیئت به اهل محله و رهگذران اعلام می‌گردد.

□ در بیشتر این مجالس هفتگی که در منزل اعضای هیئت برگزار می‌شود با آبگوشت (که عمدتاً از گوشت و لوبیا تهیه می‌شود و غذای سنتی کاشان و دیگر شهرهاست) پذیرایی به

۱- جنس سنج از چوب است و کاسه‌ای شکل، قطر سنج ۸ سانتی‌متر و ارتفاع آن ۶/۵ سانتی‌متر است. عموماً بر بالای کاسهٔ سنج بند چرمی زده می‌شود تا راحت در دست قرار گیرد.

عمل می‌آید.

□ در مراسم هفتگی ذکر مخصوص هر هیئت که ویژهٔ این مجالس است خوانده می‌شود.
ذکر هفتگی هیئت شاهزاده علی اصغر کاشان - مسجد صادقیه - (۱)

اعضای هیئت	ناظم (ذکر گیرنده)
علی جان	ای کودک صغیر من
علی جان	طفل نخورده شیرمن
علی جان	همبازی سکینه‌ام
علی جان	آواره از مدینه‌ام
علی جان	خون گلو شد قوت تو
علی جان	گهواره شد تابوت تو
علی جان	علی جان

(تکرار ذکر و تند شدن آهنگ سینه)

جلسات فوق‌العاده

این جلسه‌ها برای تدوین و برنامه‌ریزی مراسم روضه‌خوانی ایام محرم و صفر است که افراد هیئت در منزل یکی از اعضا که معمولاً بزرگ هیئت است گرد هم می‌آیند و چگونگی تأمین مخارج هیئت، دعوت از مداح و واعظ، شمار شبهای روضه‌خوانی، حرکت هیئت به بازار و راجع به دهها برنامهٔ دیگر که مربوط به برگزاری هر چه باشکوهتر مراسم هیئت می‌شود بحث، بررسی و نتیجه‌گیری می‌شود.

بعضاً میان برخی اعضا به علت اختلاف سلیقه راجع به مسائل هیئت مشاجره و کدورت ایجاد می‌شود که در این جلسات مراسم آشتی‌کنان برقرار شده صلح و صفا حاکم می‌شود.

این جلسات برای اعضای هیئت حال و هوای خاصی دارد که نشأت گرفته از شور،

عشق و ارادت‌ست که به خاندان وحی دارند. صفا، صمیمیت و معنویت را که حاکم بر این جلسات است در هیچ جلسه‌ای نمی‌توان پیدا نمود.

صاحب منزل که از اعضا و بزرگان هیئت است از شرکت‌کنندگان در جلسهٔ فوق‌العادهٔ هیئت با چای، شربت، میوه، شیرینی و گاهی اوقات با شام یا ناهار پذیرایی می‌کند و مقدمشان را گرمی می‌دارد.

چاووش

«چاووشی خود حرفه‌ای بود از حِرَف معنوی، صدای خوش می‌خواست و نفس گرم، چاووش بشیر سفر بود و قدرت چاووش بر بدیهه‌گویی و خوش‌لحنی و شناسایی موقعیتها و شخصیتها و توصیف زائران و عاشقان زیارت استوار بود.

مراحل چاووشی نوچگی بود و روخوانی چاووشی نامه و سپس حفظ و از بر خواندن آنها و پس از آن هم‌آوایی با چاووشان پیشکسوت»^(۱)

چاووش خوان اگر سید باشد شالی سبز بر گردن می‌آویزد و گرنه، شالی سیاه رنگ حمایل سینهٔ خود می‌کند و اگر برای بدرقه و پیشباز باشد علمی سبز بر دوش می‌گیرد و اگر برای اعلام ماه عزای ابا عبدالله علیه السلام باشد پرچم سیاه.

در طوس، حریم کبریا می‌بینم بی‌پرده تجلی خدا می‌بینم
در کفش‌کن حریم پور موسی موسای کلیم با عصا می‌بینم

در فرهنگ عاشورایی آداب و رسومی‌ست که از جان برآمده است و کسانی که در این وادی قدم می‌نهند باید عاشق باشند از آن جمله «چاووش خوانی»ست.

کسی که چاووش خوانی می‌کند باید دلی پاک داشته باشد تا صدای دلنشین و آواز خوشش در دیگران اثر گذارد. بدنها به لرزه درافتد و دیدگان به اشک درآید.

چاووش خوانی رسمی‌ست که در پیشباز زائران حرم ابا عبدالله و زائران حرم رضوی علیه السلام همچنین زائران بیت‌الله‌الحرام به وسیلهٔ چاووش خوان با لحنی خاص، اشعاری سوزناک

خوانده می‌شود.

ز تربت شهدا بوی سیب می‌آید ز طوس، بوی رضای غریب می‌آید

※

هر که دارد هوس کرب و بلا بسم‌الله هر که دارد هوس حبّ خدا بسم‌الله

※

بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا ترسم آخر جان دهم در آرزوی کربلا^(۱)
تشنهٔ آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

※

چه کربلاست عزیزان، خدا نصیب کند خدا مرا به فدای شه غریب کند

چاووش خوانان، منادیان راه خدا و قاصدان مرقد مطهر اولیایند و بانگ چاووششان مردم را در هلهله و غوغا و اشک غرق می‌کند.

در گذشتهٔ نه چندان دور صبح روز آخر ماه ذی‌الحجه پیرمردی محاسن سفید معروف به «چاووش خوان» پرچم عزای سیدالشهدا علیه السلام را بر دوش می‌گرفت و از بازار پانخل شروع به چاووش خوانی می‌نمود و تا انتهای بازار مسگرها می‌رفت و به مردم اعلام می‌کرد که از فردا ماه عزای اهل‌بیت است و هر کجا می‌ایستاد مردم برای دقایقی پشت سر او می‌ایستادند و به اشعار چاووشی او گوش داده سپس حرکت می‌کردند؛ مردم می‌گفتند «چاووش خوان» به پیشبازی محرم آمده است.

مرحوم عزیزالله فراهی نیز از شاعران و چاووش خوانان اهل‌بیت است که جلسه‌ای بدین نام تأسیس کرده بود و کتاب شعری به نام «چاووش عزا» دارد.

در زمان حاضر نیز پیر غلام سیدالشهدا علیه السلام آقای مسلم فتاحی در جلوی هیئت قاسم‌بن‌الحسن و در جلوی بعضی از کاروانهای تعزیه «چاووش خوانی» می‌کند. وی سالهای قبل تعزیهٔ مسلم و طفلان او را در مجالس اجرا می‌نمود و عاشقان اهل‌بیت را به ناله و زاری می‌انداخت.

۱- بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

چاووش عزا

چاووش حزن و غم ز بیابان کربلا شد قاصد عزای شهیدان کربلا
 گویند مه عزای شه کربلا رسید این ماه، با صفا شده بستان کربلا
 این ماه، منع آب روان گشت، شیعیان! از ظلم اهل کوفه به مهمان کربلا
 این ماه، روی دست پدر شد نشان تیر اصغر که بود بلبل عطشان کربلا
 این مه، جدا دو دست علمدار شد ز تن از بهر جرعهٔ آب به میدان کربلا
 این ماه، تشنه لب شد اندر لب فرات از تن جدا ز کین، سر سلطان کربلا

این مه، «فراهی!» آل علی در فغان شدند

بلبل صفت به طرف گلستان کربلا

عزیزالله فراهی کاشانی

در آخرین روز ذیحجه که شب اول محرم می‌باشد هیئتی به نام چاووش عزا به بازار شهر می‌آید و مردم را از فرا رسیدن ماه محرم مطلع ساخته بازار و کسبهٔ آن را جهت استقبال از هیئت‌ها و دسته‌ها آماده می‌کند. اکثر اعضای این دسته مداحان اهل بیت هستند که هر یک از آنها در بین راه به ذکر اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام می‌پردازند. در پیشاپیش آنها پیرمرد هفتاد ساله‌ای که پیراهن، قبا، عبا و کلاه مشکی به تن کرده‌است و بیرق سیاهی به دوش گرفته این اشعار را می‌خواند:

چاووش حزن و غم ز بیابان کربلا شد قاصد عزای شهیدان کربلا

این ماه منع آب روان گشت، شیعیان! از ظلم اهل کوفه به مهمان کربلا

کمی عقبتر از چاووش، افراد عزادار با ذکر این اشعار حرکت می‌کنند:

محرم شد حسین محمل به روی ناقه‌ها بسته

همه اسباب ماتم را به سوی کربلا بسته

بدین ترتیب بانندای فرا رسیدن ماه محرم به طرف تیمچهٔ امین‌الدوله که در مرکز بازار

واقع شده است حرکت می‌کنند و در همان جا این مراسم پایان می‌یابد.

حجلهٔ قاسم

در روز عاشورا سه فرزند از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام به شهادت رسیدند. قاسم بن الحسن نوجوان ۱۳ ساله‌ای بود که سخن معروف «أَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ» را در شب عاشورا گفت. (مرگ شیرین تر از عسل است.) وقتی برای اجازهٔ میدان خدمت امام حسین علیه السلام رسید، امام بر او نظر افکند و قاسم را به آغوش کشیده گریست و آنگاه فرمود: تو یادگار برادر منی و اجازهٔ میدان نداد. اما قاسم به دست و پای امام بوسه زد تا اجازهٔ میدان گرفت؛

گرچه من خود کودکی نورسته‌ام	لیک دست از زندگانی شسته‌ام
کرده در روز ولادت مام من	باز با شهد شهادت کام من

و در جنگی دلاورانه به شهادت رسید. هنگامی که بر زمین افتاد فریاد برآورد: یا عمّاه! امام حسین با شتاب خود را به بالین او رسانید و فرمود: «چقدر بر عموی تو سخت است که او را به کمک بخوانی و از دست او کاری برنیاید و یا اگر کاری هم بتواند انجام دهد برای تو سودی نداشته باشد، از رحمت خدا دور باد قومی که تو را کشتند!»^(۱) اما: «آنچه به عنوان عروسی قاسم و آراستن حجله برای او در کربلا مطرح است واقعیت و سند ندارد؛ از منابع ضعیف به اذهان عوام راه یافته است که بر ناکامی نوجوان امام مجتبی علیه السلام می‌سوزند و می‌گیرند و در شبیه‌خوانی و تعزیه‌ها هم حجله برای قاسم نوداماد می‌آرایند و این از تحریفهای عاشورا است.»^(۲)

در کاشان در بعضی جلسات، زنان سفرهٔ حضرت قاسم علیه السلام پهن می‌کنند و در آن به عنوان حجلهٔ قاسم، آینه و شمعدان، گل، نقل و شیرینی می‌گذارند و در کنار این سفره زیارت عاشورا می‌خوانند و در پایان مراسم، حلوا، آش رشته، شله زرد و بسته‌بندیهایی به نام «مشکل‌گشا»^(۳) می‌دهند. از خصوصیت‌هایی که برای حجله در نظر می‌گیرند اینکه باید

۲ - فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۰

۱ - بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۴

۳ - بسته‌بندیهای کوچکی که داخل آنها نقل، شکلات، نخودچی، کشمش، گز، فندق، بادام، پسته و تنقلات دیگر...<

پارچهٔ آن سبز باشد.

حسینیه

«حسینیه» محلی‌ست برای برپایی مراسم سوگواری و عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ائمهٔ اطهار علیهم السلام و این حسینیه‌ها در اصل همان تکایا هستند که به نامهای «حسینیه، زینبیه، فاطمیه و عباسیه» خوانده می‌شوند؛ حسینیه‌ها قاعدتاً در کنار مساجد ساخته می‌شود ولی شرعاً شرایط مسجد را ندارند.

حسینیه‌ها از لحاظ سیاسی برای شیعیان بسیار حائز اهمیت است تا جایی که دشمنان نیز به نقش این مراکز معنوی پی برده‌اند. «مستر همفر» جاسوس انگلیسی در میان شیعیان در کتاب خود می‌نویسد:

«حسینیه‌ها را باید با این دستاویز که بدعت هستند و در زمان پیامبر و جانشینانش نبوده‌اند، مورد تردید قرار داد و ویران کرد؛ چنانکه مردم را باید به هر حيله از رفتن به این مکانها باز داشت.»^(۱)

شاید روی آوردن شیعه به «حسینیه» در دورانهای کهن به خاطر آن بوده که مساجد اغلب در اختیار و تحت سلطهٔ حکومت‌هایی بود که برای تشیع و اقامهٔ عزاداری و مراسم دینی شیعه، محدودیت ایجاد می‌کردند.

در منطقهٔ کاشان بیش از هزار حسینیه و مسجد وجود دارد و هر مسجد و حسینیه‌ای مرکز یک هیئت است که در ایام محرم و صفر همچنین در ماه مبارک رمضان جلسات

>--- (که در گذشته برکه و توت خشک نیز می‌گذاشتند) به عنوان نذر در جلسات مذهبی و در مکانهای مقدسی همچون زیارتگاهها در بین افراد پخش می‌کنند تا گره از مشکل آنها گشوده شود. در گذشته نه چندان دور برای تهیه و بسته‌بندی مشکل‌گشا آداب و رسومی بود که حال بدان توجه نمی‌شود از آن جمله: از مغازه‌ای خرید می‌کردند که رو به قبله باشد، هنگام خرید لفظ مشکل‌گشا به کار نمی‌بردند بلکه پول را در پیشخوان یا ترازوی مغازه می‌گذاشتند و صلوات می‌فرستادند و مغازه‌دار متوجه خواست آنها می‌شد؛ بعضاً افرادی که وقوف به این امر نداشتند و لفظ مشکل‌گشا به کار می‌بردند مغازه‌دار ناراحت و عبوس می‌شد چرا که اعتقاد داشتند شگون ندارد. بادام، پسته و فندق را پوست کنده داخل بسته‌ها می‌گذاشتند چرا که اعتقاد داشتند اگر پوست کنده نباشد گره از کارشان دیرتر گشوده می‌شود و هنگام پوست‌کندن و بسته‌بندی، صلوات فرستاده اذکاری دیگر می‌خواندند.

مذهبی برقرار می‌باشد. (۱)

خیمه‌سوزی

از جنایتهای عمر سعد در کربلا به آتش کشیدن خیمه‌های امام حسین علیه السلام و اهل بیت او در روز عاشورا بود. پس از آنکه امام حسین علیه السلام به شهادت رسید سپاه عمر سعد برای سوزاندن خیمه‌های اهل بیت علیهم السلام اقدام نمودند. آتش در خیمه‌ها افکندند! اهل حرم گریان و پا برهنه در دشت کربلا می‌دویدند و از دست غارتگران می‌گریختند. بعضی از کودکان یتیم دامن عمّه را گرفته تا از آتش و از دست ظالمان محفوظ بمانند و بعضی در بیابان متواری شده برخی به آن ستمگرانی که دل‌هایشان خالی از مهربانی و عطوفت بود استغاثه می‌کردند.

امام سجاد علیه السلام در طول حیاتش بعد از شهادت امام حسین علیه السلام هرگاه خاطره تلخ روز عاشورا را به یاد می‌آورد با اشک و اندوه فراوان می‌فرمود: «به خدا سوگند هیچ‌گاه به عمّه‌ها و خواهرانم نظر نمی‌کنم جز اینکه گریه‌گلویم را می‌گیرد و یاد می‌کنم آن لحظات را که آنها از خیمه‌ای به خیمهٔ دیگر می‌گریختند و منادی سپاه کوفه فریاد می‌زد که: خیمه‌های این ظالمان را بسوزانید!» (۲)

و این آتش ادامهٔ آتشی بود که پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خانهٔ فاطمه زهرا علیها السلام را سوزاند و فرزندان اهل بیت در کربلا ضربتی خوردند که ادامهٔ همان ضربتی بود که به فاطمه زده شد و کودکانی که در کربلا کشته شدند ادامهٔ همان راهی بود که محسن فاطمه در آن به شهادت رسید. در کاشان هم مثل بعضی از جاهای دیگر به یاد خیمه‌های ابی‌عبدالله علیه السلام خیمه برپا می‌کنند و بعد از ظهر روز عاشورا هنگام عزاداری و سینه‌زنی خیمه‌ها را به آتش می‌کشند تا زنده‌کنندهٔ مصیبتی باشد که در روز عاشورا بر خاندان رسالت وارد آمد. هیئت کربلاییهای مقیم کاشان در محوطهٔ روبروی زیارت پنجه شاه در

۱- بنابر بر فهرست هیئت‌ها، مساجد و حسینیه‌های سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر کاشان.

پایان مراسم تعزیه با فریادهای واحسین - یاحسین مراسم خیمه سوزی برگذار می‌کنند و فریاد شیون و نالهٔ زن و مرد بلند است؛ بعضی از جوانان در حالی که بر سر و سینه می‌زنند و از خود بی‌خود شده پا برهنه در درون آتش خیمه‌های سوخته می‌دوند و عزاداری می‌کنند. در شامگاه عاشورا نیز هیئت ابوالفضل میدان امیر در پایان دورهٔ خود در خیابان امیریه مراسم خیمه سوزی دارند.

دوره

بعضی از هیئت‌ها و دسته‌های عزادار علاوه بر عزاداری سنتی در بازار تاریخی کاشان، در شب و روز معینی از روزهای دههٔ اول یا دوم محرم از مرکز هیئت به سوی مجالس حرکت کرده در آن مجالس به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند؛ سپس به سوی مرکز هیئت مراجعه می‌نمایند که به این حرکت هیئت «دوره» گویند. در گذشته هیئت‌های بسیاری مراسم دوره داشته‌اند که در حال حاضر ندارند. از آن جمله می‌توان از این هیئت‌ها نام برد: هیئت شاهزاده علی اکبر علیه السلام - میدان ولی سلطان - که در شب سیزدهم با مراسم شبیه‌خوانی قبیلهٔ بنی اسد در مجالس روضه به دوره رفته به تعزیه‌خوانی می‌پرداخته‌اند؛ هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - میدان کمال الملک - که در شب پانزدهم محرم با شبیه‌خوانی مجلس شمر و یزید به سوی مجالس به دوره رفته به تعزیه‌خوانی می‌پرداخته‌اند؛ هیئت شهدا - درب یلان - در شبهای یازدهم و دوازدهم محرم با شبیه‌خوانی کاروان اسرا و سر امام در تنور خولی و دیر راهب برای عزاداری حرکت می‌نموده‌اند؛ هیئت مهدوی - محلهٔ محتشم - در شب دهم و یازدهم به دنبال توغ برای عزاداری دوره می‌رفته‌اند. هیئت قاسمی - سرپلّه - در روز یازدهم محرم با مراسم شبیه‌خوانی قبیلهٔ بنی اسد و حرکت کاروان اسرا به سوی کوفه عزاداری می‌نمودند که متأسفانه از این شبیه‌خوانیها، تعزیه برداریها و دوره‌ها اثری نیست.

و اما مهمترین و مشهورترین دوره‌هایی که در زمان کنونی انجام می‌پذیرد عبارتند از:

دورهٔ نخل سرپره

مردم دوستدار اهل بیت برای اینکه خود را ملزم به عملی کنند یا حاجاتشان برآورده و دعایشان مستجاب شود نذر می‌کنند. یکی از آن نذرها که بعضی از مردم کاشان بدان ملزم شده‌اند نذر در عزاداری و سینه‌زنی دورهٔ شب عاشورای نخل سرپره است. اینان که حاجات خود را به وسیلهٔ اهل بیت از خداوند متعال گرفته‌اند بر این عقیده استوار و راسخند که اهل بیت مشکل‌گشای دردهای بی‌درمان آنهاست و برای ادای نذر خود با پای برهنه در دورهٔ نخل شرکت می‌کنند

بعد از نماز مغرب و عشا سیل خروشان مردم از زن و مرد گرفته تا کوچک و بزرگ به سوی حسینیهٔ نخل سرپره حرکت می‌کنند و بعد از یک عزاداری مختصر با فریاد «یا حسین» نخل را بلند کرده از حسینیه به سوی مجالس حرکت می‌دهند و در مجالس به سینه‌زنی می‌پردازند.

در این شب در مسیر نخل دهها گوسفند و گاو قربانی می‌کنند، اسپند دود می‌کنند و مردم که نذر دارند به عزاداران نان عباسعلی،^(۱) مشکل‌گشا، نقل و شربت می‌دهند و کسانی هم به روی عزاداران حسینی گلاب پاشیده مقدمشان را معطر می‌کنند.

مسیر حرکت نخل در شب عاشورا ابتدا به سوی زیارت سلطان امیراحمد، سپس مسجد زینبیه (سه راه علوی)، زیارت چهل تن (مرکز هیئت حیدری درب فین)، میدان تاریخی ولی سلطان (مرکز عزاداری و روضه‌خوانی هیئت شاهزاده علی اکبر علیه السلام)، زیارت طاهر و منصور، حسینیهٔ مسلم‌بن عقیل سپس به سوی زیارت سلطان عطابخش و بازگشت به حسینیهٔ سرپره می‌باشد.

دورهٔ نخل سرپره یکی از پرشورترین و با عظمت‌ترین سوگواریها در کاشان است که با جمعیت بسیاری انجام می‌پذیرد و کسانی که در این دوره شرکت می‌کنند از اعضای دیگر هیأت و مردم عاشق اهل بیت هستند.

همچنین در شب شانزدهم محرم نخل سرپره به وسیلهٔ هیئت حسینی و نخل

۱- به توضیحات ذیل: «نان عباسعلی» مراجعه فرمایید.

درب‌باغ به وسیله هیئت حیدری به دوره برده می‌شود.

دوره توغ شیخ رضا

هیئت اباعبداللّه الحسین علیه السلام که متولی توغ شیخ رضاست و اهالی محلّه سرسنگ در پای این توغ بر سر و سینه می‌زنند در روز نهم محرم که مصادف با تاسوعا می‌باشد ساعاتی قبل از ظهر توغ را با جمعیت انبوه برداشته از محلّه سرسنگ به سوی مسجد درب یلان که مجلس اباعبداللّه الحسین علیه السلام برپاست می‌برند؛ هنگام ورود به مجلس ابتدا توغ وارد می‌شود و پس از آن عزاداران بر سر و سینه زنان وارد مجلس می‌شوند؛ مدّاح یا منبری که در حال مدّاحی و یا خطابه است کلام خود را قطع نموده اداره مجلس را به ناظم و مدّاح هیئت وارد شده می‌سپارد و پس از دقایقی سینه زدن می‌نشینند و مدّاح به روضه خوانی می‌پردازد. توغ همان طور سراپا نگه داشته می‌شود و توغ کش برای خروج از مجلس منتظر کلامی از مدّاح است که پس از آن دوباره سینه زنان با فریادهای حسین - حسین از جا برخاسته بعد از خروج توغ از مجلس خارج می‌شوند و همین گونه به مجالس دیگر از جمله منزل حاج آقا محمود فتوت - که هیئت شاهزاده علی اکبر پامنار مجلس دارند و منزل حاج آقا عباس عطابخشی که هیئت امام حسن مجتبی علیه السلام درب اصفهان مجلس عزاداری دارند - رفته در پایان به مرکز هیئت بازگشته اطعام می‌نمایند.

دوره هیئت ابوالفضل مسجد جامع

در صبح روز عاشورا اعضای هیئت ابوالفضل در مسجد جامع جمع شده با علم، کتل، علمات و توغ همراه با گروه موزیک عزا به سوی مجالس، دوره می‌روند. هیئت ابوالفضل ابتدا به سوی زیارت پنجه شاه رفته در مجلس هیئت چهارده معصوم شرکت می‌کند؛ هنگام ورود ابتدا صدها علم که به وسیله نوجوانان حمل می‌شود به صورت منظم وارد شده از در دیگر خارج می‌گردد؛ پس از آن کتل مخصوص هیئت وارد می‌شود و در پی آن صدها جوان که ابوالفضل گویان بر سر و سینه می‌زنند وارد شده برای دقایقی به عزاداری

و سینه‌زنی می‌پردازند؛ پس از آن مجلس به سوی بیت مرحوم آیه‌الله حاج آقارضا مدنی کاشانی و حسینیهٔ آیه‌الله حاج سید عزیزالله امامت و مسجد درب یلان می‌روند و مراسم دوره را اجرا می‌نمایند.

دورهٔ توغ پنجه شاه

هیئت چهارده معصوم پنجه شاه مراسم عزاداری سنتی در بازار کاشان ندارند (قبلاً در روز عاشورا بازار می‌رفته‌اند) اما در شب پانزدهم محرم مراسم دوره به همراه توغ زیارت پنجه شاه پس از نماز مغرب و عشا با انبوهی از جمعیت مرد و زن از زیارت پنجه شاه خارج شده به سوی مسجد جامع و پس از آن به سوی حسینیهٔ مسلم‌بن‌عقیل (درب هو) و میدان ولی سلطان (مرکز عزاداری هیئت شاهزاده علی اکبر) می‌روند و مراسم عزاداری و سینه‌زنی برگزار می‌نمایند.

دورهٔ نخل درب باغ

هیئت حیدری درب باغ در شب عاشورا و شب شانزدهم محرم با انبوهی از جمعیت از حسینیهٔ قبرستان درب باغ به همراه نخل به سوی مجالس و عزاداری رفته صدها جوان حسینی تبار در جلوی نخل بر سر و سینه می‌زنند؛ ابتدا به حسینیهٔ مسلم‌بن‌عقیل (درب هو) سپس به سوی زیارت چهل تن (مرکز هیئت حیدری درب فین) و پس از آن میدان ولی سلطان (مرکز هیئت شاهزاده علی اکبر) رفته در آن محافل و مجالس با عظمت عزاداری و سینه‌زنی می‌نمایند.

همچنین هیئت‌ها و دسته جات دیگری هم دوره دارند از آن جمله: هیئت حضرت امام حسن مجتبی - مسجد محمدیان - به همراه توغ مابین در شب شانزدهم محرم، هیئت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام - میانچال - به همراه توغ میانچال در شب شانزدهم، هیئت کربلاییهای دارالحسین - جنب زیارت پنجه شاه - در شب عاشورا به عنوان مشق قمه.

نکته:

- هنگام ورود هیئت به مرکز، راهی را میان جمعیت می‌گشایند و دستهٔ عزادار همان طور که بر سر و سینه می‌زنند داخل مجلس می‌شوند و اهل مجلس به احترام برخاسته ویژه برنامه اجرا می‌کنند.
- هنگام ورود هیئت، هر سخنران و مدّاحی که در حال خواندن است برنامهٔ خود را قطع کرده لحظاتی که هیئت در مجلس است مدّاح ویژهٔ آن هیئت اجراکنندهٔ برنامه است.
- در جلوی دسته‌های عزادار پرچم‌های سیاه، سبز، قرمز و کتل و توغ حمل می‌شود.
- بعضی هیئت‌های قدیمی نیز قبلاً دوره داشته‌اند که بعد از ممانعت عزاداری در زمان پهلوی اوّل دورهٔ آنها منسوخ شده است.

ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام

کسی را که مناقب و فضایل اهل بیت را بیان می‌کند و مصیبت آنان را ذکر نموده روضه‌خوان خاندان وحی است ذاکر گویند و این منصبی افتخارآمیز است. نگاه کنید به --- < مدّاح، واعظ

ذکر

معنای لغوی آن یادآوری، تذکر، ثنا، ستایش، دعا و ورد، پند و موعظه است اما در اصطلاح عزاداری مردم کاشان به نوحهٔ خاص و ویژه‌ای گفته می‌شود که مخصوص هیئت یا عزاداری در بازار باشد که در اینجا نمونه‌ای از این اذکار بیان می‌شود. بیشتر هیئت‌هایی که در روز عاشورا به بازار می‌روند از دو ذکر قدیمی یکی را انتخاب کرده با گفتن آن برای عزاداری به سوی بازار حرکت می‌کنند.

نمونه‌ای از اذکار هیئتها:

ذکر هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام در روزهای چهارم و یازدهم محرم:

ناظم (ذکر گیرنده)

هیئت

ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم	ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم
ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم	در ناله بهر طفل شاه‌بی‌لشگر هستیم
ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم	آمد شه شهیدان با اصغرش به میدان
ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم	گفت ای گروه بی‌دین این طفل و شیرخواره
ما جمله جان نثار شهزاده اصغر هستیم	شد یازدهم محرم در ماتم و عزاییم

ذکر

نمونه‌ای از ذکر شب تاسوعا در هیئت‌های کاشان:

اَبِـالفَضل	سَقَايِ طِفْلاَنِ حَسِيْنِ
اَبِـالفَضل	اَي شَمِيْر سَمْرَخِ كَرِبْلا
اَبِـالفَضل	اَي يَـا دِكاَر مَرْتَضِي
اَبِـالفَضل	بِـرْخِيْزِ و اَي جَانِ اِخِي
اَبِـالفَضل	دَسْتِ تِ شَدِه اَز تَن جَدَا
اَبِـالفَضل	يَكِ تَن نَظَرِ دَر خِيْمِهْـا
اَبِـالفَضل	گُوِيْد سَكِيْنِه العَطْشِ
اَبِـالفَضل	اِصْغَرِ بَـه خِيْمِه كَرْدِه غَشِ
اَبِـالفَضل	عَلْمَدَارِ!
اَبِـالفَضل	سَـپْهَدَارِ!
اَبِـالفَضل	آبِـاَوْرِ!
اَبِـالفَضل	بِـرَادَرِ!
اَبِـالفَضل	اَبِـالفَضلِ!

بعد از آیین نخل گردانی نخل کلهر در کاروانسرای تاریخی امین‌الدوله و پس از تکان دادن نخل این ذکر گفته می‌شود:

هیئت	ناظم
حسین غریبه	به خدا
حسین غریبه	کربلا!
حسین غریبه	نینوا!
حسین غریبه	یا علی
حسین غریبه	فاطمه!
حسین غریبه	یا حسن
حسین غریبه	به خدا

سه نمونه از ذکرهای هیئت اباعبدالله‌الحسین (توغ شیخ رضا) که در روزهای بازار گفته می‌شود:

هیئت	ناظم
بزن بر سر که امشب شور و شین است	بزن بر سر که امشب شور و شین است
بزن بر سر که امشب شور و شین است	عزای شاه مظلومان حسین است
بزن بر سر که امشب شور و شین است	بگفت با خواهرش با سوز سینه
بزن بر سر که امشب شور و شین است	بگو با مادرم اندر مدینه
بزن بر سر که امشب شور و شین است	بگو بابا شهید اشقیا شد
بزن بر سر که امشب شور و شین است	کنار آب، دست از تن جدا شد

خون گریه کن که قتل لب تشنه‌هاست فردا	خون گریه کن که قتل لب تشنه‌هاست فردا
خون گریه کن که قتل لب تشنه‌هاست فردا	شام غم است امشب روز عزاست فردا
خون گریه کن که قتل لب تشنه‌هاست فردا	یاران دو دست عباس از تن جداست فردا
خون گریه کن که قتل لب تشنه‌هاست فردا	سرهای نوجوانان بر نیزه‌هاست فردا

کسی بود روا	شه لب تشنه
در کرب و بلا	شه لب تشنه
این جور و جفا	شه لب تشنه
از آل زینا	شه لب تشنه
اصغر صغیر	شه لب تشنه
خورده زخم تیر	شه لب تشنه
کشته شد حسین	شه لب تشنه
صد فغان و شین	شه لب تشنه (۱)

ذوالجناح

نام اسب حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در روز عاشورا بر آن سوار بودند «ذوالجناح» می‌باشد. در روز عاشورا هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام به شهادت رسید و از اسب بر زمین افتاد ذوالجناح شیهه کنان و گریان به جانب خیمه‌ها شتافت در حالی که پیشانی خود را به خون امام علیه السلام آغشته بود. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که اسب می‌گفت: «الظَّلِيمَةُ مِنْ أُمَّةٍ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا» «وای از ستم امتی که فرزند دختر پیامبر خود را کشتند» و با همان فریاد رو به خیمه‌ها آورد. زنان و اهل حرم که «ذوالجناح» را بدون امام یافتند از شهادت آن حضرت مطلع شدند.

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است:

فَلَمَّا رَأَيْنِ النَّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْرِيًّا وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُوبِيًّا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُودِ نَاشِرَاتِ
الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لَاطِمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتِ وَ

۱ - البته این ذکر با تغییر در مصراع دوم این‌گونه نیز خوانده می‌شود:

کسی بود روا	یا رسول الله
در کرب و بلا	یا رسول الله

إِلَى مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ، وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَ مُوَلِّغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ.

پس چون بانوان حرم اسب تو را با آن هیئت و بدون سوار مشاهده نمودند که زینش واژگون و یالش پر از خون است، از خیمه‌ها بیرون آمدند در حالی که موهای خود را پریشان کرده بر صورت خود سیلی می‌زدند و نقاب از چهره‌ها می‌افکندند و به صدای بلند شیون می‌کردند و به سوی قتلگاه می‌شتافتند. در همان حال شمر ملعون بر سینه مبارک نشسته بود و محاسن شریف‌ت را در یک دست گرفته با دست دیگر با خنجر سر از بدنت جدا می‌کرد.»^(۱)

نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت نه سیدالشهدا بر قتال طاقت داشت
بلند مرتبه شاهی ز صد زین افتاد اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

بعضی از هیئتها و دسته جات اسبی سفید را با یال و اندامی خونین بند عنوان ذوالجناح حضرت سیدالشهدا علیه السلام جلوی دسته حرکت می‌دهند و گاهی اوقات نیز زنان و مردان، کودکان خود را که لباسی مخصوص پوشانده‌اند سوار بر این اسب می‌کنند.

روز ختم

«روز ختم» روزی است که دیگر ندای «هل من ناصر ینصرنی» عزیز فاطمه علیها السلام به گوش نمی‌رسد. روزی است که زینب با بدنهای پاره پاره و پیکر شریف سر از تن جدای برادر وداع می‌کند؛ روزی است که گهواره خالی علی اصغر بغضها را در گلو می‌شکند؛ روز گریه و اشک و آه و ناله است.

یازدهم محرم، روزی است که کاروان اسیران کربلا را از کناره گودال قتلگاه عبور می‌دهند؛ روزی است که رباب برای گهواره خالی لالایی می‌خواند و سکینه - همبازی علی اصغر - گهواره خالی را به حرکت می‌آورد.

روز یازدهم محرّم را در کاشان «روز ختم» می‌نامند و این روز را آغاز عزاداری، روزه و عزای اهل بیت می‌دانند. در این روز نیز هیئتهای زیادی در بازار عزاداری و سوگواری می‌کنند از آن جمله صبح روز ختم، هیئت سادات وارد بازار می‌شود در حالی که تمامی آنها شال سبز به گردن دارند و با حزن و اندوه فراوان برای شهدای کربلا عزاداری و روزه‌خوانی می‌کنند. همچنین در بعد از ظهر این روز هیئت مسلم‌بن‌عقیل - درب‌هو - و هیئت شاهزاده علی اصغر - میدان کمال‌الملک - به عنوان آخرین هیئتهای عزادار همراه با نواختن موزیک عزا وارد بازار می‌شوند و به عزاداری، روزه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند.

روضه

معنی لغوی «روضه» باغ، گلستان و بوستان است. رضوان و ریاض نیز با آن هم‌ریشه است. اما در اصطلاح فرهنگ عاشورایی به مجلسی گویند که مدّاحان، ذاکران و خطباء مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را خوانند.

در «فرهنگ معین» ذیل واژه «روضه» آمده است:

«خطبه‌ای که در مراسم عزاداری بالای منبر خوانند و آن شامل حمد خداوند و درود بر پیغمبر اکرم و ائمهٔ اطهار و مسائل دینی و اخلاقی و شرح بخشی از وقایع کربلاست.»
روضه و روزه‌خوانی، به معنای ذکر مصیبت سیدالشهدا و مرثیه‌خوانی برای ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام است که مورد تشویق امامان بوده یکی از عوامل زنده ماندن نهضت حسینی و پیوند روحی و عاطفی شیعه با اولیای دین می‌باشد.

از دلایلی که نام این مجالس را روزه‌خوانی گذاشته‌اند آن است که در دورهٔ سلطان حسین بایقرا از نوادگان تیمور (۹۱۱ - ۸۷۵ ه. ق) یکی از دانشمندان و خطبای با استعداد و خوش آواز سبزواری به نام ملّا حسین، معروف به واعظ کاشفی به هرات رفته مورد توجه بزرگان دولت قرار گرفت و شهرت فراوان یافت و کتابی به نام «روضه‌الشهدا» به فارسی دربارهٔ واقعهٔ کربلا برای نوادهٔ دختری سلطان حسین بایقرا نوشت. شیعیان «روضه‌الشهدا» را در روزهای سوگواری از رو می‌خواندند و عزاداری می‌کردند. کم‌کم

کسانی که این کتاب را می‌خواندند به مناسبت نام این کتاب به «روضه‌خوان» معروف شدند و به تدریج خواندن روضه از روی کتاب منسوخ شد و در مجالس عزاداری روضه‌خوانان آن را از حفظ می‌خواندند.

در دورهٔ صفویان که برپایی مجالس روضه‌خوانی عمومیت پیدا کرد و در هر کوی و برزنی مجلسی برپا می‌شد گروهی که آواز خوشی داشتند روضه‌خوانی را پیشهٔ خود قرار دادند و این دوران اوج شکوفایی روضه‌خوانی است.

مردم کاشان از روز عرفه کم کم آمادهٔ برپایی مجلس روضهٔ ابا عبدالله‌الحسین علیه السلام می‌شوند. شروع جلسات هفتگی هیئت‌ها آغاز این عزاداری است و بعد از برگزاری آیین عید سعید غدیر خم که از مهمترین اعیاد در نزد اهالی ست تکایا، مساجد، بقاع متبرکه، زیارتگاهها و منازل را سیاهپوش می‌کنند و کتیبه و پرده‌های گلدوزی شده را که بر روی آن عبارتهای «یا حسین»، «یا ابوالفضل‌العبّاس» و «یا شهید مظلوم» نوشته شده است بر دیوار مجالس نصب می‌کنند. همچنین تابلو - فرشهای باارزش که تمثال حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت ابوالفضل‌العبّاس علیه السلام و تابلوهای نقاشی - خط بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای که شامل سخنان امام حسین علیه السلام است تزئین کنندهٔ مجلس روضه‌خوانی است.

در قدیم برای روشنایی از چراغهای نفت‌سوز توری که بر چوبی نصب می‌شد استفاده می‌کردند ولی حال با نصب داربستهای فلزی با رشته‌های لامپ و نورافکن محوطهٔ بیرون و داخل مجلس را آراسته می‌کنند.

در هفتهٔ آخر ماه ذی‌الحجه بویژه پنجشنبه و جمعهٔ آخر ماه، اعضای جوان هیئت‌ها در تکاپو و جنبش هستند. گروهی مساجد و تکایا را غبار روبی می‌کنند، کسانی در حال آویختن پرده‌های مشکی هستند و عده‌ای هم علم و پرچم را در محدودهٔ تعیین شدهٔ هیئت نصب می‌کنند.

در تمامی کوچه‌ها و خیابانهای شهر کاشان پرچم عزای سیدالشهدا نصب شده است و

میدانی در شهر نیست که به وسیله پرده و پرچم، سیاهپوش نشده باشد. هیئتها علاوه بر نصب پرچمهای سیاه، سبز و سرخ پرده‌هایی به طول و عرض ۲×۳ ، ۲×۴ ، ۳×۴ ، و اندازه‌های دیگر به وسیلهٔ داربست فلزی نصب می‌کنند که بر روی این پرده‌ها به خط درشت و زیبا نوشته شده است: «السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين»، «السلام عليك يا قمر بنی هاشم»، «السلام عليك يا ابوالفضل العباس»، «السلام عليك يا باب الحوائج»، «يا علي اصغر حسين»، «يا حسين» و ... همچنین هیئتها شمایل بسیار زیبا در ابعاد مختلف از «امام حسین»، «حضرت ابوالفضل»، «حضرت علی اکبر»، و «حضرت قاسم» در میادین و خیابانهای شهر نصب می‌کنند.

مرد و زن و پیر و جوان کاشانی از شب اول محرم لباس مشکی بر تن می‌کنند اما از شب هفتم محرم تا شب شانزدهم که شبهای هفت امام محسوب می‌شود همگان لباس سیاه بر تن دارند. و به کودکان سه - چهار ساله هم لباس مشکی می‌پوشانند.

از اول محرم تا پایان ماه صفر دیگر از مراسم شادی و شادمانی خبری نیست؛ مراسم جشن و عروسی و ختنه‌سوران برپا نمی‌شود؛ زنان تا دو ماه خود را اصلاح و آرایش نمی‌کنند و مردان نیز تا بعد از شانزدهم محرم موی سر و صورت خود را کوتاه نمی‌کنند؛ اگر مراسم خواستگاری و یا عقد و عروسی باشد، بدون شادمانی، آرایش، شیرینی و شربت است و تنها به خاطر حفظ سنت پیامبر ﷺ برگزار می‌گردد. اگر محرم مصادف با عید باستانی نوروز ایرانی شود چنان که در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ چنین شد، مردم از خرید لباسهای نو و تازه خودداری می‌کنند و مراسم عید را بدون شیرینی، شربت، آجیل و تنقلات مرسوم برگزار می‌کنند و فقط برای حفظ سنت پسندیدهٔ صلوة رحم که در اسلام بسیار سفارش شده است دید و بازدیدها انجام می‌گیرد و بعد از این دیدارها در مجالس شرکت می‌کنند.

در بهاری چنین!

بهار است و دلها به محنت قرین است
 دل شیعه آه‌نگ شادی ندارد
 چه سان دل به شادی گراید که زینب
 زمین سبزه‌زار و تن گل‌عداران
 ز خون جوانان زمین گشته گلگون
 به گلزار زهرا علیها السلام نگر تا ببینی
 گر آراسته، سرو در دامن دشت
 یتیم حسن علیه السلام قاسم افتاده از پا
 غم قامت سروبی دست عباس
 ز داغ علی‌اصغر شیر خواره
 حسین علیه السلام بی‌سروبی کفن گشته مدفون
 چه عیدی بود چون ز داغ شهیدان
 چه عیدی بود چون ز بیداد دشمن
 برای یتیمان فرزندان زهرا علیها السلام
 که ماه خزان گلستان دین است
 چو از غم امام زمان دل غمین است
 اسیر است و جایش به زندان کین است
 در این مه فتاده به روی زمین است
 دل ما از این غم به ماتم قرین است
 بخون خفته، سرو و گل و یاسمین است
 ولی بر سنان رأس سلطان دین است
 دلم غرق خون در بهاری چنین است
 شررافکن قلب ام‌البنین است
 ریاب دل آزده اندوهگین است
 به نیزه سر آن امام مبین است
 به زانو سر جبرئیل امین است
 غل کینه، برگردن عابدین است
 پریشان پیمبر صلی الله علیه و آله به خلد برین است

«فراهی» بود مفتخر چون رثاگو

بر آن جان نثاران قرآن و دین است

انواع روضه‌خوانیها در کاشان

در کاشان روضه‌خوانی و برپایی مجالس روضه انواع و اقسام مختلف دارد که عبارتند از:

۱- روضه‌خوانیهای خانگی

روضه‌خوانیهای خانگی از بی‌ریاترین، با اخلاص‌ترین و ماندگارترین روضه‌هایی است که از نیت خالص و سرشت پاک افراد برخاسته است. حتّاً این روضه‌خوانیها در زمان رضاخان پهلوی که تمامی عزاداریها و روضه‌خوانیها را منع کرده بود در خانه‌ها برگزار

می‌شده است. این نوع روضه‌خوانی که در زمان ائمه نیز وجود داشته است نقش بسیار مهمی در زنده ماندن نهضت حسینی داشته و دارد.

خانواده‌های کاشانی عقیده فراوان دارند که اگر سالی یک بار هم شده باید در منزل خویش مجلس روضه‌خوانی اهل بیت علیهم‌السلام را برپا نمایند و بر این باورند که برکت خانه و زندگی‌شان افزون می‌شود.

در بسیاری از خانه‌ها روضه ماهانه وجود دارد و در یکی از روزهای ماه مثل جمعه اول یا آخر ماه، دوشنبه اول ماه، پنجشنبه اول یا آخر ماه و یا چهارشنبه اول ماه و یا اول هر ماه قمری صبح یا عصر یا شب با دعوت از چند روضه‌خوان و مداح مجلس روضه‌خوانی برپا می‌کنند و کسانی هم هستند که در هر هفته در منزل خود با یک یا دو مداح و منبری مجلس روضه برپا می‌کنند و آشنایان و فامیل و همسایگان در این مجالس شرکت کرده با جای و شیرینی پذیرایی می‌شوند. گاهی اوقات نیز در مجالس خانگی، سفره غذای اهل بیت علیهم‌السلام گسترده از اهل مجلس پذیرایی می‌شود.

۲ - در بیوت علما

در روزهای شهادت و وفات ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین در اعیاد میلاد آن بزرگواران در منزل علمای شهرمان جلسات روضه‌خوانی و مدیحه‌سرایی اهل بیت برپا می‌شود و مردم با شرکت در این مجالس از خطبا، وعاظ و مداحان استفاده می‌کنند.

در این زمان در منزل علما و آیات عظام همچون گذشته جلسات و عطا، خطابه و روضه برپاست و مردم با شرکت در این مجالس به ساحت مقدس آقا امام زمان علیه‌السلام عرض ادب و احترام می‌کنند. در منزل حضرت آیه‌الله حاج سید عزیزالله امامت، حضرت آیه‌الله حاج سید مهدی یثربی (امام جمعه محترم)، حضرت آیه‌الله حاج سید محمدباقر مصطفوی، بیت مرحوم حضرت آیه‌الله حاج آقارضا مدنی کاشانی و دیگر علما مراسم روضه‌خوانی و موعظه برپا می‌گردد.

۳ - هیئت‌ها

برپایی مراسم روضه‌خوانی از طرف هیئت‌های مذهبی کاشان از گسترده‌ترین و پرشورترین روضه‌خوانی‌ها در کاشان است که دارای حجم بسیار گسترده‌ای است. خاصه در ایام محرم الحرام که کمتر جایی در شهر می‌توان یافت که مجلس روضه و عزای سیدالشهدا علیه السلام برپا نباشد.

روضه‌خوانی در ایام محرم به حدی است که شهر یکپارچه عزادار و سیاهپوش است و آنقدر پرچم و علم عزای ابا عبدالله علیه السلام افراشته است که اگر غریبه‌ای آشنا به فرهنگ این مردم نباشد شگفت زده و متعجب می‌شود و می‌گوید چه قیامتی است! بیشتر هیئت‌ها در این ایام به صورت دهه (ده روز) شبها مراسم روضه‌خوانی و سینه‌زنی برپا می‌کنند و در پایان مراسم هر شب از مردم دعوت می‌کنند تا بر سر سفرهٔ آقا ابا عبدالله علیه السلام مهمان شوند.

در مراسم و مجالس عزاداری هیئت‌های کاشان رسم بر آن است که هر یک از شبهای دههٔ اول و دوم ماه محرم را به یکی از شهدای کربلا اختصاص می‌دهند و روضه، نوحه و ذکر مصیبت از آن شهید والامقام خوانده می‌شود.

در شب اول روضهٔ حجة الوداع (وداع امام حسین و حرکت از مدینه به سوی کربلا)، در شب دوم روضهٔ ورود کاروان سیدالشهدا علیه السلام به کربلا، شب سوم روضهٔ حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام، شب چهارم روضهٔ حضرت علی اصغر علیه السلام، شب پنجم روضهٔ حزن یزید ریاحی و آمدنش خدمت امام حسین علیه السلام، شب ششم روضهٔ حضرت علی اکبر علیه السلام، شب هفتم روضهٔ حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام، شب هشتم روضهٔ حضرت زینب و خواب دیدن حضرت امام حسین پیامبر گرامی اسلام را علیه السلام همچنین روضهٔ حضرت طفلان مسلم، شب نهم روضهٔ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام علمدار کربلا، شب دهم روضهٔ حضرت امام حسین علیه السلام و گودال قتلگاه، شب یازدهم (شام غریبان) روضهٔ اسیری و خیمه‌های سوخته، شب دوازدهم روضهٔ تنور خولی و سر مبارک امام حسین علیه السلام، شب سیزدهم روضهٔ بنی اسد و دفن اجساد مطهر شهدای کربلا و در شبهای دیگر نیز

روضه‌های وداع دختر سه ساله با سر مبارک در خرابه شام، خطبه امام سجّاد علیه السلام و ... خوانده می‌شود.

در بین روضه خوانان و مجالس رسم است شب پایانی روضه را به روضه حضرت زهرا علیها السلام اختصاص می‌دهند و در این شب متوسل به حضرت فاطمه علیها السلام می‌شوند.

نکته:

□ هیئتهایی مثل هیئت حضرت ابوالفضل علیه السلام مدرسه سلطانی، هیئت حضرت علی اکبر علیه السلام میدان ولی سلطان، هیئت حیدری درب فین، هیئت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام درب هو و هیئت حضرت علی اصغر علیه السلام کمال الملک بیست شب مراسم عزاداری و روضه‌خوانی دارند.

□ هیئت شهدای درب یلان صبح و شب مجلس روضه‌خوانی، عزاداری و سینه‌زنی برپا می‌کند و صبح روز تاسوعا و عاشورا پذیرای هیئتهایی است که صبح به «دوره» می‌روند.
□ هیئت چهارده معصوم زیارت پنجه شاه نیز بیست روز صبحها از اوّل تا بیستم محرم مجلس روضه‌خوانی دارد.

□ هیئت احمدی سلطان میراحمد نیز بعد از ظهرها مجلس عزاداری برپا می‌دارد.
□ هیئتهای مرکز شهر نسبت به سنتها و آداب و رسومی که از پدرانشان بر جای مانده است نسبت به هیئتهای پشت مشهد بیشتر پایبند هستند که نمونه‌های زیادی از این آداب و رسوم را در این کتاب ملاحظه می‌فرمایید. یکی از این سنتها خواندن روضه‌های مخصوص در جاهای مشخص عزاداری در بازار است. و مدّاح هیئت را نیز از این امر مطلع می‌کنند تا در جای مشخص روضه و نوحه ویژه را بخواند.

بیشتر هیئتها پانخل را روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌خوانند که این مکان مرکز هیئت ابوالفضل - مسجد جامع - است و در کاروانسرای امین الدوله که اختتام عزاداری است روضه حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌خوانند و بعضی هیئتها در جاهای دیگر نیز روضدای معین می‌خوانند. مثلاً هیئت حضرت علی اصغر علیه السلام - میدان کمال الملک - در گذرنو روضه و نوحه شش ماهه شهید کربلا حضرت علی اصغر علیه السلام و در برابر زیارت

شاه‌یلان روضه و نوحهٔ حضرت علی اکبر علیه السلام و در درب زنجیر روضه و نوحهٔ حضرت ابوالفضل علیه السلام و در کاروانسرای امین‌الدوله روضهٔ حضرت امام حسین علیه السلام می‌خوانند و چه زیباست سنتهایی که از گذشتگان به یادگار به ما رسیده است!

زنجیرزنی

زنجیرزنی از روشهای تعزیت و عزاداریست که شیعیان ایران، پاکستان، افغانستان، هندوستان و عراق بدان عزاداری می‌کنند.

زنجیر واژه‌ایست پهلوی که در اوراق مانوی به شکل «زینچی‌هر» آمده است؛ مجموعه‌ای از حلقه‌های بیضی شکل متصل به هم که به یک دستهٔ چوبی یا فلزی وصل شده‌اند و عزاداران به صورت یکنواخت همراه با نوای نوحهٔ خوان بر پشت خویش می‌زنند؛ زدن زنجیر بر پشت با صدای سنج و دهل هماهنگ است.

در بعضی از مناطق و در برخی از جلسات تیغهایی هم به زنجیرها بسته‌اند که به «زنجیر تیغی» معروف است و هنگام زدن بر پشت خون جاری می‌شود؛ این نوع عزاداری در هیئتهای بزرگ و تاریخی کاشان وجود ندارد و آن را منع می‌کنند لیکن در بعضی از جلسات تازه تأسیس شده، افراد جوان اقدام بدین عمل می‌کنند. بیان عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام راههای بهتر و زیباتری هم دارد؛ راههایی که ائمهٔ اطهار علیهم السلام و یاران با وفای آنها به ما نشان داده‌اند؛ چرا بعضی عشق را اینگونه تفسیر و بیان می‌کنند؟! آیا دیگران عاشق و دلدادۀ اهل بیت نیستند؟ بدانید و بدانیم که عاشق بودن نیازی به این اعمال و رفتار ندارد.

هیئتهایی که بنام مقدّس حضرت سیدالسادین، امام زین‌العابدین علیه السلام و هیئتهایی که بنام امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشند قاعدتاً زنجیرزن هستند چرا که این دو امام بزرگوار با غل و زنجیر در اسارت و زندان بوده‌اند. امام سجّاد علیه السلام را همراه کاروان اسرا از کربلا به کوفه و از کوفه تا شام با دست و پای بسته بر شتر بردند و امام هفتم نیز در زندان هارون الرشید محبوس بود در حالی که پاهایش را با غل و زنجیر بسته بودند.

و این دو امام با زنجیر رازها و سوزها داشته‌اند؛ از این روی این هیئتها بیشتر زنجیر زن هستند.

هیئت سجادیّهٔ مقدّم که از اولین هیئتهای سازمان یافته به شکل کنونی در کاشان است تمام مراسم عزاداری خود را زنجیر می‌زنند و این هیئت اولین هیئتی است که در کاشان زنجیرزنی نموده است. و هیئت سجادیّهٔ پشت مشهد نیز در روز ۲۵ محرم الحرام با آرایش ویژه‌ای زنجیر می‌زنند.

زیارت عاشورا

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «من زار الحسین علیه السلام یوم عاشورا و جبت له الجنه»^(۱) کسی که حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود. همچنین در حدیث دیگری از آن امام بزرگوار نقل شده است: «من زار قبر الحسین یوم عاشورا کان کمن تشحط بدمه بین یدیه» هر کس روز عاشورا قبر امام حسین را زیارت کند مانند کسی است که در رکاب آن حضرت در خون خویش غلتیده باشد.

از روز اول تا روز بیستم محرم بعد از نماز صبح در بسیاری از مساجد و تکایا زیارت عاشورا خوانده می‌شود. این زیارتنامه را امام محمد باقر علیه السلام به علقمه بن محمد حضرمی آموخته است. با شکوه‌ترین جلسهٔ زیارت عاشورا در کاشان جلسهٔ زیارت عاشورایی است که در ساختمان جهاد سازندگی کاشان - واقع در چهار راه آیهٔ الله کاشانی در مرکز شهر برگزار می‌شود که صدها نفر زن و مرد از سحرگاهان به سوی این مرکز حرکت می‌کنند. این جلسه که در دههٔ اول محرم برپاست هر روز از یک مدّاح سرشناس بویژه مدّاحانی که از دیگر شهرها مهمان شهرمان هستند استفاده می‌شود و در پایان زیارت عاشورا حاضران از سخنرانی و خطابهٔ یکی از شخصیت‌های علمی - فرهنگی حوزه و دانشگاه بهره‌مند می‌گردند.

در جلسات زیارت عاشورا بانیان جلسات از مردم با چای شیرین و نان خشک محلی

موسوم به نان جوشی پذیرایی می‌کنند و این سنت از قدیم‌الایام تاکنون برقرار می‌باشد.

سادات

از ویژگی‌های عزاداری مردم کاشان در ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام این است که سادات فاطمی شالهای سبز به‌گردن می‌آویزند و بعضاً شال سبز به کمر می‌بندند و در میان عزاداران و سوگواران در دستجات و هیئتهای سینه‌زن و زنجیرزن حرکت می‌کنند و دیگران شالهای سیاه به‌گردن می‌آویزند.

رنگ سبز که نشان از سیادت افراد می‌دهد قدمت تاریخی دارد. در سال ۲۰۱ هجری هنگامی که مأمون حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را ولیعهد مسلمانان قرار داد، به سپاه خود دستور داد جامهٔ سیاه را که شعار عباسیان بود به جامهٔ سبز تبدیل کنند.^(۱) و مأمون رنگ سبز را لباس حضرت امام رضا علیه السلام قرار داد و به دیگر علویان نیز دستور داد که لباس سبز را شعار خود قرار دهند.^(۲) بعد از شهادت امام رضا علیه السلام دوباره لباس سیاه جای لباس سبز را می‌گیرد.

در قرن هشتم مَلِک اشرف، شعبان بن الحسین که فرمانروای ممالک بحری (شام و مصر) بود دستور می‌دهد اشراف^(۳) عمامهٔ سبز را شعار خود قرار دهند تا مقامشان بزرگداشته شود و مردم ایشان را بشناسند و از دیگران ممتاز باشند. شمس‌الدین محمد بن احمد بن جابر اندلسی در این باره گفته است:

جَعَلُوا الْأَيْنَاءَ الرَّسُولَ عَلامَةً إِنَّ الْعَلامَةَ شَأْنٌ مَنْ لَمْ يُشْهَرِ
نُورُ النُّبُوَّةِ فِي كَرِيمِ وُجُوهِهِمْ يُغْنِي الشَّرِيفَ عَنِ الطَّرَازِ الْأَخْضَرِ

«برای اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله علامت، قرار دادند - علامت مناسب کسی است که شناخته شده نباشد - در سیمای گرامی آنان نور نبوت آشکار است و شریف با این نور، نیازی به آرایش

۲- روضات الجنات، ص ۳۴۷

۱- کامل ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۸۳

۳- آنچه ما امروز از کلمه سید اراده می‌کنیم سابقاً (تا زمان صفویه) از شریف که جمع آن اشراف است اراده می‌شد و کلمه شریف جز پیش از نام علویان در نمی‌آمد.

سبز ندارد.»

شیخ بدرالدین حسن بن حبیب حلبی نیز چنین گفته است:

عَمَاتِمُ إِلَّا شَرَافٍ قَدْ تَمَيَّزَتْ بِخَضْرَاءِ رِقَّتٍ وَ رَافَتْ مَنظَرًا
وَ هَذِهِ إِشَارَةٌ أَنْ لَهُمْ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ لِبَاسًا أَخْضَرًا

«عمامه‌های سادات با پارچه سبز نازک خوش‌نما از عمامه‌های دیگر امتیاز یافت، این رنگ سبز به این معنا اشاره است که آنان در بهشت جاودان هم دارای جامه سبز هستند.»

لِأَلِّ رَسُولِ اللَّهِ جَاءَ وَ رَفَعَتْ بِهَا رَفَعَتْ عَنَّا جَمِيعَ النَّوَائِبِ
وَ قَدْ أَضْبَحُوا مَثَلِ الْمُلُوكِ بِرَبِّكَهْم إِذَا مَا بَدَّوْا الثَّانِي تَحْتَ الْعَصَائِبِ (۱)

«آل پیغمبر ﷺ در نزد خداوند، جاه و مقام بلندی دارند که به وسیله آن بلا و رنج از ما برطرف می‌شود. آنان در آن وقت که با عمامه سبز نزد مردم می‌آیند در شعار مانند پادشاهانند.» (۲)

از این روست که سادات بنی فاطمه در هنگام حرکت هیئت برای عزاداری به طرف بازار از پیر و جوان گرفته همه علاقمند آند تا این سنت علوی را حفظ کنند تا همچون تیری باشد در چشمان اموی صفتان؛ همچنین نخلهای عزای حسینی را نیز عمامه سبز می‌بندند و تحت‌الحنک را آویخته می‌کنند تا نشانه آن باشد که این گشته «فتاده به دریای خون» فرزند پاک رسول الله ﷺ است.

۱- به موجب نوشته شیخ عبدالجلیل رازی (التفصص صص ۶ و ۷) پیغمبر سه علم داشت: سفید، سیاه و سبز؛ سفید را آل علی، سیاه را آل عباس و سبز را سلاطین انتخاب کردند. شاعر ظاهراً به این معنا توجه داشته است.

۲- تاریخ مذهبی قم، ص ۱۱۴

سفره

در پایان مراسم عزاداری و روضه‌خوانی در حسینیه‌ها، تکایا، مساجد و منازل روضه‌خوانی، سفرهٔ نذری ابا عبدالله گسترده می‌شود و حتّا کسانی که وضع مالی مناسبی نیز دارند متواضانه بر سفره می‌نشینند؛ غذای نذری سفره را که برای همه مقدّس و قابل احترام است به نیت تبرّک و شفا می‌خورند و حتّا برای افزون شدن رزق و برکت سفره به خانه برده هر روز کمی از آن را به غذای روزانه می‌افزایند و این رسم از دیر باز در جوامع شیعی رواج داشته است.

«خلفای فاطمی در مجلس سوگواری بر زمین می‌نشستند و پیروانشان در نهایت اندوه گرد آنان حلقه می‌زدند. به جای فرش در تالارها و سرسراها شن می‌ریختند و خوراک بسیار مختصری تنها مرکّب از عدس سیاه، پیازهای شور و خیار و نان جوین بر سر خوان می‌نهادند و آن را «سفرهٔ ماتم» می‌خواندند ...»^(۱)

بیشتر هیئتها بعد از مراسم عزاداری در بازار هنگام مراجعت به مرکز هیئت، عزاداران را اطعام می‌کنند. همچنین در پایان مراسم روضه‌خوانی نیز هر شب حضار اطعام می‌شوند. برای آگاهی بیشتر از اطعام هیئتها نگاه کنید به واژه نذر در همین کتاب.

سقای

معنای لغوی «سقای» یعنی آب رساندن و آب دادن به کسی و به آن که این کار را انجام می‌دهد «سقا» گویند. در واقعهٔ کربلا حضرت قمر بنی‌هاشم عباس بن علی علیه السلام علاوه بر علمداری سپاه ابا عبدالله الحسین علیه السلام سقای اهل حرم امام حسین علیه السلام نیز بود.

«در روز هفتم محرم عبیدالله بن زیاد نامه‌ای به نزد عمر سعد فرستاد و به او دستور داد تا با سپاهیان خود بین امام حسین علیه السلام و اصحابش و آب فرات فاصله ایجاد کرده اجازه نوشیدن حتّا قطره‌ای آب را به امام ندهد همان‌گونه که از دادن آب به عثمان بن عفّان خودداری شد!!

عمر بن سعد نیز فوراً عمرو بن حجاج را با پانصد سوار در کنار شریعهٔ فرات مستقر کرد و مانع دسترسی امام حسین علیه السلام و یارانش به آب شدند. (۱)

در روزهای بعد که هر لحظه تب عطش در خیمه‌ها افزونتر می‌شد امام حسین علیه السلام برادر خود عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام را فرا خوانده به او دستور داد به همراه سی سوار و بیست پیاده از فرات آب بیاورند و چنین هم شد. در روز عاشورا که جنگ میان دو سپاه شروع شده بود و یاران باوفای سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیده بودند نیز در خیمه‌ها قحط آب بود. فریاد العطش کودکان ملائک را به گریه درآورده بود. عباس علمدار از امام اذن گرفت برود برای کودکان آب بیاورد. با اجازهٔ امام حسین علیه السلام مشک را بر دوش گرفت و سوار بر اسب به سوی فرات رفت و با سربازان سپاه عمر سعد که در کنار فرات بودند جنگ نمایانی نموده آنها را پراکنده ساخت و وارد فرات شد؛ خواست آب بنوشد ولی به یاد لبهای تشنهٔ برادر افتاد و یاد فریاد کودکانی که «عموجان العطش!» می‌گفتند، فرمود:

یا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي وَ بَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي

هَذَا الْحُسَيْنُ شَارِبُ الْمُنُونِ وَ تَشْرِبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ

«ای نفس! زندگی بعد از حسین خواری و ذلت است، و بعد از او نمایی تا این ذلت را ببینی، این حسین است که شربت مرگ می‌نوشد و تو آب سرد و گوارا می‌نوشی؟!»

و مشک را از آب پر کرد و بر شانهٔ راست خود انداخت و راهی خیمه‌ها شد.

به این علت افراد بسیاری در دسته جات و هیئت‌های عزاداری بویژه از روز هفتم محرم تا روز دوازدهم مشک بر دوش می‌گیرند پابرهنه و با وضو آب خنک به عزاداران، سینه زنان و زنجیرزنان می‌دهند و کسانی هم به نیت شفا این آب را می‌نوشند.

ملا حسین، واعظ کاشفی در «فتوت‌نامهٔ سلطانی» بابتی مستقل دربارهٔ سقایان و آداب سقایی آورده است:

«... قال الله تبارک و تعالی: وسقاهم ربهم شراباً طهوراً. و سقایی را از چهار پیغمبر و دو

ولی گرفته‌اند: نوح که آب شیرین به کشتی برد، ابراهیم، خضر و محمد ﷺ و دو ولی سلمان و عباس بن علی ﷺ که در عاشورا مشک بر دوش کشید. و هر که امروز به عشق شهیدان کربلا سقایی می‌کند به متابعت و موافقت عباس بن علی ﷺ است و این طایفه را «حیات بخشان» گویند.

و آداب سقایی ده چیز است: ۱- طهارت بدن ۲- طهارت نفسانی ۳- ابتدا از دست راست شروع کند ۴- از روی ریا آب ندهد ۵- آب حلال بدهد ۶- طمع مزد نکند ۷- سخت رو و سخت گو نباشد ۸- بی‌اذن صاحب مجلس نیاید ۹- بر همکاران حسد نوزد ۱۰- خرده‌های طریقی را حفظ کند. (۱)

اما نوع دیگری هم از سقایی وجود دارد که خود برگرفته از سقایی ابوالفضل العباس ﷺ است و آن برپایی جلسات و محافلی است که افراد با در دست گرفتن کشکول و کاسهٔ آبی به مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی اهل بیت ﷺ می‌پردازند. «عزاداری سقایی عبارت است از خواندن مصائب وارده بر عترت رسول خدا ﷺ خاصه حضرت سیدالشهدا ﷺ اما به صورت ذکر نوحه‌سرایی به طور دسته‌جمعی و به صورت هماهنگ نوحه‌سرایی کردن؛ گرچه بین دستجات سینه‌زنی و زنجیرزنی هم مصیبت‌خوانی و نوحه‌سرایی رایج است اما تفاوت نوحه‌سرایی سقایی با نوحه‌سرایی سینه‌زنی و زنجیرزنی آن است که ذکر نوحه‌سرایی سقایی سنگین و حزین و بدون سینه‌زدن و زنجیرزدن و بدون نواختن طبل و سنج خوانده می‌شود.» (۲)

سقاخانه

«جایی که در آنجا آب برای تشنگان ذخیره کنند و آنجا را متبرک دانند» (۳) به مکانی که سنگاب یا منبع آبی برای رهگذران تشنه کام می‌گذارند «سقاخانه» گویند و مخارج این مکانهای مقدس را مردم نیکوکار می‌دهند.

این سنت حسنه که به پیروی از منصب سقّای کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌باشد در میان دوستان اهل بیت علیهم السلام رواج بسیاری دارد. در بسیاری از خیابانها و گذرهای کاشان دستگامهای آب سردکن، سنگابها و منبعهایی گذاشته شده است که بر روی آنها این جملات نقش بسته است:

«سقاخانهٔ حضرت ابوالفضل»، «سقاخانهٔ ابا عبدالله الحسین علیه السلام»، «سلام بر حسین شهید»، «السلام علیک یا ابا عبدالله»، «فدای لب تشنه‌ات یا حسین»، «آبی بنوش و تشنه لبان را تو یاد کن لعنت حق بر یزید و ابن زیاد کن»، «آبی بنوش و شه لب تشنه یاد کن لعنت به شمر و خولی و ابن زیاد کن»، «سلام بر حسین، لعنت بر یزید»، «از آب هم مضایقه کردن کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا»، «به یاد لبهای خشک شش ماههٔ شهید کربلا»، «یا علی اصغر حسین فدای لبهای خشکیده‌ات.»

سینه‌زنی

از انواع تعزیت و سوگواری در میان عزاداران رسم سینه‌زنی است که در میان شیعیان رواج دارد. سینه زنان همراه با نوحه خوانی مدّاح یا نوحه خوان با آهنگی خاص که گاه تند و سریع و گاه کند و سنگین است با حرکات موزون بر سر و سینه می‌زنند. اصل این سنت در میان اعراب بوده که ابن بطوطه در «سفرنامه» شرح آن را آورده است. بیشتر هیئت‌های کاشان هنگام عزاداری در بازار و یا در حسینیه‌ها از این سنت پیروی می‌کنند.

شش‌گوشه

تمام مرقدهای ائمهٔ اطهار و امامزادگان علیهم السلام که با ضریحی چوبی یا فلزی پوشیده گشته و با دست توانای هنرمندان متعهد به انواع هنرهای مربوط آراسته گشته است به شکل مربع یا مستطیل و دارای چهار گوشه‌اند... لیکن مرقدهٔ مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ضریحی شش‌گوش است بدان دلیل که حضرت علی اکبر علیه السلام

جوان رشید حضرت سیدالشهدا علیه السلام پایین پای حضرت دفن می‌باشد و به این علت دو گوشه به آن اضافه کرده ضریح منور را شش گوشه ساخته‌اند.

رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید دیدم که مرقد شهدا مشک و عنبر است
 هر یک مزار مرقدشان چارگوشه داشت شش گوشه یک ضریح در آن هفت کشور است
 پرسیدم از کسی سببش را، به گریه گفت: پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است^(۱)

به این سبب هیئت شاهزاده علی اکبر علیه السلام - زیارت حبیب بن موسی - در روز ششم ماه محرم شش گوشه‌ای شبیه ضریح مبارک و منور آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام پیشاپیش هیئت از مرکز هیئت که زیارت حبیب بن موسی - پشت مشهد - می‌باشد به طرف بازار حرکت داده به عزاداری می‌پردازند. عزاداری این هیئت دو ویژگی دارد که برای دیگر هیئت‌ها نیست:

۱- از ابتدای تأسیس به خاطر وجود پر برکت حضرت آیه الله العظمی آقا میرسید علی یثربی (ره) این هیئت بعد از برگذاری نماز جماعت ظهر و عصر به طرف بازار حرکت می‌کنند.

۲- به احترام حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام که شبیه شش گوشهٔ مرقد مطهرشان را به بازار می‌آورند هیچ هیئت دیگری از دو طرف مسیر (از پشت مشهد یا از مرکز شهر) برای عزاداری وارد بازار نمی‌شود و این روز اختصاص به هیئت شاهزاده علی اکبر علیه السلام دارد.

شش گوشه در سال ۱۳۳۵ قمری به دست استاد محمد آقا نجاری باشی پس از مراجعت از سفر کربلا با چوب ساخته شد و پس از وی حدود سالهای ۱۳۴۳ با فلز روپوشی و رنگ آمیزی شده اشعاری از مرحوم غلامحسین شکوهی کاشانی بر روی کتیبه‌ها و دیگر قسمت‌های معجر نوشته شده است:

این مرتفع مقام که عکسی مصور است
 این شکل مرقدی ست که فرمود مصطفی
 دانی که کیست زاده صدیقه آنکه او
 شش‌گوشه است مرقد آن شاه تشنه کام
 دانی که کیست شبه گل روی مصطفی
 یعنی علی‌اکبر ناکام کز غمش
 مانند خسروان جهان است با جلال
 تصویر قبر زاده زهرای اطهر است
 یک بار طوف او به نود حج برابر است
 نامش حسین و کشته شمشیر و خنجر است
 اما دو گوشه‌اش ز شیبه پیمبر است
 فرزند ناز پرور لیلای مضطر است
 دلهاکباب یکسره تا روز محشر است
 هر کس غلام هیئت شهزاده اکبر است

شمایل

در کتاب «فرهنگ عاشورا» آمده است که از سنتهای مذهبی قدیم در تکایا آن بود که در ایام عزاداری برای یادآوری فرات، تشتی پر از آب در گوشه‌ای از تکیه می‌نهادند و علمی را به نشان علمداری حضرت عباس علیه السلام به ستونی می‌بستند و بر روی پرده‌ها یا دیوارها شمایی از شهادت هفتادو دو تن می‌کشیدند و در و دیوار را رنگ عزا می‌دادند تا هماهنگ با محتوای تعزیه و شبیه‌خوانی باشد؛ شمایل نگارانی هم همواره بوده‌اند که ذوق و هنر خویش را در راه ابا عبدالله علیه السلام و موضوعات دینی مربوط به ائمه وقف می‌کردند و کسانی با عنوان «پرده‌دار» به مرثیه خوانی پای این شمایل و تصویرهای مذهبی می‌پرداختند که به آنان «شمایل خوان» هم می‌گفتند. تابلوهای تصویرگران وقایع مذهبی بر محور قصص قرآنی، جنگهای پیامبر و حضرت علی علیه السلام، ثبت وقایع عاشورا، خروج مختار و ... است.

شمایل، تابلوهای بزرگ نقاشی ست که هنرمندان و تصویرگران مذهبی بر روی پارچه‌های بزرگ که طول و عرض آن کمتر از ۳ × ۲ متر نیست می‌کشند و در جلوی هیئت و یا دسته حرکت می‌دهند و یا بر روی جبهه جلوی نخل می‌بندند. موضوعات این تابلوها هماهنگ با نام هیئت عزادار می‌باشد. هیئتهای حضرت ابوالفضل علیه السلام شمایل آن بزرگوار را سوار بر اسب با علم، سوار بر اسب با مشک تیر خورده، سوار بر اسب با دستان بریده،

حضرت ابوالفضل در فرات، حضرت ابوالفضل با پیشانی عمود خورده، و ... هیئت سجاده شمایل کاروان اسیران همراه حضرت سجاده علیه السلام سوار بر شتر با غل و زنجیر، هیئت حضرت علی اصغر علیه السلام شمایل حضرت سیدالشهدا با قنذاقهٔ علی اصغر علیه السلام و دیگر هیئتها تصاویری را با همین مضامین در مرکز روضه‌خوانی نصب می‌کنند و یا همراه هیئت عزاداری به بازار می‌آورند.

شمع زنی

از برنامه‌های ویژهٔ شب عاشورا در کاشان مراسم شمع زنی است که چند سالی در بوتهٔ فراموشی بود اما دگرباره رونق اولیئهٔ خود را باز یافته است و زنان و مردان، خاصه دختران و پسران با شور و حال خاصی در این مراسم شرکت می‌کنند.

ساعاتی قبل از غروب آفتاب در روز تاسوعا کسانی که نذر دارند و یا علاقمند شرکت در این مراسم هستند ۷۲ شمع به یاد ۷۲ شهید کربلا در دست گرفته با وضو و طهارت و پابرهنه در چهل جای مقدس مثل زیارتگاهها، مساجد، حسینیه‌ها و قدمگاهها^(۱) به یاد شهیدان روشن می‌کنند و دلیل آنکه در چهل مکان می‌روند آن است که بنا به نقلی کاروان اسیران اهل بیت را از کربلا تا شام چهل منزل برده‌اند.

متولیان هیئتها و زیارتگاهها جایگاههایی را برای روشن کردن شمع در ورودی مکانهای مقدس در نظر گرفته‌اند و کسانی که شمع روشن می‌کنند مقداری نقل و شکلات و بسته‌های مشکل‌گشا به کودکانی که در آن مکان هستند و یا به متولی یا بابای آن محل می‌دهند.

این سنت بیشتر در مرکز شهر رواج دارد و افراد به صورت گروهی یا خانوادگی شرکت می‌کنند و گاهی اوقات این برنامه تا چندین ساعت به طول می‌انجامد تا چهل مکان مقدس را برونند.

۱ - در اعتقاد عامه به مکانهایی «قدمگاه» گویند که یکی از بزرگان دین به آنجا گام نهاده باشد و محلی است برای برپایی مراسم مذهبی، ادای نذر و مانند اینها که البته بیشتر مخصوص خانهاست.

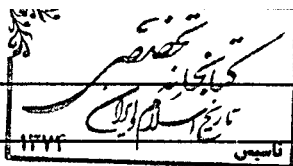
شیر فضّه

صاحب ناسخ‌التواریخ - سپهر کاشانی - به نقل از مردی از قبیله بنی اسد آورده است که: پس از آنکه امام حسین علیه السلام و اصحابش به شهادت رسیدند و سپاه عمر سعد از کربلا کوچ کردند، هر شب شیری از سمت قبله می‌آمد و به قتلگاه گشتگان می‌رفت و بامدادان برمی‌گشت. آن مرد یک شب ماند تا ببیند قصّه چیست. دید آن شیر، به جسد امام حسین علیه السلام نزدیک می‌شد و حالت گریه و ناله داشت و صورت خود را بر آن جسد می‌مالید. (۱)

همچنین در کتاب «قصّه کربلا» به نقل از کتاب «مدینه‌المعاجز» می‌نویسد:

«پس از رفتن قافلهٔ کربلا، من به میدان نبرد آمدم، صحنهٔ عجیبی بود، اجساد مطهر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران امام علیه السلام غرقه در خون روی زمین افتاده خاک بر آنها نشسته بود؛ منظره‌ای حزن‌آور بود؛ از بدنهای مطهر آنان نور به آسمان می‌تابید و نسیمی که بر آن اجساد عزیز می‌گذشت عطرآگین بود؛ در این هنگام شیری را دیدم که در کنار جسد مطهر حضرت امام حسین علیه السلام آمد و خود را به خون مبارک امام آغشته کرد و چنان ناله می‌کرد که تا کنون نشنیده بودم، و آنچه که بر تعجب من افزود آن بود که شب - هنگام نگاهی به صحنه کارزار کردم، در کنار هر بدن نوری دیدم همچون شمع که می‌درخشید و صدای ناله و گریه از کنار آن عزیزان به گوش می‌رسید.» (۲)

در بعد از ظهر روز دوازدهم محرم هیئت کربلاییهای کاشان از مرکز آن دارالحسین - جنب زیارت پنجه شاه - با مراسم عزاداری و زنجیرزنی به همراه تعزیهٔ بنی اسد و شیر فضّه به سوی زیارت حبیب بن موسی حرکت می‌کنند؛ در پیشاپیش شرکت‌کنندگان زنان عزادار هستند و در میان زنان بعضی از بانوان بیلهایی بر دوش دارند. چنانکه در مقاتل آمده است ابتدا زنان قوم بنی اسد برای دفن پیکر شهدا پیشگام شدند که سپس مردان قوم بنی اسد آمدند بدن امام و یاران امام را دفن نمایند، اما چون بدنها سر نداشته حتّاً لباس آنها را رבוده بودند و بیشتر بدنها بر اثر ضربات شمشیر پاره پاره بود، قابل شناسایی



نبود و بنی‌اسد متحیر مانده بودند که در این هنگام امام چهارم علیه السلام تشریف آورده بدن‌ها را به بنی‌اسد معرفی نمودند و خود به دفن بدن مطهر و مقدس پدر بزرگوارش اقدام فرموده روی قبر مطهر نوشتند: «هَذَا قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي قَتَلُوهُ عَطَشًا نَا غَرِيْبًا»

در مراسم مذکور در پی زنان بنی‌اسد افرادی شبیه کاتب حوادث غمبار کربلا، ساریان و رئیس قبیلهٔ بنی‌اسد سوار بر اشتر در حرکتند و همچنین فردی با لباسی سراسر سبز با صورتی پوشیده شبیه حضرت سجاد علیه السلام سوار بر شتر است. در پی آن تخت روان^(۱) که بر روی آن پیکر تشبیهی غرق به خون حضرت سیدالشهدا علیه السلام و علی اصغر علیه السلام و شیر فضه قرار دارد در میان عزاداران و سوگواران بر روی دست برده می‌شود.

در اطراف تخت روان اسبی سفید شبیه «ذوالجناح» در حالی که هدف آماج تیر بلا قرار گرفته با بدنی مجروح و یالی خونین در اطراف بدن مطهر حرکت داده می‌شود.

شخصی که در لباس شیر است به نحوی جالب و حزن‌انگیز شبیه‌خوانی کرده نمایش می‌دهد؛ هنگامی که شیر، اطراف پیکر مطهر حرکت می‌کند با دندانهایش تیرها را از بدن امام می‌کشد و خود را به بدن امام ساییده ناله می‌زند و عزاداران را منقلب می‌کند. دستهٔ پایانی این شبیه‌خوانی عزادارانی هستند که پابره‌نه زنجیرزنی می‌کنند و مرثیه‌هایی به زبان فارسی و عربی خوانده می‌شود.

تعزیهٔ شیر فضه بعد از عبور از خیابان باباافضل و میدان کمال الملک دقایقی را در مقابل مرکز هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام توقف نموده سینه‌زنی می‌نمایند سپس به سوی زیارت حبیب‌بن موسی حرکت می‌کنند.

هنگام ورود بدن تشبیهی امام به صحن زیارت فریاد و احسین و شیون و نالهٔ زن و مرد به هواست و شور و غوغای عجیبی بر فضای صحن مطهر حبیب‌بن موسی علیه السلام حاکم است و نوحه‌هایی از دل برآمده از این قبیل خوانده می‌شود:^(۲)

۱ - قطعه چوب پهنی‌ست که روی آن شبیه بدن مطهر را با بوریا و حصیر پوشانده شیر روی آن قرار دارد.

۲ - با استفاده از مقالهٔ تحقیقی آقای مجتبی خوش‌حالت.

این بدن از کیست که سر ندارد عزیز زهراست کفن ندارد

مگر به دشت کربلا به غیر بوریا نبود مگر حسین تشنه لب عزیز مصطفی نبود

در روز سیزدهم محرم نیز هیئت کاظمینی‌های مقیم کاشان از مرکز هیئت واقع در خیابان فاضل نراقی به سوی زیارت حبیب بن موسی با بدن تشبیهی حرکت می‌کنند و در آنجا به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند.

ضرب‌المثلها

- آب به دست شمر افتاده است: کارها به دست شخصی ظالم و ستمکار افتاده است.
- ادب را از عباس بیاموز: احترام از روی خضوع و فروتنی برای بزرگان را از عباس بن علی علیه السلام بیاموز.
- الهی فال زینب راست باشد: خدا کند طوری که گمان می‌کنید باشد.
- امام حسین نیست و گر نه شمر زیاد است: معاصرین ما در قساوت و سنگدلی کمتر از شمر بن ذی الجوشن نیستند.
- امام حسین را که کشتند برای خلیپها خوب شد: بهره‌وری و ارتزاق از حادثهٔ کربلا.
- تعزیه گرفتن! سر و صدا راه انداختن.
- خدا خواسته است اگر حضرت عباس بگذارد نظیر: شاه می‌بخشد ولی شیخ علی خان نمی‌بخشد.
- با یزید بیعت کن یا برو گنگور کنگر چین: یا با ظالم به مصالحت و مراقت باش یا به جایی برده خواهی شد که عرب نی اندازد!
- حسن و حسین هر سه دختران معاویه: یکی می‌گفت حسن و حسین هر سه دختران معاویه را در مدینه گرگ خورد. گفتند: حسن و حسین نبود حسن و حسین بود، دختران معاویه نبودند پسران علی علیه السلام بودند. در مدینه گرگ نخورد بلکه حسن بن علی علیه السلام

- مسموم شد و حسین علیه السلام را شمر در کربلا به شهادت رسانید.
- علی اصغر به زبان آمده است: کسی که بعد از مدتی کلامی شیرین بگوید.
- شمر مقسم آب است: ظالم و ستمگری می‌خواهد عدالت را اجرا کنند.
- مثل زینب ستم‌کش! راجع به کسی که بسیار سختی و ستم می‌بیند گفته شود.
- مثل شمر بن ذی‌الجوشن: بی‌رحم و سنگدل.
- مثل طفلان مسلم: غریب و مظلوم.
- مثل عَلم یزید: بالایی بلند و زشت.
- مثل عمر سعد: عبوس و خشمگین.
- مثل شام غریبان: شبی غمناک و درد آلود.
- مثل سنان بن انس: با چهره‌ای مهیب و ترسناک.
- مثل حرمله: سنگدل و بی‌رحم.
- مثل امام زین العابدین: نحیف و لاغر.
- مثل اهل کوفه: بی‌وفا و عهدشکن.
- مثل ابن سعد: خشمگین و بداخلاق.
- مثل یزید: بی‌رحم و سنگدل.
- مزد نوشیدن آب، لعنت بر یزید است.
- من از حسین می‌پرسم تو می‌گویی عباس شهید شد: در جواب فردی گویند که پاسخی بی‌ربط دهد.
- وفارا از عباس بیاموز! مقایسه شود با: ادب را از عباس بیاموز.

عاشورا

روز غم، ماتم و اندوه شیعیان و روز عزای فرزندان فاطمه علیها السلام است که در سال ۶۱ هجری در سرزمین پربلای کربلا به دست یزیدیان به شهادت رسیدند و فریاد آه و ناله ملائک آسمان بلند شد و زمین بر خود لرزید و آسمان خون‌گریه کرد.

الف: عاشورا پیش از واقعهٔ کربلا

عاشورا، نام روز دهم ماه تشرین بوده است که یهودیان در آن روز، روزه می‌گرفتند و پیامبر گرامی اسلام ﷺ در یکی از روزهای عاشورا وارد مدینه شد. یهودیان روزه دار بودند؛ پیغمبر ﷺ سبب روزه را پرسید، گفتند به جهت پیروزی موسی بر فرعون است. پیامبر این ﷺ روزه را پذیرفت و مسلمانان تا پیش از تعیین ماه رمضان به عنوان ماه روزه این روز را روزه بودند.

بعدها میان مسلمانان بر سر روز عاشورا اختلاف افتاد. بنابر روایات اهل سنت روزهٔ این روز مستحب است و بنابر روایات شیعه مجاز نیست. تنها مخالفین اهل بیت و دشمنان ایشان به مناسبت کشته شدن امام حسین علیه السلام این روز را روزه می‌گرفتند، اما برای خاندان رسالت این روز، روز شومی است.

در روایات اسلامی عاشورا از فضیلت خاصی برخوردار است و به مناسبت‌های ویژه‌ای چون ظهور امام زمان - عج الله تعالی فرجه - روز خروج نوح از کشتی، پذیرش توبهٔ آدم در این روز، آفرینش زمین و آسمان و ... تکریم می‌شود.

ب: عاشورا پس از واقعهٔ کربلا

شیعیان با کوشش فراوان این روز را به عنوان یک مصیبت عمومی رسمیت دادند. در حالی که در دوران امویان این روز، فرخنده محسوب می‌شد و مردم لباس نو پوشیده به شادی می‌پرداختند. این رسم حتّاً بعد از زوال امویان نیز ادامه یافت.

«فعالیت رسمی شیعه به سال ۳۵۲ با قدرت یافتن آل بویه آغاز شد معزالدولهٔ دیلمی فرمان داد در این روز مردم به سوگواری بپردازند؛ بازارها بسته شد و تمامی مشاغل تعطیل گشت. زنان موی گشودند و چهره نیلی کردند و مردان سینه چاک کرده قبه و علم افراشتند. شیعیان از همان عاشورا به کربلا و به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رفتند و هر بلایی را به جان می‌خریدند. تا در دوران صفویه با رواج تشیع در ایران، در شعاع وسیعتر این دهه به عنوان ایام سوگواری اعلام شد و مردمان در کوی و برزن با مراسم خاص به

تعزیت می‌پردازند»^(۱)

ج: عاشورا در کاشان

اوج عزاداری و سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفایش در شب و روز عاشورا است. شهر از حالت طبیعی خود خارج است؛ غوغایی در شهر است؛ در هیچ خیابان و محله و کوچه‌ای نیست که صدای روضه و عزاداری بلند نباشد. مردم از خانه‌ها به سوی حسینیه‌ها، مساجد، تکایا و بازار در حرکت هستند و هر جا علمی برپاست؛ حضور زنان و مردان سیاهپوش و عزادار نمایان است. حتّا کاشانیهای مقیم شهرهای دیگر خود را برای عزاداری در روز عاشورا به کاشان می‌رسانند. در شب عاشورا تمامی هیئتها مراسم سینه‌زنی یا زنجیرزنی دارند بویژه هیئتهایی که در روز عاشورا مراسم عزاداری در بازار دارند.

در شب عاشورا که شامگاه تاسوعاست ورودی بازار پانخل از خیابان باباافضل شور و حال عجیب و غریبی دارد. حرکت منظم دسته‌های هیئت قاسم‌بن‌الحسن علیه السلام که حدوداً بعد از نماز مغرب و عشاءست و ورود آنها به بازار گذرنو در میان انبوه جمعیتی که در میدان کمال‌الملک و خیابان باباافضل هستند و در برابر دیدگان صدها جوان از هیئتهای ابوالفضل مسجده جامع (که مرکز تجمع آنها پانخل است) و مدرسه سلطانی (که مرکز تجمع آنها بازار گذرنو است) عظمت و شکوه خاصی دارد. بعد از عزاداری و سینه‌زنی این هیئت در گذرنو، نوبت عشق بازی جوانان هیأت ابوالفضل است. ابتدا هیئت ابوالفضل مدرسه سلطانی با وقار و آرامش خاصی ذکر ویژه خود را فریاد می‌کنند و به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند؛ پس از آن نوبت هیئت ابوالفضل مسجد جامع است که حال و هوای خاصی دارد، هنگامی که از بلندگوها ذکر هیئت بیان می‌شود جوانان هیئت با فریادهای ابوالفضل - ابوالفضل بر سر و سینه زده از پله‌های پانخل پایین می‌ریزند و آهسته آهسته با آن شور و حال تا پله‌های گذرنو می‌روند و بعد از آن به روضه‌خوانی و سینه‌زنی

می‌پردازند. گاهی اوقات به دلیل رعایت نکردن بعضی از حدود، میان دو هیئت ابوالفضل‌ی تنشی بوجود می‌آید که نمک این عزاداری‌ست. در شب عاشورا دوره نخل سرپره (که شرحش آمده است) وصف ناشدنی‌ست. در شب عاشورا همچون شب قبل (تاسوعا) مردم تا ساعات یک تا دو بعد از نیمه شب در مجالس عزاداری هستند؛ شاید بتوان به یقین گفت شبهای تاسوعا و عاشورا خیابانها و کوچه‌های شهر کاشان شلوغتر از روزهاست. در سحرگاه روز عاشورا بعد از نماز صبح و خواندن زیارت پر فیض عاشورا بعضی از افراد در محلهایی خارج از دید عموم قمه می‌زنند بدان عنوان که قطراتی از خون خود را به عشق سالار شهیدان به زمین می‌ریزیم. قمه‌زنی در کاشان نیز سابقه طولانی دارد البته نه به آن شدت و حدتی که در بعضی از جاها وجود دارد.

حرکت دسته‌جات و هیئتها از اولین ساعات روز عاشورا برای عزاداری به طرف بازار (هر دو مسیر) آغاز می‌شود. بعضی از هیئتها نیز دوره سنتی دارند از آن جمله دوره هیئت ابوالفضل مسجد جامع کاشان و دوره هیئت ابوالفضل سرسنگ؛ بعضی از هیئتها نیز به طرف مجالس عزاداری که در زیارت حبیب‌بن موسی و زیارت پنجه شاه برقرار است می‌روند و در آنجا به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند.

اذان ظهر روز عاشورا با اشک و آه توأم است. مؤذن با اذان خود لحظات پایانی عمر پربرکت سیدالشهدا علیه السلام را اعلام می‌کند و نماز ظهر عاشورا در میدان کمال‌الملک و دروازه دولت - ابتدای مسیر حرکت هیئتها به بازار - جلوه خاصی دارد. بعد از نماز ظهر عاشورا زنان و مردانی که در میدان کمال‌الملک هستند شاهد دسته تعزیه عربهای کربلایی کاشان هستند که به سوی زیارت پنجه‌شاه می‌روند. (شرح آن در خمیه سوزی آمده است.)

ساعاتی بعد از نماز ظهر عاشورا اولین نخل عزای سیدالشهدا علیه السلام وارد بازار پانخل می‌شود و بعد از سینه‌زنی هیئت به سوی بازار گذرنو حرکت می‌کنند؛ مردمی که در حد فاصل دو بازار و اطراف خیابان هستند منتظر دیدن نخل سیدالشهدا می‌باشند؛ صدها جوان در دسته‌های مختلف بر سر و سینه می‌زنند و با فریاد یاحسین در جلوی نخل حرکت می‌کنند. نخل ماتم از پله‌های بازار پانخل پایین می‌آید؛ تکان داده می‌شود و

سپس وارد بازار کاشان می‌شود.

بعد از ظهر عاشورا میدان کمال‌الملک و خیابانهای منتهی به آن بویژه خیابان باباافضل و محتشم‌حال و هوایی وصف‌ناشدنی دارد. ساعتی بعد از ورود نخل سرپره به بازار، هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام برای حرکت به سوی بازار آماده می‌شود. هر لحظه به جمعیت افزوده می‌شود. نخل کلهر در وسط خیابان محتشم‌روبروی مسجد صادقیه کرسی می‌شود و صحنهٔ دهها کودک که در آغوش پدران خود «کتلی» شده‌اند، تماشاییست. صحنه‌ای دیدنی اما گریه‌خیز و غم‌انگیز به یاد کودکان کاروان اباعبداللّه‌الحسین علیه السلام در کربلا. ازدحام جمعیت رفت و آمد را کند کرده است؛ نزدیک غروب آفتاب است؛ هیئت شاهزاده علی اصغر ذکر گرفته است. ای وای کشته شد حسین! هیئت به سوی بازار حرکت می‌کند و جوانان و نوجوانان هیئت منتظر تکان خوردن «نخل» هستند. دستها را به سوی آسمان بلند کرده با یک «یا حسین» نخل تکان می‌خورد و صداها جوان و نوجوان پابرنه جلوی نخل بر سر و سینه می‌زنند و «نخل کلهر» هم وارد بازار می‌شود. (۱)

پس از حرکت هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام کاروان تعزیه که از منطقهٔ لحر کاشان حرکت کرده است به میدان کمال‌الملک می‌رسد صدای طبل و دهل و جرس کاروان به گوش می‌رسد و بعد از دقایقی تعزیه آغاز می‌شود.

اذان مغرب، آغاز شام غریبان بچه‌های امام حسین علیه السلام است. خیمه‌های سوخته، بدنهای پاره پاره، ترس و لرز از نامردان، تاریکی و وحشت و اضطراب، خارهای مگیلان و غارتگران خیمه‌ها، شام عاشورا سحر ندارد!

در این هنگام هیئت قاسم‌بن‌الحسن مثل روز تاسوعا به بازار می‌رود و بعد از آن هیئت‌های حیدری درب باغ و درب فین (زیارت چهل تن) همراه نخلهای عزا وارد بازار می‌شوند.

پرشورترین شام غریبان کاشان را هیئت ابوالفضل میدان امیر دارد؛ بعد از نماز مغرب

و عشا هیئت از مرکز خود - مسجد میدان امیر - همراه نخل (چند سالی است که نخل ساخته‌اند) حرکت می‌کنند و با عزاداری و سینه‌زنی از خیابان امیریه به مرکز خود می‌رسند؛ در این هنگام خیمه‌های برافراشته را آتش می‌زنند و در پای نخل، حسین - حسین و ابوالفضل - ابوالفضل گویان بر سر و سینه می‌زنند.

نکته:

- در روز عاشورا کشاورزان منطقه کاشان به یاد تشنگی اباعبدالحسین علیه السلام و کودکان قافله کربلا چاههای آب را خاموش کرده زمینهای کشاورزی و باغها را آبیاری نمی‌کنند.
- در روز عاشورا دامداران صنعتی و سنتی شیر دامهای خود را به فروش نمی‌رسانند بلکه به عزاداران و سینه زنان حسینی می‌دهند؛ بویژه نذر می‌کنند به هیئتهایی این شیر را بدهند که به نام حضرت باب الحوائج علی اصغر علیه السلام باشند.
- در روز عاشورا کسانی که گاو و گوسفند دارند شیر آن را مایع نمی‌زنند (ماست و پنیر درست نمی‌کنند) عقیده بر آن است که شیر، بریده می‌شود و خوش یمن نیست.
- در روز عاشورا مردان و زنان بسیار نذر دارند که پابرهنه راه بروند.
- بسیاری از علاقمندان اهل بیت در این روز به یاد تشنگی اباعبدالله الحسین و کودکان حرم آقا آب نمی‌نوشند.
- بسیاری از جوانان برای اعلام عزاداربودن بر پیشانی و یا کتف خود گل می‌مالند.
- هنگام ورود دسته‌ها و هیئتها به بازار و کاروانسرای تاریخی امین‌الدوله کاه بر سرشان می‌ریزند.

عَلَم

«عَلَم» به معنای نشان، پرچم، درفش، رایت، بیرق و لَوَاسْت.

با آغاز ماه عزای امام حسین علیه السلام در هر شهر و روستایی و در هر کوچه و خیابانی علمهای سرخ، سیاه و سبز حسینی نصب شده است و حال و هوای خاصی به دل‌های عاشورایی می‌بخشد. نویسنده شهید دکتر پاک نژاد در «کتاب اولین دانشگاه و آخرین

پیامبر» می‌نویسد: «... با نیم متر چوب و نیم متر پارچهٔ سیاه، می‌توان موجی از احساسات بی‌دریغ دربارهٔ بزرگسالار شهیدان مشاهده کرد که در هیچ جا نمونه‌ای از آن دیده نمی‌شود؛ در حالی که برای تشکیل اجتماع حتا کوچکی باید متحمل زحمات زیادی گردید.»^(۱)

پرچمها و بیرقها سه رنگ دارند: پرچمهای سیاه که نشان عزا، ماتم، غم، اندوه و اظهار سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. پرچمهای قرمز رنگ که نشان از خون، شهادت، ایثار و فداکاری شهدای کربلاست و پرچمهای سبز رنگ که نشان از انتساب شهدای کربلا به رسول خدا حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است.^(۲)

بعضی اوقات بالای سر علم بر خلاف رنگ اصلی پرچم، پارچه‌ای باریک و شال مانند گره می‌زنند؛ اگر پرچم سیاه باشد بالای سر علم پارچهٔ باریک با رنگ قرمز یا سبز گره می‌زنند و یا پرچمهای سبز و قرمز را به پارچه‌ای باریک و سیاه رنگ گره می‌زنند.

علم دو چوبه

در جلوی دسته‌جات حسینی علاوه بر پرچم و علمهای سیاه، سرخ، سبز و علمات و کتل، پرچم دوچوبه‌ای را که نام و مرکز هیئت بر آن نوشته شده است پیشاپیش دسته حرکت می‌دهند تا رهگذران و تماشاگران عزاداری متوجه شوند این هیئت از کدام محله است. پارچهٔ این علم بیشتر از نوع مخمل سیاه است که با خطی زیبا نام هیئت در وسط پرچم و اشعاری در موضوع امام حسین، سلام بر شهیدان کربلا و یا اسم شهدای کربلا بر آن نوشته شده است که به وسیلهٔ دو چوب بزرگ، جلوی دسته و هیئت حمل می‌شود.

۱- ازلین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۴۰

۲- بعضی هیئتها پرچم سفید هم همراه خویش دارند و یا در مرکز عزاداری خود نصب می‌کنند که نشان از پاکی صداقت و اخلاص شهیدان است.

علامات

دسته‌ها و هیئت‌های عزادار برای پرشور بودن مراسم عزاداری و سینه‌زنی وسایل و ابزارهای مختلفی را در جلوی دسته و یا در آخر آن حرکت می‌دهند و این امری معقول است چرا که هر سپاه و لشکری باید هیاهو و تبلیغات و سروصدا داشته باشد و هیئت‌ها که به عنوان سپاه و لشکر ابا عبدالله‌الحسین علیه السلام هستند با پرچم، بیرق، کتل، توغ، نخل، طبل، دهل، شیپور و موزیک و ... حرکت می‌کنند. یکی از وسایلی که در یک قرن اخیر وارد دسته‌جات عزاداری شده مخالفان و موافقانی پیدا کرده است علامات یا علامت می‌باشد.

در «فرهنگ معین» آمده است:

«صلیب مانندی که بر چوب یا آهن افقی آن از سوی پائین شالهای ترمه آویزند و از سوی بالا لاله‌ها و تندیسهایی از مرغ و جز آن نصب کنند، و در میانه زبانه‌ای از فلز طویل دارد و بر نوک آن فلز، پر یا گلوله‌ای از شیشهٔ الوان نصب کنند و تعداد این زبانه‌ها (که تیغ نام دارد) ۳ تا ۵ است. در مراسم عزاداری محرم علامت را پیشاپیش دسته‌ها به حرکت آورند و حامل آن را علامت کش نامند.»

«شیئی ست فلزی و کار صنعتگران اصفهان که قدمت آن به عهد سلاطین صفوی می‌رسد، دارای تعدادی زبانه، گنبد، گلدان و طاووس بوده آن را با شالهای سبز، سیاه، قهوه‌ای، پر طاووس و سگه‌های نقره، شمشیر، قمه و خنجر زینت می‌کنند و در آخر دسته‌ها به حرکت در می‌آورند ... عده‌ای از جوانان هم نذر می‌کنند که همه ساله در بردن علامات، سهم داشته باشند.»^(۱)

«این علماتی که امروزه برداشتن آن بین دسته‌جات مرسوم گردیده حدود نیم قرن است همه جا رایج شده و بعضی از آنها تا حدود پنج متر عرض و چهار متر طول دارد آیا در قرون گذشته هم بین دسته‌جات عزا وجود داشته یا نه؟ تا به حال مدرکی برای آن به دست نیآورده‌ام و نمی‌دانم چنین علمی با این شکل که به صلیب شباهت دارد و بر آن

زنگوله و منگوله و مجسمه‌های حیوانات و غیرذলک نصب شده، قبلاً کجا و بین کدام دسته عزایی وجود داشته است؟!

ضمناً صاحبان علم و ادراک را اعتقاد بر این است که کنار گذاشتن علامات و به جای آن برداشتن پرچمهای سیاه، قرمز و سبز حسینی کاری بهتر، معقولتر و مناسبتر می‌باشد»^(۱)

«شبهات آن با صلیب، می‌رساند که پس از ارتباط ایران با اروپاییها در عصر قاجار، از آیینهای مذهبی مسیحیت اقتباس شده است. به هر حال، از نمودها و مظاهریست که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامهٔ شعائر دینی باز می‌دارد.»^(۲)

مخالفان علامات تاکنون هیچ دلیل منطقی بر رد آن نیاورده‌اند و تنها حرف مشترک همگان آن است که از آیین مسیحیت گرفته شده است.

علامات چگونه است

علامات از قطعات گوناگون تشکیل شده است که تمام قسمتها بر روی لوله‌ای آهنی نصب می‌شود و این لوله آهنی از وسط به یک پایه یک متری وصل است و هنگام حرکت پایه را در بند تسمهٔ چرمی که فرد علامات کش آن را به کمر و شانه خود بسته است گذاشته حرکت می‌کنند و هنگام سکون آن را داخل چهار پایه‌ای فلزی قرار می‌دهند که به این عمل «کرسی کردن» علامات گویند.

علامات از تیغه‌هایی تشکیل شده است که بر روی آن صلوات کبیره، آیات قرآن کریم، زیارت عاشورا، اسماء مبارک شهدای کربلا همچنین اشعار عاشورایی با هنر قلمزنی کنده کاری شده است. تیغهٔ وسط علامات از دیگر تیغه‌ها بلندتر بوده انعطاف بیشتری دارد و دیگر تیغه‌ها از دو طرف به تناسب کوتاهتر می‌شود و میان هر تیغه تندیسهای کبوتر، طاووس، مرغهای آسمانی، شیر، گلدان، لاله، گنبد و بارگاه نصب می‌شود.

در قسمت پایین لولهٔ علامات پارچه‌های تیرمه، شالهای مخمل سبز، سیاه و

پارچه‌های قیمتی آویزان می‌کنند.

سلام علمات

فرد «علمات‌کش» هنگام حرکت، علمات را روبروی هیئت قرار داده تیغه‌های علمات را سه مرتبه خم می‌کند که به این کار «سلام علمات» گویند؛ دلیل اینکه بدین نام نامیده شده آن است که مثل سر به پایین خم می‌شود که سمبل سلام و جواب مثبت و آری گفتن است؛ سلام علمات آمادگی و شروع حرکت هیئت را اعلام می‌دارد و بعد از سلام، شخص «علمات‌کش» چند مرتبه «علمات» را می‌چرخاند سپس با صلوات، دسته حرکت می‌کنند.

همچنین در مسیر حرکت اگر زیارتگاه و مرکز معنوی مهمی همچون حسینیه قرار داشته باشد به همین گونه سلام می‌کنند. مهمترین مراکزی که علمات‌ها را سلام می‌دهند و سپس می‌چرخانند ابتدای دو طرف بازار (پانخل و دروازه دولت) است. در شهر کاشان علمات‌های زیادی وجود دارد و گاهی اوقات یک هیئت چندین علمات دارد؛ قدیمی‌ترین علمات دارای سه تیغ است که از هیئت حسینی تجار کاشان بوده که حالا تعلق به هیئت حسینی بازار دارد. و زیباترین علمات را هم که پنج تیغه داشته با آب طلا قلمکاری شده است تعلق دارد به هیئت شاهزاده علی اصغر کاشان - مسجد صادقیه - که در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد؛ هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام این علمات را به خاطر زیبایی و قدمتی که دارد به بازار نمی‌آورد.

علمدار

در روز عاشورا حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای سپاه خود سه علمدار و پرچمدار انتخاب نمود. جناح راست سپاه را به زهیربن قین و جناح چپ سپاه را به حبیب‌بن مظاهر سپرده حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را به عنوان پرچمدار و علمدار مرکز سپاه خویش برگزیدند؛ بسیاری از مردم و جوانان به پاس فداکاری قمربنی‌هاشم علیهم السلام و ارادت و عشق به آن

حضرت پرچم و علم حسینی را بر دوش می‌گیرند و در جلوی دسته جات حسینی حرکت می‌کنند؛ این افراد که با وضو و پابره‌نه هستند با چشمی اشکبار و دلی اندوهگین علم را حمل می‌کنند و به عنوان علمدار هیئت و دسته‌اند. بعضی از افراد هر ساله با اینکه سنی از آنها برآمده است به خاطر نذر و نیازی که دارند علم و پرچم عزای حسین بن علی علیه السلام را بر دوش می‌گیرند و در جلو یا عقب هیئت حمل می‌کنند.

قمه‌زنی

«قمه» نام سلاحی است شبیه شمشیر اما کوتاه‌تر و پهن‌تر بدون انحنا و کجی و به کسی که با این سلاح در روز عاشورا سر خویش یا دیگران را مجروح می‌سازد «قمه‌زن» و به این عمل «قمه‌زنی» گویند.

کسانی که می‌خواهند صبح روز عاشورا «قمه» بزنند، در شب عاشورا قمهٔ خویش را تیز و تمیز کرده در جلسهٔ عزاداری به نام «مشق قمه» شرکت می‌کنند و در صبح روز عاشورا بعد از نماز صبح و خواندن زیارت عاشورا سر برهنه، پابره‌نه و کفن‌پوش قمه‌ها را در دست گرفته از پهنای سر می‌زنند و با نوحه‌خوانی و گفتن «حیدر، حیدر» آماد قمه‌زنی می‌شوند. استاد قمه‌زنی با زدن دو - سه ضربه سر افراد را مجروح ساخته و سپس آنها از پهنای قمه بر روی زخم زده و حسین - حسین می‌گویند؛ بعضی افراد که خود توان زدن قمه را دارند به دلخواه خویش با ضرباتی سر خویش را مجروح می‌سازند و آنقدر قمه می‌زنند تا از هوش بروند.

مشاهده و دیدن این چهره‌های خون آلود دل هر بیننده‌ای را منقلب و پریشان می‌سازد و بسا افرادی که از دیدن این چهره‌ها مضطرب شده از هوش می‌روند.

به هر حال ما کاری به حلال و حرام، مکروه و مستحب بودنش نداریم چرا که بزرگان، فرزندان، مجتهدان و آگاهان به مسائل سیاسی با قدرت، شجاعت و شهامت از قرون گذشته تا به حال فتوا داده‌اند و حرف و کلام آخر را زده‌اند؛ اما در اینجا به دو نکته مهم و اساسی اشاره داریم؛ دو نکته‌ای که در کاشان اتفاق افتاده است و اهمیت فراوانی دارد و

بسیاری از افراد به این دو نکته با حساسیت، دقت و ژرف نگری خاصی می‌نگرند.

نکته اول:

آلوده ساختن جلسه عزاداری با خرافاتی نظیر استفاده از زنجیرها و انگشترهای تیغی آن هم به عنوان عشق امام حسین و اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله جز به شکستن قداست عزاداری و وهن فرهنگ والای عاشورا منجر نخواهد شد. بعضی افراد در هر مناسبتی مانند ایام شهادت حضرت امیر و حضرت زهرا، وفات حضرت زینب و حضرت رقیه علیها السلام و در مناسبت‌های دیگری چون اربعین یا سالروز شهادت حضرت علی بن محمد باقر علیهما السلام قمه می‌زنند و بخصوص اخیراً با شدت بیشتری به وسیله برخی از جوانان همیشه سیاهپوش این جلسات ترویج و تبلیغ می‌شود.

نکته دوم:

مسأله مهم و حساس دیگر در این زمینه تبعات غیر بهداشتی و پیامدهای روانی قمه‌زنی در کاشان است؛ به اعتقاد کارشناسان بهداشتی و متخصصان امور پزشکی، قمه‌زنی ممکن است از یک سو باعث خونریزی، عفونتهای موضعی و قطع شدن برخی عروق و اعصاب فرد قمه زن شده از سوی دیگر به علت احتمال آلودگی قمه امکان بروز و شیوع بیماریهایی همچون مننژیت، هپاتیت، کزاز و حتی بیماریهای عفونی خطرناکی مانند ایدز و هاری وجود دارد و بعضی از متخصصان مغز و اعصاب نیز بر این عقیده‌اند که قمه‌زنی خطر ابتلا به عفونتهای پوست و استخوانی را نیز در بر دارد.

قمه‌زنی می‌تواند تعادل روانی برخی از افراد حساس جامعه را بر هم بزند. متخصصان روانپزشکی معتقدند قمه‌زنی در روحیه افراد حساس جامعه از جمله کودکانی که شاهد این عمل هستند اثر منفی بر جای می‌گذارد. آنان می‌گویند از آنجا که نمی‌توان کودکان را نسبت به این کار توجیه کرد ممکن است قمه‌زنی باورهای مذهبی آنان را سست نماید. برخی از بچه‌ها از دیدن این عمل دچار رعب و هراس شده حالت ناگواری به آنان دست می‌دهد. حال اگر کودکی و یا حتی بزرگسالی به این مسئله به عنوان یک پدیده مذهبی

نگاه کند، ممکن است قمه‌زنی در آینده باعث گریز او از مذهب شود و فلسفهٔ عزاداری و سوگواری برای او مبهم و نامفهوم گردد.

حال وظیفهٔ همگان است خاصه علمای شجاع و آگاه، اساتید دانشگاه، فرهیختگان جامعه، مسئولان سیاسی بویژه محاسن سفیدهای هیئتهای قدیمی و جوانان تحصیل کردهٔ این هیئتها که با این گونه مسائل خرافی با درایت و هوشیاری برخورد نمایند و عزاداری سنتی کاشان را از این ناهنجاریها پالایش و پیراسته نمایند.

کتل

در لغتنامهٔ علامه دهخدا در ذیل کلمه «کتل» آمده است:

- ۱- دسته‌ای از اسبان که در مراسم عزاداری با هیئت و آرایش مخصوص حرکت کنند.
- ۲- علمی که قسمت فوقانی آن را به پیراهن بی‌آستین ماندنی ببوشند و همراه بیرق در مراسم عزاداری حرکت دهند.

در «فرهنگ معین» نیز چنین آمده است:

- ۱- اسبی که زین کرده پیشاپیش شاهان و امرا برند. ۲- علم بزرگ که در دسته (مراسم عزاداری) حرکت دهند.

این کلمه در فارسی به معنای مرتفعترین قلّه کوه و نیز به معنای شترسواریست که پهلوی شتران دیگر حرکت کند معنای اخیر تقریباً همان معنای یدک می‌باشد. (۱)
همچنین نوعی علم که در عزاداریها در پیش دسته‌های عزاداری حمل می‌شود یا در تشییع جنازهٔ اشخاص معتبر و علما حمل می‌کردند. (۲)

در دسته‌های عزاداری کاشان انواع و اقسام کتلها وجود دارد و هر یک نیز سمبل و نمادی خاص از ویژگیهای حضرت قمر بنی‌هاشم عباس بن علی علیه السلام است که شرح آن در ذیل می‌آید:

- ۱- این نوع کتل را هیئتهایی که به نام مقدّس حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند در

پیشاپیش دسته حمل می‌کنند:

چوبی بلند که سه چهارم آن را با پارچه‌ای پیراهن مانند از نوع تیرمه می‌پوشانند و پنجه‌ای فولادی به رنگ طلا یا نقره بر سر آن می‌زنند که نشان از دست جدای حضرت ابوالفضل علیه السلام علمدار کربلاست و یا هلالی فولادی را که نماد ماه بنی‌هاشم است بر سر چوب می‌زنند؛ بلندی این کتل ۴ تا ۵ متر است و پارچه‌ای سیاه یا سبز زیر پنجه و هلال فولادی آن گره می‌زنند به عنوان سیادت، سوگواری و عزاداری در جلوی هیئت و دستهٔ عزادار حرکت می‌دهند.

۲- این نوع کتل را هیئتهای عزادار جلوی دسته به صورت جفت و به موازات هم حرکت می‌دهند. چوبی در حدود سه متر که دو حلقهٔ گرد مانند در بالا و وسط چوب نصب شده است و پارچهٔ پیراهن مانندی از نوع تیرمه یا مخمل که سه چهارم آن را پوشانده و نام هیئت و یا اسماء مبارک شهدای کربلا (نظیر یا حسین شهید، یا ابوالفضل، یا علی اکبر، یا علی اصغر و ...) را بر آن دوخته‌اند و پنجه یا هلالی فلزی و قبه مانند بر سر آنها نصب کرده در جلوی دسته حرکت می‌دهند.

کتلی - کتلی

بسیاری از خانواده‌ها فرزندان خردسال پسر خود را در روز عاشورا لباس سفید عربی پوشانده، دستمال عربی بر سر انداخته، نوار مانندی را که نام مقدس ابوالفضل علیه السلام و یا قمر بنی‌هاشم علیه السلام بر روی آن نوشته شده است به پیشانی کودک خود می‌بندند و بچه‌ها را از کودکی با مجلس عزای حسین علیه السلام انس می‌دهند.

در گذشته بچه‌های دو - سه ساله را سوار بر اسب آراسته‌ای می‌کردند و سر تا پای آنها را با طلا و جواهر می‌پوشانند و افراد مسلحی را محافظ بچه‌ها می‌کردند تا مبادا کسی به آنها آسیب برساند؛ به این عمل «کتلی» و به این بچه‌ها «کتلی» می‌گفتند.

روز عاشورا خاصه در هیئتهایی که بنام مقدس شش ماههٔ شهید کربلا حضرت علی اصغر علیه السلام است بچه‌های «کتلی» بسیارند که جلوهٔ خاصی به هیئت و عزاداری

می‌بخشند.

در هیئت حضرت علی اصغر علیه السلام کاشان - میدان کمال‌الملک - که تنها هیئت اصغری‌ست که نخل به همراه دارد در پای نخل و جلوی دسته جوانان عزادار پای نخل، تعداد بسیاری از این کودکان را می‌بینی که بر سر دست و روی دوش پدران خود هستند؛ (از کودک دو - سه ماهه تا بچه‌های چهار - پنج ساله) بسیاری از مردم دست و صورت این کودکان را می‌بوسند و به یاد عاشورای سال ۶۱ هجری که حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حضرت علی اصغر علیه السلام را بر سر دست گرفت، اشک اندوه می‌ریزند و به یاد آن شش ماههٔ شهید بر سر و صورت می‌زنند و این کودکان پاک و طاهر را می‌بوسند.

کتیبه

در لغتنامه دهخدا ذیل واژه «کتیبه» آمده است:

«آنچه با خط نسخ یا نستعلیق و یا به خط طغرا یا به خط کوفی بر دورهٔ دیوار مساجد و معابر و اماکن متبرکه یا سر در دروازهٔ امرا و بزرگان نویسد یا نقش کنند.»
در فرهنگ عاشورا به پارچه - نوشته‌هایی گویند که با اشعار محتشم کاشانی و یا دیگر شعرای معروف عاشورایی با خط نستعلیق نوشته شده باشد؛ این پارچه - نوشته‌ها به دو صورت است، گاهی به صورت عمودی‌ست که پهنای آن ۷۵ تا ۱۰۰ سانتی متر است و طول آن به دلخواه می‌باشد و گاهی به صورت افقی‌ست که عرض آن از ۵۰ سانتی متر تجاوز نمی‌کند و طول آن به خواست افراد بستگی دارد.

کتیبه‌ها را در سر در مجالس، ستونهای مجلس سوگواری، کنار پایه‌ها و برای تزئین بر روی پارچه‌های سیاه مجلس نصب می‌کنند. کتیبه‌های افقی را بیشتر دور تا دور مجلس روضه‌خوانی می‌آویزند.

دربارهٔ نصب کتیبهٔ اشعار محتشم کاشانی در مجالس عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام چنین نوشته‌اند که: «در سال ۹۹۴ هجری قمری در اوان سلطنت سلطان محمد صفوی پدر شاه عباس کبیر دوازده بند محتشم را به پرده‌های تعزیه نقش کردند.»^(۱)

دوازده بند محتشم کاشانی

بند اوّل

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟
 باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است؟
 این صبح تیره باز دمید از کجا، کزو کار جهان و خلق جهان جمله در هم است؟
 گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است
 گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است
 در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
 جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند گویا عزای اشرف اولاد آدم است

خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین

پروردهٔ کنار رسول خدا حسین

بند دوم

کشتی شکست خوردهٔ طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا
 گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
 نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک زان گل که شد شکفته به بستان کربلا
 از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
 بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
 زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا
 آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم کردند رو به خیمهٔ سلطان کربلا

آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد

کز خوفِ خصم در حرم افغان بلند شد

بند سوم

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی وین خرگه بلند ستون بی‌ستون شدی
 کاش آن زمان درآمدی از کوه تا به کوه سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی
 کاش آن زمان ز آه جهانسوز اهل بیت یک شعله برق، خرمن گردون دون شدی
 کاش آن زمان که این حرکت کرد آسمان سیماپ‌وار گوی زمین بی‌سکون شدی
 کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک جان جهانیان همه از تن برون شدی
 کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست عالم تمام، غرقهٔ دریای خون شدی
 آن انتقام‌گر نفتادی به روز حشر با این عمل معاملهٔ دهر چون شدی؟

آل نبی چو دست تظلم برآورند

ارکان عرش را به تلاطم درآورند

بند چهارم

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند اوّل صلا به سلسلهٔ انبیا زدند
 نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند
 پس آتشی ز اخگر الماش ریزه‌ها افروختند و در حسن‌مجتبی زدند
 وانگه سرادقی که ملک محرمش نبود کنندند از مدینه و در کربلا زدند
 وز تیشهٔ ستیزه در آن دشت، کوفیان بس نخلها زگلشن آل عبا زدند
 پس ضربتی کز آن جگر مصطفی درید بر حلق تشنهٔ خالف مرتضی زدند
 اهل حرم دریده‌گریبان، گشوده‌مو فریاد بر در حرم کبریا زدند

روح‌الأمین نهاده به زانو سر حجاب

تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب

بند پنجم

چون خون ز حلق تشنهٔ او بر زمین رسید
 نزدیک شد که خانهٔ ایمان شود خراب
 از بس شکستها که به ارکان دین رسید
 نخل بلند او، چو خسان بر زمین زدند
 طوفان به آسمان ز غبار زمین رسید
 باد آن غبار چون به مزار نبی رساند
 گگرد از مدینه بر فلک هفتمین رسید
 چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید
 یکباره جامه در خم گردون به نیل زد
 از انبیا به حضرت روح‌الآمین رسید
 پر شد فلک ز غلغله چون نوبت خروش
 کرد این خیال و هم غلط کار، کان غبار
 تا دامن جلال جهان آفرین رسید

هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال

او در دل است و هیچ دلی نیست بی‌ملال

بند ششم

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند
 ترسم کزین گناه، شفیعان روز حشر
 یکباره بر جریدهٔ رحمت قلم زنند
 دارند شرم کز گنه خلق دم زنند
 چون اهل بیت، دست در اهل ستم زنند
 دست عتاب حق به درآیند ز آستین
 آه از دمی که با کفن خونچکان ز خاک
 آل علی چو شعلهٔ آتش علم زنند
 فریاد از آن زمان که جوانان اهل بیت
 گلگون کفن به عرصهٔ محشر قدم زنند
 جمعی که زد به هم صفشان شور کربلا
 در حشر - صف زنان - صف محشر به هم زنند
 از صاحب حرم چه توقع کنند باز
 آن ناکسان که تیغ به صید حرم زنند

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل

شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل

بند هفتم

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید - سر برهنه - برآمد ز کوهسار
 موجی به جنبش آمد و برخاست کوه کوه ابری به بارش آمد و بگریست زاز زار
 گفتی تمام، زلزله شد خاکِ مطمئن گفتی فتاد از حرکت چرخ بی‌قرار
 عرش آن چنان به لرزه درآمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
 آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود شد سرنگون ز باد مخالف حباب‌وار
 جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل گشتند بی‌عماری و محمل، شترسوار
 با آنکه سر زد آن عمل از امت نبی روح‌الأمین ز روی نبی گشت شرمسار

وانگه ز کوفه خیل الم رو به شام کرد

نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرد

بند هشتم

بر حربگاه، چون ره آن کاروان فتاد شور نشور، واهمه را در گمان فتاد
 هم بانگ نوحه غلغله در شش جهت فکند هم گریه بر ملائک هفت آسمان فتاد
 هر جا که بود آهویی از دشت، پاکشید هر جا که بود طائری از آشیان فتاد
 شد وحشتی که شور قیامت زیاد رفت چون چشم اهل بیت بر آن کشتگان فتاد
 هر چند بر تن شهدا چشم کار کرد بر زخمهای کاری تیر و سنان فتاد
 ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد
 بی‌اختیار نعره «هذا حسین» از او سر زد چنان که آتش از او در جهان فتاد

پس با زبان پُر گِله آن بضعة البتول

رو بر مدینه کرد که یا ایها الرسول!

بند نهم

این کشتهٔ فتاده به هامون حسین توست
 این نخل ترکز آتش جانسوز تشنگی
 این ماهی فتاده به دریای خون که هست
 این غرقهٔ محیط شهادت که روی دشت
 این خشک لب، فتادهٔ دور از لب فرات
 این شاه‌کم سپاه که با خیل اشک و آه
 این قالب تپان که چسبن مانده بر زمین
 این شاه شهیدِ ناشده مدفون حسین توست

چون - روی در بقیع - به زهرا خطاب کرد

وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد

بند دهم

کای مونس شکسته دلان حال ما ببین
 اولاد خویش را که شفیعان محشرند
 ما را غریب و بی‌کس و بی‌آشنا ببین
 در ورطهٔ عقوبت اهل جفا ببین
 واندز جهان مصیبت ما بر ملا ببین
 طغیان سیل فتنه و موج بلا ببین
 سرهای سروران همه بر نیزه‌ها ببین
 یک نیزه‌اش ز دوش مخالف جدا ببین
 آن تن که بود پرورشش در کنار تو
 غلتان به خاک معركة کربلا ببین

یا بضعة الرسول ز ابن زیاد داد

کاو خاک اهل بیت رسالت به باد داد

بند یازدهم

ای چرخ! غافلی که چه بیداد کرده‌ای
وز کین چه‌ها در این ستم‌آباد کرده‌ای
در طعنت این بس است که بر عترت رسول
بیداد کرده خصم و تو امداد کرده‌ای
ای زاده زیاده، نکرده‌ست هیچ گاه
نمرود این عمل که تو شداد کرده‌ای
کام یزید داده‌ای از کشتن حسین
بنگر که را به قتل که دلشاد کرده‌ای
بهر خسی که بار درخت شقاوت است
در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده‌ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده‌ای
حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن
آزده‌اش به خنجر فولاد کرده‌ای
ترسم تو را دمی که به محشر درآورند
از آتش تو دود به محشر برآورند

بند دوازدهم

خاموش «محتشم» که دل سنگ آب شد
بنیاد صبر و خانه طاق خراب شد
خاموش «محتشم» که ازین حرف سوزناک
مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد
خاموش «محتشم» که ازین شعر خونچکان
در دیده اشک مستمعان خون ناب شد
خاموش «محتشم» که ازین نظم گریه خیز
روی زمین به اشک جگرگون خضاب شد
خاموش «محتشم» که فلک بس که خون‌گریست
دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد
خاموش «محتشم» که ز سوز تو آفتاب
از آه سرد ماتمیان ماهتاب شد
خاموش «محتشم» که ز ذکر غم حسین
جبریل را ز روی پیمبر حجاب شد
تا چرخ سفته بود خطایی چنین نکرد
بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد

کمکی رفتن

رسم است میان هیئتهای مذهبی و دسته جات سینه‌زنی، برای اجرای هر چه باشکوه‌تر مراسم سوگواری، عزاداری و سینه‌زنی، هیئتی یا دسته‌ای از یک محله به کمک و یاری هیئت و دستهٔ محله دیگر می‌رود. به این عمل که یادآور روح تعاون و همکاری است و با توافق رؤسا و بزرگان هیئتها و دسته جات انجام می‌شود «کمکی رفتن» و به هیئت یاری دهنده «کمکی» گویند.

نکته:

□ در این زمان بیشتر هیئتهای پشت مشهد کاشان که در چند دههٔ اخیر تأسیس شده یا به خاطر پاره‌ای اختلافات به دو یا چند دسته و هیئت دیگر تقسیم شده‌اند و به همین جهت از اعضای کمتری برخوردارند به یاری و کمک یکدیگر می‌روند.

□ گاهی اوقات چند هیئت به کمک یک هیئت می‌روند.

□ کمکی رفتن هیئتها بیشتر در روز بازار آنهاست و در روزها و شبهای دیگری که روضه‌خوانی دارند این عمل اتفاق نمی‌افتد و اگر هم لازم باشد در شب سینه‌زنی هیئت است.

□ اعضای هیئت کمک دهنده هنگام ورود با استقبال اعضای هیئت دیگر روبرو شده از آنها با چای، شربت، گلاب، صلوات و گرداندن مجمر اسپند پذیرایی به عمل می‌آید.

گهواره

سمبل و نشانهٔ حضور شش ماههٔ شهید در کربلاست و یادآور مظلومیت اباعبدالله‌الحسین است. در بسیاری از مجالس عزاداری همچنین در هنگام حرکت دسته‌های عزادار، هیئتهایی که بنام حضرت باب‌الحوائح علی‌اصغر علیه السلام هستند در عزاداری سنتی گهواره‌ای تزئین شده به گل و قنداقهٔ خونین در جلو یا میان دسته حرکت می‌دهند و این گهواره خالی را کودکان حمل می‌کنند.

مردم عاشق اهل بیت که اعتقاد زیادی به گره‌گشایی از درد، رنج، غم و مشکل خود

توسط این شیرخواره شهید کربلا دارند متوسل به حضرت علی اصغر علیه السلام می‌شوند و نذر و نیاز می‌کنند تا حاجات شرعیۀ آنها برآورده شود.

اصغر که در صف شهدا ماهپاره است خوش به حشر به هر درد چاره است
محکم بگیر رشتهٔ قنداقه‌اش به کف باب‌الحوائج است اگر شیرخواره است

هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - مسجد صادقیه - در روز یازدهم محترم که سومین روز بازارشان می‌باشد برنامه‌ای خاص دارند. هنگام عزاداری در بازار گذرنو کودکان هیئت که لباس و چفیهٔ عربی بر سر دارند گهوارهٔ خالی علی اصغر را از میان عزاداران عبور می‌دهند؛ کودکانی که دور تا دور گهواره را گرفته‌اند چون پروانه‌ای به گرد شمع، به دور گهواره می‌چرخند و زمزمه و ناله می‌کنند:

نوحه‌گر	کودکان
اصغر بیا اصغر بیا	اصغر بیا اصغر بیا
ای کودک صغیر من	اصغر بیا اصغر بیا
طفل نخورده شیر من	اصغر بیا اصغر بیا
آواره از مدینه‌ام	اصغر بیا اصغر بیا
همبازی سکینه‌ام	اصغر بیا اصغر بیا
خون گلو شد قوت تو	اصغر بیا اصغر بیا
گهواره شد تابوت تو	اصغر بیا اصغر بیا

و اشعار فوق را با نوایی سوزناک و غمناک می‌خوانند. ملائک آسمان هم طاققت شنیدن این سوز و گداز و آه و ناله را ندارند، و در این لحظه گویا بازار کاشان به لرزه درآمده است، فریاد و نالهٔ مردان و جوانان و نوجوانان به آسمان بلند است؛ دیده‌ای نیست که اشک نریزد، صدای گریه‌ای نیست که در گلو نشکند، دیگر احتیاجی به روضه خوان و مرثیه خوان نیست؛ گهوارهٔ خالی و نوای جانسوز کودکان کافی است؛ مدّاح هم دیگر توان

خواندن ندارد و دست سینه زن ناتوان گشته است، فقط اشک و آه و ناله است؛ خدایا این گهواره خالی کیست؟ خدایا این طفلان به دنبال چه گمشده‌ای هستید؟ خدا! خدا! خدا!...

نان عباسعلی

همان نان «شیر مال» است که چون نذر حضرت عباس علیه السلام می‌باشد به نان «عباسعلی» معروف شده است. افراد بسیاری برای گره‌گشایی از مشکلشان نذر می‌کنند که نان «عباسعلی» بدهند و این نذر را در شب تاسوعا و روز تاسوعا ادا می‌کنند؛ همچنین در روز عاشورا بین عزاداران و نخل‌کشاها و عزاداران پای جریده و توغ نیز این نان را توزیع می‌کنند. همچنین در گویش مردم کاشان به روز تاسوعا روز عباسعلی یعنی روز عباس بن علی علیه السلام نیز گفته می‌شود.

نخل

«نخل» تابوت واره، اتاقکی چوبی و سنگین است که سمبل و نشانه تشییع جنازه حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا است.

نخل، با عظمت‌ترین شعار روز عاشورا است. نخل را چون برای عزاداری در محرم می‌بندند و می‌آرایند «نخل محرم» و چون در روز عاشورا بلند می‌کنند و می‌گردانند «نخل عاشورا» نیز گفته‌اند. (۱)

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «نخل» آمده است:

«حجله مانندی‌ست که از چوب می‌سازند و با انواع شالهای ابریشمین رنگارنگ و پارچه‌های قیمتی و آیینه و چراغ و غیره آرایش می‌دهند و به گل و سبزه می‌آرایند و در

۱- در نیم قرن گذشته تنها برای یک نفر «نخل محرم» را به غیر از روز عاشورای حسینی بلند کردند و آن هم در روز اربعین هنگام تشییع جنازه آسید باقر پدیدار بزرگ هیئت و از مؤسسين هیئت حسینی نخل سرپره بود که به احترام این پیر غلام ابا عبدالله که عمری را با فداکاری و عشق و ایثار و اخلاص تمام در خدمتگزاری در آستان مقدس سیدالشهدا (ع) گذرانده بود با جمعیت بسیار کنیری که تاکنون در کاشان سابقه نداشته است «نخل سرپره» را جلو «مُحَفَّه» (تابوت کوچکتر از نخل) بلند کردند.

روز عاشورا آن را به محلی که مراسم روضه‌خوانی و تعزیه برپاست می‌برند. «تابوت بزرگ و بلندی که بر آن خنجر و شمشیر و پارچه‌های قیمتی و آیینه‌ها بسته است و در روز عاشورا به عنوان تابوت امام حسین علیه السلام حرکت داده می‌شود چون شبیه به درخت خرما ساخته می‌شود نخل گفته شده است.»^(۱)

«تابوت بزرگ و بلندی که با پارچه‌های قیمتی تزئین کنند و بر آن آیینه‌ها و خنجرها و شمشیرها نصب نمایند و روز عاشورا به عنوان تابوت حسین بن علی علیه السلام در دسته حرکت دهند و گاهی نیز برای مرده‌ای جوان آن را حمل و یا در تکیه نصب کنند.»^(۲)

«نخل، مانند تابوت بزرگی ست مسقف که جلو و عقب آن جبههٔ هلالی دارد. جبههٔ جلو بزرگتر و عقب کوچکتر است. در جلو، آیینه و شمایل امام می‌بندند و در بالای آن پنجهٔ فلزی می‌زنند. تمامی بام نخل با پارچهٔ سیاه پوشیده است.»^(۳)

با کاربرد نخل در مراسم عزاداری و سوگواری حضرت امام حسین علیه السلام ترکیبات نخل تابوت، نخل شهیدان، نخل عزا، نخل ماتم، نخل محرم و نخل عاشورا در فرهنگ عاشورایی مردم ایران متداول شد. بستن و آراستن و تزئین نخل، بلند کردن و گرداندن و تکاندن نخل با آیینه‌ها و مراسم ویژه‌ای همراه شده است و تاکنون این آداب و رسوم پابرجا می‌باشد.

نخل بستن

نخل را در دههٔ اول محرم می‌بندند و لباس سیاه را بدان می‌پوشانند و دو - سه روز مانده به تاسوعا و عاشورا، نخل را به سپر، شمشیر، خنجر و شمایل زینت می‌دهند. نخل کلهر کاشان را در روز دوم ماه محرم با فریادهای یا حسین لباس سیاه (که از پارچه‌های مرغوب است) می‌پوشانند و علت اینکه در دوم ماه محرم چنین کاری را انجام می‌دهند آن است که قافله اهل بیت علیهم السلام در روز دوم ماه محرم سال ۶۱ وارد زمین پر بلای کربلا

می‌شود و بدین سبب جامهٔ سیاه و لباس عزا بر تن نخل می‌کنند. نخل جامه کردن از کارهای موروثی‌ست و کسانی که نذر دارند کمک و مددکار بابای نخل در پوشاندن لباس سیاه نخل می‌شوند. قبل از آنکه لباس سیاه نخل را بپوشانند ابتدا نخل را با آب تطهیر داده با گلاب ناب معطر می‌نمایند؛ سپس با صلوات و سلام بر حسین علیه السلام جامهٔ سیاه را که یک پارچهٔ سرتاسری است و به «چادری» معروف است و نشانهٔ عزاداری و سوگواری‌ست بر نخل می‌پوشانند؛ سپس پارچهٔ قرمز رنگی را که نشان از شهادت است دور تا دور جبهه‌های جلو و عقب نخل می‌بندند و پارچهٔ سبز رنگی را که نشان سیادت و نماد سادات بنی‌فاطمه است به صورت عمامه بالای جبههٔ جلوی نخل می‌بندند؛ تحت‌الحنک آن را نیز آویخته می‌کنند و دو - سه روز مانده به تاسوعا و عاشورای حسینی نخل را با وسایل جنگی قدیم و شمایل آرایش داده پارهٔ سفید پیراهن مانندی را که به رنگ خون آغشته است در جبههٔ عقب نخل می‌آویزند به عنوان و سمبل شهادت.

نخل تکاندن

از مراسم و آداب مرسوم نخل برداری «نخل تکاندن» است. این مراسم برای اعلام آمادگی و مهیّا شدن قبل از مراسم اصلی (که نخل گرداندن و بلند کردن نخل است) انجام می‌گیرد و به عنوان «گردگیری نخل» نیز نامیده می‌شود.

هیئت حسینی سرپره مراسم نخل تکانی خود را در شب تاسوعا انجام می‌دهند و هنگام عزاداری و سینه‌زنی نخل را بلند کرده در تکیه می‌چرخانند و با فریادهای واحسین و حسین - حسین نخل را چندین مرتبه تکان می‌دهند سپس در پای آن به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند؛ علت اینکه در این شب مراسم نخل تکانی دارند آن است که در شب عاشورا هیئت حسینی نخل سرپره دورهٔ سنتی دارد.

هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - مسجد صادقیه - نیز در شب چهارم مراسم نخل تکانی دارند بعد از برگزاری مراسم عزاداری و سینه‌زنی، جوانان هیئت با فریادهای یا حسین

نخل کلهر را از محلّ ثابت خود حرکت داده بعد از تکان دادن در جلوی مسجد، کرسی می‌کنند تا شب پایان مراسم. علت اینکه در شب چهارم این مراسم اجرا می‌شود بدان دلیل است که هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام در روز چهارم محرم در بازار کاشان عزاداری دارد و شب چهارم نیز به عنوان شب این هیئت معروف است.

بعضی اصطلاحات

- نخل کش: به کسانی گویند که نخل را حمل می‌کنند.
- نخل آرایی: تزئین نخل به سپر، شمشیر، خنجر و شمایل.
- کرسی کردن: گذاشتن نخل روی چهارپایه‌های مخصوص را «کرسی کردن» گویند.
- نخل تکاندن: به هوا انداختن نخل در هنگام عزاداری و سینه‌زنی را گویند.

نخل در بازار کاشان

- از ویژگیها و جلوه‌های خاص در عزاداری سنتی کاشان آوردن نخل به بازار است که یک ابتهت و عظمت و شکوه خاصی به عزاداری و سینه‌زنی می‌بخشد. از قدیم‌الایام تاکنون پنج نخل به وسیلهٔ پنج هیئت به بازار آورده می‌شود:
- ۱- نخل سرپره به وسیلهٔ هیئت حسینی کوی صدره و سرپره؛
 - ۲- نخل کلهر به وسیلهٔ هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام - مسجد صادقیه - کوی کلهر؛
 - ۳- نخل قاضی اسد به وسیلهٔ هیئت حیدری درب فین زیارت چهل تن؛
 - ۴- نخل درب باغ به وسیلهٔ هیئت حیدری درب باغ (قبرستان)
 - ۵- نخل تکیهٔ بابا شرف (پانخل) به وسیلهٔ هیئت ابوالفضل مسجد جامع. ^(۱)
- اوج و شکوه عزاداری هیئت‌ها و دسته‌های سینه زن و زنجیرزن در روزهای تاسوعا و

۱- بر خلاف قاعده و رسم گذشته چند سالی است که نخل حسینیهٔ باباشرف را که به وسیلهٔ هیئت ابوالفضل برداشته می‌شود در روز تاسوعا به بازار می‌آورند که این کار با مقتل و عزاداری چندان جور در نمی‌آید؛ اگر بخواهیم ساده‌تر بیان کنیم نخل سمبل تشییع جنازه است و روز عاشورا است که امام حسین (ع) به شهادت رسیده است نه روز تاسوعا و کسی را قبل از مردن و یا به شهادت رسیدن تشییع نمی‌کنند!

عاشورای حسینی در ورودی بازار دروازهٔ دولت، پانخل و کاروانسرای امین‌الدوله است. پانخل و کاروانسرای تاریخی امین‌الدوله مکان نمایش و قدرت و عظمت هیئت‌هاست^(۱) و در این سه مکان هر هیئتی می‌خواهد باشکوه‌ترین برنامهٔ عزاداری خود را برگزار کند. از این روی هیئت‌هایی که در روز عاشورا نخل به همراه دارند در این دو مرکز، ویژه برنامه‌هایی دارند.

این هیئت‌ها در این روز دو گروه کاملاً مشخص دارند. دستهٔ اوّل محاسن سفیدها و کسانی که سنتی از آنها برآمده است با ذکر سنتی، سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند و دستهٔ دوم جوانان پرشور و عاشق ابا عبدالله‌الحسین علیه السلام هیئت هستند که با ذکرهای خاص و فریادهای از جان برآمده در پای نخل بر سر و سینه می‌زنند.

۱- مرکز پانخل

هنگام عبور دستهٔ اوّل، عزاداران هیئت (هیئت‌هایی که نخل به همراه دارند) از پله‌های پانخل به طرف بازار گذرنو با شور و هیجان وصف ناپذیری به پایین می‌آیند و همچنان که بر سر و سینه می‌زنند منتظر ورود نخل هستند. با مشاهدهٔ نخل و ورود آن به سطح خیابان (حدّ فاصل دو بازار) هزاران دست بر سر و سینه می‌خورد و اشکها از دیدگان جاری می‌گردد و نخل کَشها با تکان دادن نخل و به هوا انداختن آن غلغله و ولوله‌ای به راه می‌اندازند که فریادهای یا حسین گوش فلک را کر می‌کند. سپس نخل با طمأنینه و وقار خاصی وارد بازار گذرنو می‌شود.

۲- کاروانسرای امین‌الدوله

پایان مراسم عزاداری هیئت‌ها در این مکان است و روزهای تاسوعا و عاشورا از صبح تا ساعتها بعد از نماز مغرب و عشا (ساعت ۱۲) این مرکز شاهد عشق بازی دوستداران و علاقمندان اهل بیت علیهم السلام است. روز عاشورا اوج این عشق بازی است؛ هنگامی که نخل‌های

۱- لازم به توضیح است که هرگز از ورودی موسوم به دروازهٔ دولت نخلی وارد بازار نمی‌شود.

حسینی وارد کاروانسرا می‌شوند شانه‌ای نیست که به لرزه نیفتد و چشمی نیست که از شب‌نم اشک، تر نشود. نخل سیاهپوش سخن می‌گوید، گویا خورشید غروب کرده است و هنگام وداع است.

هزاران جوانان ژولیده و دل‌داده قبل از ورود نخل در حالی که غم و اندوه از چهره‌شان مشخص است همچنان که بر سر و سینه می‌زنند چشم انتظار ورود نخل هستند. نخل وارد می‌شود در حالی که فریادهای یا حسین بلند است و صوت قرآن فضا را معطر کرده است؛ نخل ماتم به هوا انداخته می‌شود و دستها بر سینه می‌خورد. بعد از آوای دلنشین قرآن که با اشک و آه توأم است با نوحه‌سرایی مدّاح، آخرین سینه‌زنی در بازار انجام می‌گیرد.

نکته:

□ جوانان و کسانی که در جلوی نخل (دستهٔ دوم) بر سر و سینه می‌زنند پابرنه هستند و روحانیت و علما نیز عمامهٔ خود را برداشته پابرنه و سر برهنه در دستهٔ سینه زنان حرکت می‌کنند.

□ هنگام ورود نخل در دو مرکز، پله‌های پانخل و کاروانسرای امین‌الدوله بر سر و روی عزاداران و سینه زنان گاه می‌پاشند.

□ در روز عاشورا، نخلهایی که وارد بازار می‌شوند هنگام ورود به کاروانسرا از درب اصلی (بازار بزازها) وارد می‌شوند به غیر از نخل کلهر از هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام که از درب دیگر (بازارچه میانچال) وارد می‌شود؛ علت ورود از این درب را چنان بیان می‌کنند که حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هنگامی که حضرت باب‌الحوائح علی اصغر علیه السلام بر روی دستان مبارکشان به شهادت رسیدند امام برای دفن آن بدن مبارک به پشت خیمه‌ها رفتند؛ از این رو به احترام و ادب و به رسم پیروی از امام شهیدان نخل را از درب پشت وارد کاروانسرا می‌کنند و این عمل خود حکایت از آن دارد که چقدر عزاداریها با حادثهٔ روز عاشورا منطبق و هماهنگ است.

□ در روز عاشورا نخلهایی که وارد کاروانسرای امین‌الدوله می‌شوند هنگام ورود در جلوی

درب اصلی بعد از تکان دادن و به هوا انداختن، کرسی می‌کنند لیکن نخل کلهر که از درب دیگر وارد می‌شود هنگام ورود دو دور در کاروانسرا چرخانده می‌شود و عزاداران و سینه زنان نیز به دنبال آن می‌چرخند و در جلوی درب اصلی (بازار بزازها) بعد از تکان دادن، کرسی می‌کنند. علت اینکه دو دور می‌چرخند آن است که در روز عاشورا امام حسین علیه السلام دو فرزند خود حضرت علی اکبر علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام را در این راه مقدس فدا نمودند. (دور اول به یاد جوان امام حسین علیه السلام شبیه‌ترین کس به پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی اکبر علیه السلام و دور دوم به یاد شش ماهه شهید عاشورا حضرت علی اصغر علیه السلام است.)

□ رسم است که تا نخل سرپره که هیئت حسینی آن را برمی‌دارد وارد بازار نشود نخل کلهر برداشته نمی‌شود؛ این رسم از قدیم‌الایام پابرجا بوده است و علت این است که این نخل چون قدیمی‌ترین و با سابقه‌ترین نخل کاشان است و از طرفی چون متعلق به نام سیدالشهداست به خاطر احترام و ادب، این نخل باید جلوی نخلهای دیگر وارد بازار شود (۱)

□ در چند سال اخیر هیئتهای زیادی برای مرکز خود نخل ساخته‌اند اما نیروی انتظامی برای برداشتن و آوردن به بازار به آنها اجازه نداده است؛ تنها این پنج نخل قدیمی را می‌توان همراه هیئت به بازار آورد.

□ کسانی که در جلوی نخل عزاداری می‌کنند، گل بر سر، شانه‌ها یا به پیشانی می‌مالند و با این عمل عزادار بودن و سوگواری خود را بیان می‌کنند و می‌گویند که ما با شهادت حضرت امام حسین و یاران باوفایش خاک بر سر شدیم.

□ نخل کلهر معروف به نخل «لُختیها» است زیرا در گذشته حتا در زمانی که برف روی زمین بوده است و سرما طاقت هر کسی را می‌ربوده در روز عاشورا کسانی که پای نخل عزاداری می‌کرده‌اند لُخت بر سر و سینه می‌زده‌اند. حال برای حفظ سنت دیرینه، جوانان هیئت تنها هنگام ورود به کاروانسرای امین‌الدوله لخت شده به عزاداری می‌پردازند ولی در طول

۱- در زمان کنونی نیز اگر فرمانده سپاهی همراه سربازانش کشته شود جنازه فرمانده را پیشاپیش دیگر کشتگان تشییع می‌کنند.

مسیر عزاداری برای حفظ مسائل شرعی و احکام مقدس اسلام با لباسهای سیاه سینه‌زنی می‌کنند.

نذر

عهد و پیمان قلبی و بعضاً زبانی میان انسان با خدای خویش می‌باشد که انجام آن واجب و دوری جستن و تخلف از انجام آن گناه است. انسان گاهی نذرهای معنوی می‌کند نظیر: نذر صلوات، نذر ختم قرآن، نذر زیارت ائمهٔ اطهار و امامزادگان و ... و گاهی اوقات نذرهای جنبهٔ مادی و دنیوی دارد که خود منشأ خیرات و میزات می‌شود نظیر: ساختن بناهای خیریه (درمانگاه، آموزشگاه و مدارس علوم دینی و بناهای عام المنفعه)، نذر پرداخت وجوه و وسایلی به مساجد، حرم ائمه و امامزادگان، مستمندان و ...

دلباختگان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام خاصه حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام و دیگر شهدای بزرگوار حادثهٔ جانگداز کربلا، برای برآورده شدن حاجات و ملتزم کردن خود، به اشکال مادی و معنوی نذر می‌کنند.

نذرهای معنوی که در ایام محرم در کاشان رواج بیشتری دارد از این قرار است: نذر خواندن زیارت عاشورای حسینی، پابره‌نه و سر برهنه در دسته‌جات حسینی عزاداری نمودن، نذرکردن در شبی یا روزی در هیئت خاصی سینه‌زدن؛ افراد فراوانی نذر دارند در دورهٔ هیئت حسینی به دنبال و همراه نخل سرپره عزاداری و سینه‌زنی نمایند و کسان بسیاری نذر دارند در شب و یا روز تاسوعا در یکی از هیئات که مفتخر به نام حضرت قمر بنی‌هاشم عباس بن علی علیه‌السلام است سینه‌زنی و عزاداری نمایند؛ نذر می‌کنند که پرچم و علمی را بر دوش گرفته همراه دستهٔ عزادار حرکت کنند؛ نذر می‌کنند پابره‌نه و با وضو در میان عزاداران سقایی کنند؛ نذر می‌کنند کودک خردسال خود را در روز عاشورا کتلی کنند؛ نذر می‌کنند در منزل و یا در حسینیهٔ مراسم روضه و عزاداری اباعبدالله برپا کنند؛ نذر می‌کنند در مراسم شمع‌زنی شب عاشورا شرکت کنند؛ نذر می‌کنند روضهٔ حضرت عباس علیه‌السلام و یا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و ... را در یکی از زیارتگاهها و اماکن مذهبی

بخوانند؛ نذر می‌کنند سفرهٔ حضرت ابوالفضل در منزل پهن کنند؛ نذر می‌کنند حجلهٔ حضرت قاسم در منزل بیندازند و ...

نذرهای مادی که از روی عشق و محبت برای اقامهٔ هر چه باشکوه‌تر عزای حضرت سیدالشهدا و یاران باوفایش در کاشان وجود دارد از این قرار است:

نذر می‌کنند برای اطعام مردم در منزل و یا در هیئتی خاص سفره بیندازند؛ نذر می‌کنند گوسفند و یا گاو به هیئت خاصی بدهند؛ نذر می‌کنند گوسفند یا گاو در جلوی نخل و توغ و جریده‌ای خاص ذبح کنند؛ نذر می‌کنند در روز عاشورا شیر گاو و گوسفند خود را به عزاداران بنوشانند بویژه در هیئتهایی که مفتخر به نام حضرت باب الحوائج علی اصغر علیه السلام هستند؛ نذر می‌کنند هزینهٔ مدّاح و منبری را تقبل کنند؛ نذر می‌کنند دیگ و یا وسایل آشپزخانهٔ حضرت سیدالشهدا را تأمین کنند؛ نذر می‌کنند در پای نخل، توغ و جریده شربت، نقل، شکلات و ... بدهند؛ نذر می‌کنند در شب تاسوعا و روز تاسوعا که تعلق به حضرت عباس بن علی علیه السلام دارد نان مخصوص موسوم به نان عباسعلی بدهند؛ نذر می‌کنند برای عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و جوهری را بدهند؛ نذر می‌کنند در ایام محرم شله زرد بپزند، یا در روز شش (شب هفت) امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا حلوا بپزند؛ یا اینکه پارچهٔ سیاه علم و نخل حسینیه را اهدا کنند.

هر شب در پایان مراسم سینه‌زنی هیئتهای منطقهٔ کاشان، سفرهٔ نذری برای محبتان خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله گسترده می‌شود و همگان بر سفرهٔ اهل بیت به نیت شفا و سلامتی و تبرک از غذای نذری تناول می‌کنند و اغلب آن غذا را به منزل نیز می‌برند تا در کنار سفرهٔ خود به نیت برکت سفره و تبرک میل کنند؛ اقسام غذاهای نذری که در کاشان مرسوم است عبارتند از:

۱- غذای سنتی کاشان که بیشتر هیأت مذهبی این غذا را چندین مرتبه در ایام محرم می‌پزند و عزاداران را پذیرایی می‌کنند نوعی آبگوشت موسوم به «گوشت لوبیا» است که به ازای هر کیلو لوبیا $\frac{2}{3}$ گوشت داخل دیگ می‌ریزند و پس از آماده شدن همراه با نان و سبزی و پیاز عزاداران را بدان اطعام می‌کنند.

۲- انواع مختلف غذاهایی که با برنج همراه است نظیر: خورش قیمة، قورمه سبزی، چلو مرغ، چلو کباب، خوراک لوبیا، عدس پلو، باقلا پلو، چلو بادمجان، چلو گوشت، فسنگان، سبزی پلو با ماهی تن، لوبیا پلو، برنج شوید با گوشت لوبیا.

۳- از دیگر غذاهایی که در ایام محترم رواج دارد می‌توان از گوشت نخود گوجه، گوشت نخود اسفناج، کشک بادمجان، شله زرد، حلوا، ماکارونی و حلیم نام برد.

نکته

□ بعضی هیئتها در محلات کاشان غذای ویژه و خاصی دارند که در دیگر هیئتها و دسته‌های عزاداری این نوع غذا داده نمی‌شود مثلاً هیئت حسینی سوريجان در روز عاشورا غذای گوشت لوبیا سرکه - شیره می‌دهند و یا هیئت حسینی نخل سرپره گوشت لوبیا کدو تنبل (رشتی) می‌پزند.

□ مقدار پخت غذاهای نذری به موقعیت جغرافیایی هیئت، بزرگی آن و روز خاصی بستگی دارد که مراسم برگزار می‌شود مثلاً هیئت ابوالفضل مدرسه سلطانی در شب تاسوعا بیش از یک تن برنج (با خورش قیمة) می‌پزند و یا هیئت حسینی نخل سرپره در شام غریبان بیش از ۱۲ هزار سیخ کباب و یا هیئت حسینی بازار و هیئت ابوالفضل کوی زاویه بیش از یک تن مرغ می‌پزند.

نوحه

بیان مصیبت، گریه کردن به آواز^(۱)، آواز ماتم، شیون^(۲)، گریه به آواز بلند، زاری، ناله، فریاد و فغان^(۳)، ندبه، مویه، مویه‌گری، زاری بر مرده^(۴)، همچنین شعری که در ماتم و سوگواری با صوت حزین و ناله و زاری می‌خوانند^(۵) اعم از سوگواری برای کسی که تازه مرده یا برای ائمه شیعه که مرثیه گویند^(۶).

۱- غیث اللغات.
 ۲- آندراج.
 ۳- ناظم الاطباء.
 ۴- لفتنامه دهخدا.
 ۵- ناظم الاطباء.
 ۶- فرهنگ معین.

نوحه‌گری و نوحه‌خوانی برای مردگان در دین مبین اسلام کاری‌ست مکروه و ناپسند جز برای ائمهٔ معصومین و شهدای راه حق و حقیقت که نمونه‌هایی در تاریخ اسلام دارد؛ از آن جمله نوحه‌خوانی برای حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام و جعفر بن ابی طالب علیه السلام در زمان پیامبر گرامی اسلام و نوحه‌خوانی و روضه‌خوانی امامان شیعه برای حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام که در دشت نینوا لب تشنه در راه احیا و زنده نگاه داشتن اسلام به دست یزیدیان به شهادت رسید.

نوحه نوعی از مرثیه‌است به صورت بندبند که بیت پیوند دهندۀ بندها را گوشواره گویند و معمولاً از ابیات بندها کوتاه‌تر یا بلندتر است. اشعار نوحه را برای سینه زدن می‌سازند کسی که نوحه می‌خواند بدان نوحه‌خوان یا مداح گویند و دیگران به نوا و آهنگ و وزن اشعار نوحه‌خوان سینه می‌زنند ولی اشعار مرثیه را با آهنگ در مجالس سوگواری برای گریه و اظهار تأسف شنوندگان بر قتل شهدای کربلا می‌خوانند. در «فرهنگ عاشورا» نوشتهٔ استاد جواد محدثی آمده است که: «این شیوه در بین عربها هم متداول است و سبک مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی بر سالار شهیدان مخصوص است. با توجه به گستردگی این مراسم و رواج آن در طول سال، حتّاً در سوگ امامان دیگر، ضرورت دارد که سروده‌های ناب و نوحه‌های صحیح و دور از تحریفها و دروغها پدید آید و فرهنگ عاشورا در قالب نوحه نیز ترویج گردد و نوحه‌خوانان نیز بیش از هدف قرار دادن گریه، نشر فضیلت‌های اهل بیت را هدف قرار دهند.»^(۱)

در اینجا نمونه‌ای از انواع نوحه را ذکر می‌کنیم:

غنچه و لاله

شبانگاهان روی دوش علی نعش فاطمه تا ناکجا می‌رفت (۱)

به دنبالش آه و زمزمهٔ زینب و حسین تا خدا می‌رفت

مدینه با سوز سینه کشید آه آینه سوز از غم حیدر

خدا می‌داند که اشک غم از چشم خونبار کوچه‌ها می‌رفت

ز سوز آه دل زینب، رسیده جان علی بر لب

آه و واویلا، آه و واویلا

گل یاس باغ احمدی از سیلی پاییز ارغوانی شد

در آن صحنه باغ سبز علی زرد و غمزده گشت و خزانی شد

چه سازد یا رب به این غم سنگین علی غریب و ستم‌دیده

که تنها همپای زندگی‌اش در جوانی قامت کمانی شد

ببین حال فاتح خیبر، نهان در گل شد گل حیدر

آه و واویلا، آه و واویلا

فقط می‌داند حسن که در آن کوچه غم و غربت چه رخ داده است

که این گونه بی‌قرار و پریشان شده و به سر می‌زند با دست

درون ذهنش چه خاطره‌ای آمده که به زینب چنین گوید

بگردید اینجا در این کوچه گوشواره‌ای از مادر افتاده است

مدینه شد غرق در ناله، که پرپر شد غنچه و لاله

آه و واویلا، آه و واویلا

محمود شریفی «کمیل»

۱- چون نگارش کتاب در ایام فاطمیّه بود نوحه را به تیت تبرک و تیمن از حضرت فاطمه‌الزّهرا (س) انتخاب نمودم.

هدیهٔ خدا

ای آخرین تماشای زیباترین اشاره	ای آخرین تبسم ای آخرین ستاره
از گلهای چیده	غنچهٔ دمیده
شیرین زبانم اصغر	آرام جانم اصغر
گفتم به جرعه‌ای آب جان تو را خریدند	اتمام حجتم را سنگین دلان شنیدند
می‌زدی دست و پا	چه دیدم خدایا؟
شیرین زبانم اصغر	آرام جانم اصغر
بر سینه می‌فشارم با این دو دست بسته	قنداقه‌ای که چون گل در باغ خون نشسته
من چون تو مظلوم	کودک معصوم
شیرین زبانم اصغر	آرام جانم اصغر
بر آخرین دیدارت مادر خود را رسانده	تا پشت خیمه‌هایم راهی دگر نمانده
قنداقت به دوشم	از گریه خموشم
شیرین زبانم اصغر	آرام جانم اصغر

جعفر رسول‌زاده «آشفته»

نهر علقمه

نام نهری ست کوچک که از رود فرات منشعب شده آب فرات را به سرزمین نینوا می‌رسانده است. علقمه در لغت به معنی تلخی ست و هر درخت تلخ و آب بسیار سخت را هم «علقمه» گویند. نهر علقمه یادآور ایثار، فداکاری، گذشت، وفا و ادب حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام است که در کنار همین نهر دستان مبارکش قطع و امیدش ناامید شد و به شهادت رسید.

«نهر علقمه» نیز همچون «آب فرات» و «شش گوشه» از دیگر نمادهای عزاداری مردم کاشان است که متأسفانه «نهر علقمه» به علت کم توجهی و کم لطفی، دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. امید آنکه متولیان امر (هیئت ابوالفضل پانخل) که مرکز نگهداری نهر

علقمه است دست به اقدامی شایسته زده دیگر باره آن را بازسازی و تعمیر نمایند. «نهر علقمه» از یک اسکلت چوبی - ضریح و در دو طرف ضریح دو تشت آب .. گنبد و چهار گلدسته تشکیل شده است و بعد از آب فرات به وسیلهٔ استاد حسین ساخته شده در روز پنجم و نهم همراه هیئت ابوالفضل علیه السلام وارد بازار می‌شده است.

ناظم

نظم دهنده، میاندار، کسی که به خاطر تبخر و مهارت، قدرت اداره محفل و مجلس عزاداری، سینه‌زنی و زنجیرزنی اهل بیت را دارد. کسی را که ذکر می‌گیرد و هنگام نوحه‌خوانی مدّاح با کلمات و سخنانش هدایتگر سینه زنان است «ناظم هیئت» گویند. در زمان کنونی یکی از بهترین و نام‌آورترین ناظران هیئت، ناظم هیئت ابوالفضل مسجد جامع کاشان آقای حاج علی شاه‌جوان است که با بیانی شیوا و کلامی رسا و با ساده‌ترین واژه‌ها در روز تاسوعا در مرکز هیئت ابوالفضل چنان اشکی از مردم می‌گیرد که کمتر مدّاحی می‌تواند چنین کاری انجام دهد و آن هم شاید به خاطر اخلاص، پاکی نیت و عشقی‌ست که به مولا و سالارش حضرت قمربنی‌هاشم دارد.

مدّاح

به کسی که در پای منابر و در مجالس به خواندن اشعار و مناقب اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد مدّاح گویند. تا پیش از دورهٔ قاجار واعظ و خطیب پس از خطابهٔ خود ذکر مصیبت داشت ولی از زمان مذکور به بعد فردی که صدایی رسا داشت از پایین منبر شروع به نوحه خواندن می‌کرد تا اینکه به تدریج پامنبری و منبری جدا شده یعنی مدّاحی در عزاداریهای خیابانی و غیره و در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی تا زمان معاصر رواج پیدا کرد.

در لغتنامهٔ علامه «دهخدا» آمده است:

«مدّاح: روضه‌خوانی که ایستاده در پیش منبر، شعر، مدایح اهل بیت و مصائب آنان را

خواند، آنکه ایستاده در کنار منبر در مجالس، یا روان در کوی و برزن، اشعار مدایح اهل بیت را به آواز بخواند.»

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ شاعران و مرثیه‌سرایان متعهد (و توسعاً مداحان و مرثیه‌خوانان) چنین روایت شده است که:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُّ إِلَيْنَا وَيَمْدَحُنَا وَيُرْتِي لَنَا»^(۱)

خدا را سپاس که در میان مردم کسانی را قرار داده که به سوی ما می‌آیند و ما را مدح و مرثیه می‌گویند. و از حضرت امام رضا علیه السلام نیز در تشویق دعبل به مرثیه‌خوانی چنین روایت شده است:

«يَا دَعْبِلُ! أَحَبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْإِيَّامَ، أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^(۲)

ای دعبل! دوست دارم برایم شعر بسرای و بخوانی، چون این روزها، روزهای اندوه ما اهل بیت است.

مداحی، نوعی الگو دادن به مخاطبان و شخصیت‌پردازی دینی‌ست برای جامعهٔ مذهبی؛ سنگری برای پراکندن و نشر فضیلتها در قالبی مؤثر و فراگیر نسبت به همه؛ و مداحان به خاطر اهمیت کارشان در جامعه و در شکل‌دهی افکار و عواطف، نقش مهمی دارند و فلسفهٔ اساسی مداحی، ترویج خوبیها و تبیین فضایل والای شهیدان کربلا و دمیدن روح تعهد و حماسه در شیعه است و یک عشق و ایمان است نه یک حرفه و شغل!!

یکی از نویسندگان و هنرمندان کاشانی می‌نویسد:

«روز تاسوعا به بازار کاشان رفتیم تا مراسم سنتی و قدیمی عبور دسته‌جات و هیئت‌های مختلف عزادار را در بازار به نظاره ایستیم و خاطراتی را که از مراسم عزاداری شکوهمند کاشانیان در هیئت‌های مذهبی و نواهای زیبا و رسای بدون امداد بلندگوی نوحه‌خوانان چهل سال قبل، امثال دوست قدیم و زود از دست شده‌ام، مرحوم عباس کاتب و دیگران داشتم، تجدید کنم اما به گفتهٔ شاعر: «شهر و بازار نه آن بود که من دیدم»
پار»

من فکر می‌کردم که این فقط نوحه خوانان و مرثیه سرایان محترم تهران هستند که در سالهای اخیر اشعاری به اصطلاح مذهبی اما سست و محاوره‌ای روی آهنگ تصنیفهای نه چندان مناسب خوانندگان سابق اعم از ذکور و اناث می‌گذارند و دسته‌جات عزادار هم سینه‌زنان و زنجیرزنان آنها را می‌خوانند ... با نهایت تأسف دیدم که دامنهٔ این نهضت و نوآوری! تا شهرستانها هم گسترش یافته و کاشان ما هم سخت به این بلیه گرفتار شده است.

کاشان، بنابر نوشته مورخان معتبر در طول تاریخ خاستگاه زیباترین صداها از خوانندگان سنتی و مذهبی و تعزیه‌خوانان بوده و من در مواقع اقامت سابق بیست ساله‌ام در این شهر، همواره شنوندهٔ لطیفترین و در عین حال رساترین آوای خوانندگان اعم از مردم عادی و مداحان با فصیحترین اشعار بوده‌ام.

اکنون، چرا و چگونه بدین صورت درآمده است؟ دسته جات عزادار با بلندگوهای سیار گوش آزار و دارای اکوی بسیار شدید و غیر لازم موجب بازتاب صدا و نامفهوم شدن کلمات شعرها می‌گردند و در سراسر بازار کاشان به اجرای مراسم می‌پردازند ... از صدای خوانندگان هم چه بگویم، وقتی آهنگ و اشعارشان چنان باشد، صدایشان نیز بایستی چنین باشد.»^(۱)

متأسفانه در زمان حاضر شاهد وضعیتی در مداحی هستیم که برخی دقیقاً از ملودیهایی استفاده می‌کنند که متعلق به فلان ترانه است و به طور کلی در خیلی از این اجراها رد پای کپی‌کاری و تقلید از ترانه‌سرایان سبک و جلف به چشم می‌خورد. این تأثیرپذیری شأن نوحه و سینه‌زنی ما را به شدت تنزل داده تا جایی که بعضاً موجب وهن اهل بیت می‌باشد چرا که بسیاری از این ترانه‌ها (نوحه‌ها) سخیف و سبک بوده از هیچ اصلاتی برخوردار نیستند.

به هر جهت ضروری‌ترین چیز برای مداح، تقوا، اخلاص و پاکی نیت و عمل اوست.

مدّاحان، به لحاظ آنکه کارشان بر عنصر «صدا»، «شعر»، «اجرا» و «مخاطب» است، باید هر چه بیشتر نسبت به آموزش لازم، پختگی اجرا، تمرین پیوسته، گزینش شعرهای خوب، پرمعنا، زیبا، بدیع و ولایی، مطالعهٔ مقلّلهای معتبر و منابع تاریخی، تکیه روی اشعار و مطالب اخلاقی، فکری و عقیدتی و پرهیز از غلو و مبالغه که اثر منفی دارد اهتمام ورزند، از دروغ و تصنع و بازار گرمی بپرهیزند، خلوص و صداقت و مناعت طبع را فراموش نکنند، نوکری ابا عبدالله‌الحسین و اخلاص نسبت به آن حضرت را از یاد نبرند.

متأسفانه تعداد معدودی از مدّاحان و واعظان به رسالت خویش تنها به عنوان منبعی برای درآمد می‌نگرند و بدون مبالغ‌گراف حاضر به انجام وظیفه نیستند. اگر چه در زمانه ما به دلایل اقتصادی بیشتر مشاغل به نوعی گرفتار این بلیّه هستند ولی همواره باید به اجر معنوی نیز ارزش داد. ناگفته نماند که بسیاری از هیئتهای مذهبی که به این گزافکاری و تکاثر دامن می‌زنند و تنها در جهت رقابت با دیگر هیئتها سعی دارند هر کدام واعظ یا مدّاحی گرانتر! بخصوص از شهرهای دیگر دعوت کنند در این مورد بی‌تقصیر نیستند.

خاطره‌ای از مدّاح اهل بیت مرحوم حاج آقا محمّد علّامه (ره):

«... تا آدم منزل، بچه‌هایم گفتند: از کاشان پی شما آمده بودند. گفتند که هیأت «علی اصغریها» برای فردا صبح، چهارم محرم شما را می‌برند و عصر هم برمی‌گردانند. روز یازدهم، این هیئت به بازار می‌رفت. به رئیس شهربانی تلگرام زده بودند که: به غیر از تاسوعا و عاشورا، روزهای دیگر، دسته‌ای به بازار نیاید. یکی از اعضای این هیئت، حاج بابا شکری بود. ایشان پیش رئیس شهربانی رفت و به او گفت: هیئت علی اکبر، هیئت قاسم بن الحسن، هیئت ابوالفضل، هیئت حسینی و سایر هیئتها به بازار آمده‌اند؛ حالا تو زورت به این بچه شیرخوار (حضرت علی اصغر علیه السلام) رسیده و ما را ناامید می‌کنی؟! رئیس شهربانی طوری تغییر حالت پیدا می‌کند که می‌گوید: به مسئولیت خودم، فردا بروید بازار؛ از طرف هیئت آمدند و مرا هم بردند بازار. حالا ببینید که عمل برای خدا، چه

اثری بر دیگران دارد.»^(۱)

مشک

«مشک» در فرهنگ عاشورایی سمبل وفاداری حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. چرا که عباس علاوه بر علمداری و سپهسالاری لشگر، سقای کودکان اباعبدالله الحسین علیه السلام هم هست. عباس آب آور خیمه‌هاست. در روز عاشورا هنگامی که عباس علیه السلام مشک را بر دوش گرفت و به سوی شریعهٔ فرات رفت امید در دل بچه‌های ابا عبدالله زنده شد که عمو آب می‌آورد! عباس علیه السلام بر ساحل فرات آب را مشت می‌کند که بنوشد اما نمی‌نوشد که رسم ادب نیست؛ به یاد لبهای تشنهٔ برادر و فریاد العطش کودکان افتاد، آب را در مشک می‌کند و به سوی خیمه‌ها می‌آید. اما دشمن او را محاصره نمود و «نوفل ازرق» دست راست علمدار را قطع کرد و عباس علیه السلام چنین خواند:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمَا يَمِينِي
إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي
وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ
نَجَلَ النَّبِيَّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

«به خدا سوگند اگر دست راستم را جدا کردید من همیشه حامی دینم خواهم بود، و حامی امامی که در ایمانش صادق است. و فرزند پیامبر پاک و امین است.»

مشک را به دست چپ می‌دهد و به سوی خیمهٔ اباعبدالله می‌آید. دشمن دست چپ عباس را هم قطع می‌کند و عباس دگر بار این رجز را می‌خواند:

يَا نَفْسُ لَا تَخْشِي مِنَ الْكُفَّارِ
وَأَبْشِرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ
مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ
قَدْ قَطَعُوا بِبَعْثِهِمْ يَسَارِي

فَأَضْلِهِمْ يَا رَبِّ حَوْلَ النَّارِ

«ای نفس! از کافران مهراس و به رحمت خدا شاد باش با پیغمبر که او مولای برگزیدهٔ خداست؛ اینان به ستم دست چپم را قطع کردند، پروردگارا! آنها را به گرمی آتش بسوزان»

این بار مشک را به دندان می‌گیرد، دشمن با تیری مشک را از آب تهی می‌کند و عباس را در برابر کودکان برادر ناامید و شرمنده می‌کند؛ تیری بر چشم حضرت می‌خورد و پس از آن عمودی آهنین بر فرق عباس فرو می‌آید و از زین بر زمین می‌افتد؛ فریاد برمی‌آورد و امام را با خطاب برادر صدا می‌زند و امام حسین علیه السلام بر بالین برادر خون از چشمان عباس پاک می‌کند و می‌گوید «الآن کمرم شکست».

چشم از اشک پُر و مشک من از آب تهی است جگرم غرقه به خون و تنم از تاب تهی است
گفتم از اشک کنم آتش دل را خاموش پر ز خوناب بود چشم من، از آب تهی است
جان من می‌برد آن آب کزین مشک چکد گشته‌ام غرق در آبی که ز گرداب تهی است
دست و مشک و علمی لازمهٔ سقایی است دست عباس تو از این همه اسباب تهی است
مشک هم اشک به بی‌دستی من می‌ریزد بی‌سبب نیست اگر مشک من از آب تهی است^(۱)

در روز تاسوعا و عاشورا بعضی هیئتها خاصه هیئتهای ابوالفضلی اسبی را در جلوی هیئت حرکت می‌دهند که مشکی خالی به آن آویخته تیری به مشک خورده است. سپر و شمشیر نیز به اسب می‌بندند و بدن اسب را خون‌رنگ می‌کنند.

واعظ

وعظ کننده، پند گوینده، اندرزگوی و نصیحت کننده؛ کسی را که با بیانی شیوا و سخنانی حکمت‌آمیز اهل مجلس را موعظه کرده در پایان، روضه و مصیبت اهل بیت را بیان کند «واعظ» گویند.

هیئتهای بزرگ کاشان که سابقهٔ طولانی در برپایی مجالس دارند خطبای بنام ایران و وعاظ معروف را برای یک یا دو دههٔ محرم دعوت می‌کنند تا مردم از بیانات و مواعظشان بهره ببرند و شاید بتوان گفت که خطیبی مشهور و واعظی معروف نیست که در کاشان سخنرانی نکرده باشد.

در دو دههٔ اخیر و عاظ معروفی که به کاشان آمده‌اند و در ایام محرم در هیئت‌های بنام و بزرگ کاشان سخنرانی نموده‌اند عبارتند از: مرحوم علامه محمدتقی جعفری، استاد الهی قمش‌ای، واعظ شهیر مرحوم محمدتقی فلسفی، راشد یزدی، دانشمند اصفهانی، صابری اراکی، مرحوم دکتر مناقب، حاج شیخ حسین انصاریان، سیدابوالقاسم شجاعی و ...

هیئت

«نوعی تشکل مذهبی، بر محور عزاداری برای سیدالشهدا و ائمه علیهم‌السلام مجموعه‌هایی از مردم هر محله در شهرها یا روستاها که برای سوگواری و نسبت به امام حسین علیه‌السلام بویژه در ایام عاشورا تشکیل می‌یابد. هیئت، سنتی دیرپا و مردمی‌ست و با بودجهٔ علاقمندان به امام حسین علیه‌السلام تشکیل می‌یابد. هر هیئت نام خاص و پرچم و علامت ویژه دارد. هیئت‌های عزاداری گاهی متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا هستند.»^(۱)

«نخستین دسته‌های سوگواری و عزاداری به سال ۳۵۲ در زمان معزالدولهٔ دیلمی در کوچه و بازار به راه افتاد، در عاشورای این سال و سالهای بعد آن، تعطیل عمومی بود و دسته‌های عزادار از محلهٔ کرخه حرکت می‌کردند و ضمن گذر از کوچه و بازار در سوگ امام حسین علیه‌السلام شیون و فغان می‌کردند. این دسته‌ها در مصر رایج شد و در دوران صفویه شکل جدیدتر و سازمان یافته‌تر به خود گرفت و هر تکیه یا محله‌ای برای خود دسته‌هایی جداگانه داشت که با یک علم از دیگر تکایا متمایز می‌شد.»^(۲)

مرحوم کاشف‌الغطاء می‌نویسد: «آغاز بیرون آمدن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام پیش از هزار سال در زمان «معزالدوله» و «رکن‌الدوله» بود که دسته‌های عزاداران در حالی که برای حسین علیه‌السلام ندبه می‌کردند و شب مشعلهایی به دست داشتند، بغداد و راههایش یکباره پر از شیون شد ... این در قرن چهارم بود و اگر آمدن این موکبها [هیئت‌ها] در راه نبود، هدف و غرض از یادآوری حسین بن علی علیه‌السلام از بین می‌رفت و ثمره

فاسد می‌شد و راز شهادت حسین بن علی علیه السلام منتفی می‌گشت.»^(۱)

نخستین دسته‌بندیهای عزاداری در کاشان

در «تاریخ اجتماعی کاشان» نوشته آقای حسن نراقی دربارهٔ آغاز دسته‌بندی برای عزاداری ایام عاشورا آمده است:

«از جمله وقایع کاشان در آن عصر تشکیل یافتن دسته‌های عزاداری در ماه محرم به وسیلهٔ میرزا شرف‌الدین علی حسینی کاشانی بوده که هر سال در ماه محرم تجدید مراسم عزای خامس آل عبا می‌نمود و روضه خوانان و مرثیه‌گویان را مثل حافظ محمودجان و حافظ سلطان محمد هروی و ملا علی ادواری و غیره روزها به روضه و شبها به مرثیه و ذکر مشغول می‌داشت و الیوم بقیهٔ آن قاعده که در کاشان مانده از آثار حسنهٔ اوست و ذکری چند در عمل دستگاه عراق و مخالف و غیرهما بسته و در میان مرثیه خوانان و مقربان مشهور است.

به همین مناسبت میرزا شرف‌الدین معروف به بابا شرف گردیده چنانکه بعدها محل و مکان تکیهٔ بزرگ و ساختمانهای وی را هم میدان بابا شرف می‌نامیدند؛ و چون همان ایام کوی و برزن شهر هم به دو بخش حیدری و نعمتی نامگذاری شده مقرر گردید که تکیه / در ابتدای بازار و کوی بابا شرف که محل حفاظت و نگاهداری توغ و علم و نخل، علامتهای عزاداری بود، انتهای خط سیر عزاداران هر دو بخش حیدری و نعمتی بوده باشد و از آنجا تجاوز به حدود یکدیگر نکنند.»^(۲)

در زمان حاضر در شهرستان کاشان بیش از پانصد هیئت و دستهٔ مذهبی رسمی فعالیت دارند که در سازمان تبلیغات اسلامی دارای پرونده هستند؛ در چند سال اخیر دسته جات کوچک که جوانان، اعضای تشکیل دهندهٔ آن هستند به نامهای مختلف تأسیس شده است و با برگذاری مراسم هفتگی سینه‌زنی در منازل عزاداری می‌کنند؛

۱- المواكب الحسينية، محمدحسین کاشف‌الغطاء، ص ۱۵

۲- تاریخ اجتماعی کاشان، حسن نراقی، ص ۱۰۷

تشکیل جلسات مذهبی فی نفسه خوب است اما باید در این جلسات آگاهی، بینش و اندیشه جوانان رشد کرده شکوفا شود و مسائل شرعی و احکام دین مبین اسلام و مسائل عقیدتی بیان شود نه اینکه حتی در مراسم جشن و سرور و شادمانی اهل بیت بر سر و سینه بزنییم و اشک غم و ماتم و اندوه بریزیم که این عمل خود خلاف احادیث و روایات ائمه است که فرموده‌اند در شادی ما شاد باشید و در عزای ما عزادار.

جای تأسف است که اعضای جوان این جلسات از روی رقابت بعضاً کارهایی را به تقلید از یکدیگر انجام می‌دهند که اولاً در اسلام و مذهب تشیع نهی شده است و ثانیاً خود را زبانزد خاص و عام و انگشت‌نمای جامعه می‌کنند که بازتاب این اعمال نه به شخص بلکه به جامعه تشیع باز می‌گردد و موجب وهن تشیع و کسر شیعیان شده و می‌شود. معروفترین و قدیمی‌ترین هیئتهای کاشان که حدود یک قرن از تأسیس آنها می‌گذرد عبارتند از^(۱):

- ۱- هیئت فاطمیّه (پشت مشهد) ۲- هیئت حسینی (مسجد بالا بازار) ۳- هیئت ابوالفضل (مسجد جامع) ۴- هیئت ابوالفضل (مدرسه سلطانی) ۵- هیئت شاهزاده علی اصغر کلهر (مسجد صادقیه) ۶- هیئت سجّادیه مقدّم (کوی دو مسجدان) ۷- هیئت حیدری (درب فین) ۸- هیئت حسینی (نخل سرپره) ۹- هیئت شاهزاده علی اصغر (مسجد کیهان) ۱۰- هیئت ابا عبدالله الحسین (توغ شیخ رضا) ۱۱- هیئت شهدا (درب یلان) ۱۲- هیئت ابوالفضل (میدان امیر) ۱۳- هیئت سجّادیه (پشت مشهد) ۱۴- هیئت مسلم‌بن عقیل (درب هو) ۱۵- هیئت شاهزاده علی اکبر (میدان ولی سلطان) ۱۶- هیئت شاهزاده علی اکبر (زیارت حبیب‌بن موسی) ۱۷- هیئت امام حسن مجتبی (درب اصفهان) ۱۸- هیئت موسی بن جعفر (میانچال) ۱۹- هیئت حیدری (درب باغ) ۲۰- هیئت احمدی (زیارت سلطان میر احمد) ۲۱- هیئت قاسم‌بن الحسن (سرپله)

نکته:

□ یکی از اشکالاتی که در تاریخ تأسیس بعضی هیئتها وجود دارد آن است که هیئتی که

۱- برای آگاهی بیشتر از هیئتها می‌توانید به کتاب عزاداری سنتی شیعیان ج اول مراجعه نمایید.

به خاطر بعضی از اختلاف نظرها به دو هیئت تقسیم شده‌اند هر دو هیئت تاریخ اولیه را برای خود برگزیده‌اند! مثلاً هیئت ابوالفضل مسجد جامع و هیئت ابوالفضل مدرسه سلطانی که هر دو از هیئتهای بزرگ و بنام کاشان هستند ابتدا یکی بوده‌اند اما در زمان انتخابات مجلس شورای ملی بر سر حمایت از دو کاندیدا (لاجوردی و اللهیار صالح) به دو هیئت تقسیم شدند و هر دو هیئت یک تاریخ را برای تأسیس خود انتخاب کرده‌اند. در بین هیئتهای پشت مشهد این اشکال آشکارتر است. هیئت ابوالفضل مدرسه علمیه با هیئت ابوالفضل خیابان امام (عباس‌آباد)، هیئت متحده محمدی با هیئت جان نثاران محمدی و بسیاری از هیئتهای این منطقه این چنین وضعیتی دارند.

هیئت شاهزاده علی اصغر کاشان

هیئت شاهزاده علی اصغر علیه السلام در سال ۱۳۳۵ هجری قمری به وسیله جمعی از افراد محله کلهر کاشان که در مرکزیت شهر واقع شده است تأسیس و بنیانگذاری شد و به نام مقدس و والای شش ماهه شهید کربلا حضرت علی اصغر علیه السلام نامگذاری شد که به علت همین نام و مقتل عاشورا آداب و رسوم ویژه‌ای برقرار نمودند که نمونه‌های این آداب و رسوم در همین کتاب آمده است.

این هیئت سه روز در بازار کاشان عزاداری دارد. روزهای چهارم، دهم و یازدهم محرم و سالهای قبل نیز در شب پانزدهم محرم برنامه دوره تعزیه داشته که هم اکنون از آن خبری نیست. از شب اول محرم به مدت بیست شب مراسم عزاداری دارند و در شبهای چهارم محرم، شب تاسوعا، عاشورا، شبهای جمعه و شب آخر، مراسم سینه‌زنی دارند و هر شب بعد از پایان مراسم، اهل مجلس را اطعام می‌نمایند. در چند دهه قبل، مراسم هیئت صبحها در منزل حاج رضا هاشم‌زاده و بعد از ظهرها در مسجد صادقیه برگزار می‌شده است.

البته قبل از اینکه هیئت بدین گونه سازماندهی و نامگذاری شود هیئت به دسته کلهر معروف بوده و سالهای قبل از ۱۳۳۵ به همراه توغ و نخل کلهر عزاداری و سینه‌زنی برقرار

بوده است.

از برنامه‌های این هیئت دعوت از مدّاحان بنام ایران در ایّام محرم است مدّاحانی همچون مرحوم حاج محمد علامه تهرانی، مرحوم حاج احمد شمشیری تهرانی، حاج حسین باقری تهرانی، حاج احمد محبتی اصفهانی، دلسوز تهرانی، حاج مهدی رضایی خراسانی، حاج سید محمد رضوی تهرانی، حاج مسعود کهریزیکی تهرانی، رحمتی یزدی و ...

از جمله کارهای شایسته و بسیار خوب این هیئت دعوت از محققین، نویسندگان، وعاظ و خطبای بنام است که برای آگاهی بخشیدن و بالا بردن سطح علمی - فرهنگی مشتاقان و علاقمندان به معارف اسلامی و مفاهیم علمی بسیار حائز اهمیت است که می‌توان از این دانشمندان و خطبای معروف که دعوت این هیئت را پذیرفته‌اند نام برد: مرحوم علامه محمدتقی جعفری، حجج اسلام راشد یزدی، حاج حسین انصاریان، محمدجواد مناقبی، صالحی خوانساری، محمودی بهبهانی، محمودی گلپایگانی (امام جمعه فقید اراک)، حجج اسلام ابوالفضل و محمدحسین صابری اراکی، سید محمد غروی تهرانی، حاج سید ابوالقاسم شجاعی تهرانی و استاد مجید زجاجی (محقق و نویسنده)

در اینجا جا دارد نامی از خدمتگزاران آستان مقدّس حضرت سیدالشّهدا بویژه دلباختگان باب‌الحوادث حضرت علی اصغر علیه السلام ذکر کنیم که تا نامی از آن شش ماهه شهید برده می‌شد اشک از دیدگان‌شان جاری می‌گشت ^(۱) آسید تاجی (تاج‌الدین) کلهری معروف به میرعزا، حاج‌بابا صادق عرشی‌زاده، حاج‌بابا حسین عرشی‌زاده، حاج محمداسماعیل هاشم‌زاده، حاج‌بابا شکرالله سقایی، حاج‌بابا عموشیخ، کدخدا نجّار

۱- تمامی افراد ذکر شده در جوار رحمت حق آرمیده‌اند و در کنار حوض کوثر ان شاءالله از جام ولایت به دست مبارک مولا علی (ع) سیراب خواهند شد.

(نوحی)، آسیدامیر کیوانیان، آسیداسدالله کیوانیان، حاج آقا جواد منظمی، آقاعلی ناظم (فاضل پور)، شاطرعباس شاطری (از تعزیه خوانهای معروف کاشان)، علی محمد شاطری (والد مؤلف)، شاطر مهدی شاطری، عباس طبیلچی، حسین طبیلچی، سیدمرتضی رسولی منش، قاسم مقدم، حاج محمد حمیدی فرد، حاج علی اکبر فرخیان، استاد عباس تسلط، احمد گلابچی، محمود گلابچی، محسن حمیدی فرد، علی زوّار حسینی، حسین آقا عربشاهی کاشی، اصغر سقایی، آقاغلام ظفرمند، حاج علی نقی ظفرمند، شاطراصغر شاطری، آسیدحسین شعار، حاج تقی گلابچی، علی اکبر و حسین هاشم‌زاده، حاج محمد آقا کلوچه‌ای و استاد محمد قالی‌باغ (بابای نخل کلهر) چه مادران بزرگواری که قلبشان به عشق هیئت می‌تپید و همیشه در مجالس روضه و عزاداری هیئت شرکت می‌کردند و منزلشان مأوای هیئتیها بود و باید از آنان یاد کرد کسانی چون: سیده خانم کیوانیان والده اخوان کیوانیان و خانم زوّار حسینی (والده ماجده اخوان زوّار حسینی) و یادی از شهدای هیئت علی اصغر علیه السلام شهیدان: ابوالفضل نقاده مقدم، مهدی طبیلچی، محسن سقایی، امیر نخودکار، تسلط، عبدالشاه، آسمانی، گلساز، گلشهری، شهیدان طوقانی و شهیدان شعار.

اصغر که در صف شهدا ماهواره است خوش به روز حشر به هر درد چاره است
محکم بگیر رشته قنذاقه‌اش به کف باب‌الحوائج است اگر شیر خواره است

این رباعی شعار هیئت علی اصغری است که بر تمامی پرده‌ها و بیانیته‌های تبلیغاتی خود می‌نویسند و ورد زبان آنهاست.

نشانه‌ای از اعجاز امام حسین در هیئت حضرت علی اصغر علیه السلام

اهل بیت علیهم السلام همیشه دستگیر و مشکل‌گشای ما بوده و هستند به شرطی که آنها را به صداقت و راستی صدا زنیم؛ در یکی از شبهای دهه اول محرم سال ۱۳۷۲ هنگامی که مدّاح و ذاکر اهل بیت حاج مهدی رضایی خراسانی مشغول خواندن اشعاری در مرثیه و

عزای سیدالشهدا بود، بناگاه یکی از پنکه‌های سقفی مسجد در حال کار کردن از سقف کنده شد و در میان جمعیت زنان مسجد افتاد. غلغله و محشری به راه افتاد، مدّاح که در پله‌های منبر نشسته بود از جا کنده شد و مجلس برای دقایقی از حالت عادی خارج گشت. انتظار می‌رفت این حادثه حداقل چندین زخمی و یا احیاناً کشته‌ای داشته باشد چراکه ارتفاع سقف تا کف مسجد حدود ۲۰ متر فاصله است و وزن خود دستگاه بیش از ده کیلو می‌باشد که خوشبختانه به هیچ کسی آسیبی نرسید؛ الحمدلله.

آقای سید مصطفی شعار از اعضای فعال هیئت علی اصغر علیه السلام می‌گوید: پنکه به پای خانمی که کودک او در کنارش خواب بود اصابت کرد و من با ماشین، ایشان را برای احتیاط به بیمارستان نقوی برده تا از پای او عکس بگیرند که اگر خدای نکرده شکستگی یا موردی دیگر یافت شود مداوا کنیم که خوشبختانه هیچ اثری از شکستگیها نبود و همان شب نیز خانم همراه فرزندش در روضه حضرت سیدالشهدا علیه السلام شرکت کرد. (۱)

عنايات خداوند و کرامات اهل بیت همیشه و در همه جا شامل حال ما می‌گردد لیکن گاهی اوقات عینیت پیدا می‌کند تا ما بندگان غافل، بیدار و هوشیار گردیم.

کرامات عجیبی در این هیئت به وقوع پیوسته است اما برای حسن ختام به یک اتفاق دیگر اشاره‌ای مختصر و کوتاه می‌نمایم. در روز عاشورا هنگامی که نخل کلهر روی دوش نخل کشها از درب میانچال وارد کاروانسرا شد سرعت و هیجان و احساسات مانع آن شد که سیم برقی که میان دهانه بود بالا نگهداشته تا نخل عبور کند. نخل به سیم برق خورده سیم را پاره نمود و موجب اتصال برق و ایجاد جرقه گشت و با وجود اینکه سیم برق روی انبوه جمعیت افتاد و در آن گرمای تابستان و بدنهای خیس و لخت به لطف خدا به کسی آسیب نرسید.

هیئت کودکان

علاقهٔ وافری که مردم شیعهٔ اثنا عشری کاشان به زنده نگهداشتن عزای اباعبدالله‌الحسین علیه السلام دارند ریشه در جان دارد و این محبت و علاقه از کودکی با شیر در جان آنها سرشته می‌شود.

هنوز روز اول محرم نشده و چاووش عزای امام حسین علیه السلام بانگ برنیاورده که صدای طبل و سنج کودکان عزادار به گوش می‌رسد. در هر کوچه و محله‌ای کودکان در دسته‌های چند نفره با پرچم و علم و علماتی به بزرگی وجودشان و طبل، سنج و دهلی به وسعت دستان کوچکشان و با همان شور و حال کودکانه بر سر و سینه می‌زنند و سینهٔ آنها به شرارهٔ عشق و محبت سرخ می‌شود و جایگاه بوسهٔ ملائک و مقربان خداوند می‌گردد. و می‌توان گفت که بی‌ریاترین، با اخلاص‌ترین، شورآفرین‌ترین و مانا‌ترین عزاداری، همین عزاداری کودکان است که امتداد آن را در گردش علمات و عظمت حرکت نخل و پاکی و صداقت جریده و اندوه و ماتم توغ می‌توان دید.

در کاشان که یک شهر مذهبی و بهتر بگویم یک شهر هیئتی‌ست برای این عزاداری‌های کودکان ارزش زیادی قائلند و حتا با کمک و یاری بزرگترها شبی مجلس بر پا می‌دارند که تمام کارها از مداحی و ناظمی هیئت گرفته تا کارهای خدماتی و پذیرایی را کودکان انجام می‌دهند و بزرگترها در مجلس آنها شرکت می‌کنند و موجب تشویق و ترغیب آنان می‌شوند.

منابع و مآخذ

- ۱- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، حسن نراقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- ۲- امامزاده محسن (امامزاده غریب)، عبدالحسین سیف‌اللهی، نقش مانا، ۱۳۷۹
- ۳- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، سید رضا پاک‌نژاد، اسلامیه، ۱۳۴۶
- ۴- بحارالانوار، محمدتقی مجلسی.
- ۵- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، به اهتمام دکتر محمدمعین، امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۶- تاریخ اجتماعی کاشان، حسن نراقی، علمی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵
- ۷- تاریخ تکایا و عزاداری قم، مهدی عباسی، نویسنده، قم، ۱۳۷۱
- ۸- تاریخ کاشان، عبدالرحیم کلانتر ضرابی، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۶
- ۹- تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی.
- ۱۰- تاریخ موسیقی، حسن مشحون، نشر سیمرغ، ج اول، ۱۳۷۳
- ۱۱- تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، گردآورنده؛ پنز چلکووسکی، ترجمهٔ داود حاتمی، علمی فرهنگی، ۱۳۶۷
- ۱۲- خاطرات شصت سال خدمتگزاری در آستان اهل بیت، محمد علامه، نشر آفاق، ۱۳۸۱
- ۱۳- دستهای نابیدا، خاطرات مستر همفر، ترجمه احسان قرنی، گلستان کوثر، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- ۱۴- سفرنامه انگلبرت کمپفر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، خوارزمی، ۱۳۶۰
- ۱۵- شفاعت (نشریه)، واحد فرهنگی هیئت شاهزاده علی اصغر کاشان - مسجد صادقیه.
- ۱۶- صد دروازه (مختصری از تاریخ و جغرافیای دامغان)، علی اصغر کشاورز دامغانی، ۱۳۵۲
- ۱۷- عزاداری سنتی شیعیان، سید حسین معتمدی، عصر حضور، مجلد ۱۳۷۸
- ۱۸- عطرگیسو، امین‌الله رشیدی، عطائی، ۱۳۸۱
- ۱۹- فتوت‌نامهٔ سلطانی، ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری، به اهتمام محمد جعفر محجوب، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰
- ۲۰- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، معروف، ۱۳۷۴
- ۲۱- فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان، ابوالقاسم پورحسینی، مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰
- ۲۲- فرهنگ فارسی معین، محمدمعین، امیرکبیر
- ۲۳- قصهٔ کربلا، علی نظری منفرد، سرور، چاپ نهم، ۱۳۸۱
- ۲۴- کامل‌الزّیارات، ابن قولویه، سید محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات پیام حق
- ۲۵- کیهان فرهنگی (مجله)، سال دهم، شماره سوم.
- ۲۶- لغتنامهٔ دهخدا، علی‌اکبر دهخدا، مؤسسهٔ دهخدا، ۱۳۷۳
- ۲۷- ناسخ‌التواریخ، محمدتقی سپهر کاشانی، اسلامیه، ۱۳۰۷
- ۲۸- نخل و گهواره (عزاداری سنتی کاشان) علی اصغر شاطری، هیئت شاهزاده علی اصغر کاشان، مسجد صادقیه، ۱۳۸۰

واژه‌نامهٔ محرم (کاشان) □ ۱۳۵

۳۴	تاریخ تويسرکان	۱۹/۴۷/۸۵/۸۶	بازار پانخل
۹۸	تاریخ جابری	۱۹	بازارچه سردار
۱۳۳	تاریخ کاشان	۱۲/۱۳	بازارچه مدرسه سلطانی
۳۴/۷۲/۹۵/۱۳۳	تاریخ مذهبی قم	۱۹/۱۱۱	بازارچه میانچال
۱۳۳	تاریخ موسیقی	۱۹/۶۵/۶۸/۸۵/۸۶/۱۰۵/	بازار گذرنو
۱۵	تحقیق در نخستین اربعین سیدالشهدا	۱۱۰	
۱۳۰	تسلط - شهید	۴۷/۲۰/۱۹	بازار مسگرها
۲۶/۱۳۳	تعزیه هنربومی پیشرو ایران	۱۲۹	باتری تهرانی - حسین (مداح)
۱۰۹	تکیه باباشرف	۹/۴۹/۶۱	بهارالانوار
۳۲	تکیه پامنار	۷۲	بدرالدین حسن بن حبیب حلبی
۳۲	تکیه حاجی محمدجعفرخان	۳۳	برهان قاطع
۳۲	تکیه درب حوض	۱۲۵	بغداد
۲۶/۲۷	تکیه دولت	۸۱	بنی اسد (قبیله)
۳۲	تکیه سرسنگ	۳۴/۴۰	بهار عجم
۳۲	تکیه طاهر و منصور	۱۳۱	بیمارستان نقوی
۳۲	تکیه قاضی اسدالله		
۳۲	تکیه قبرستان درب باغ		پ
۳۲/۳۶	تکیه کلهر	۶۹	پاکستان
۳۲	تکیه کوی گلچگانه	۱۳۳	پاک نژاد - شهید
۳۲	تکیه گذر سریره	۳۳/۵۴	پامنار
۳۲/۳۷	تکیه مابین	۱۹/۴۷/۶۸/۸۵/۸۶/۸۷/۱۰۹/	پانخل
۳۲	تکیه محتشم	۱۱۰/۱۱۸	
۳۲	تکیه میدان کهنه	۱۰۶	پدیدار - آسید باقر
۳۶	توغ آسید فضل‌اللهی	۲۶	پنچلک‌کوسکی
۳۹	توغ پنجه شاه		
۳۷	توغ سیغن		ت
۱۸/۳۸/۵۳/۵۴/۵۹/۱۲۷	توغ شیخ رضا	۲۹/۱۲۶/۱۳۳	تاریخ اجتماعی کاشان
۳۶	توغ کلهر	۹۰	تارخی تکایا و عزاداری قم

۱۳۰	حمیدی فرد - حاج محمد	۳۷/۳۸/۵۵	توغ مابین
۵۱	حیة الامام الحسين	۳۹/۵۵	توغ میانچال
		۲۶/۲۷/۱۲۱	تهران
		۶۲	تیمور

خ

خاطرات شصت سال خدمتگزاری

۱۲۳/۱۳۳			ج
۷۵	خضرم (ع)	۹/۱۳/۱۴/۱۵/۱۶	جابر بن عبدالله
۱۳	خرمى نجار - غلامحسين	۱۲۰	جامع احاديث الشيعه
۷۳	خلفای فاطمی	۱۱۶	جعفر بن ابی طالب (ع)
۸۱	خوش حالت - مجتبی	۱۲۵/۱۲۹	جعفری - محمدتقی (علامه)
۶۷/۷۶	خولی	۳۳	جهانگیری

د

۵۵/۸۰	دارالحسین	۴۷/۴۸	چاوش عزا
۱۲۴	دانشمند اصفهانی (واعظ)		
۵۴/۱۲۷	درب اصفهان		ح
۳۲	درب حوض	۱۲۶	حافظ محمودجان
۱۹/۶۹	درب زنجیر	۹۲	حبیب بن مظاهر
۱۹/۹۲/۱۱۰	دروازه دولت		حبیب بن موسی ... زیارت
۵۰/۱۳۳	دستهای ناپیدا	۵۵	حسینیه آیه الله امامت

۲۵	دشت افروز (مزار)	۱۰۹	حسینیه باباشرف
۱۲۰	دعبل خزاعی	۵۳	حسینیه سرپره
۱۲۹	دلسوز تهرانی (مداح)	۵۳/۵۵	حسینیه مسلم بن عقیل
۲۹/۴۱/۹۵/۹۷/۱۰۶/	دهخدا - علی اکبر	۶۷	حزبن یزید رباحی
۱۱۵/۱۱۹		۸۳	حرمله بن کاهل

و

۱۲۴/۱۲۹	راشد یزدی (واعظ)	۱۳۰	حمزه سیدالشهدا (ع)
			حمیدی فرد - محسن

واژه‌نامهٔ محرم (کاشان) □ ۱۳۷

۹/۶۱/۶۵/۶۷/۸۲/۸۳/۹۴	زینب (س)	۱۲۹	رحمتی یزدی (مدّاح)
		۱۱۸	رسول‌زاده - جعفر «آشفته» (شاعر)
		۱۳۰	رسولی منش - سیدمرتضی
		۳۳	رشیدی
۵۱/۱۲۶	سازمان تبلیغات اسلامی	۱۲۱/۱۳۳	رشیدی - امین‌الله
۸۰/۱۳۳	سپهر کاشانی - محمدتقی		رضایی خراسانی - سیدمهدی (مدّاح)
۶۲	سبزوار	۱۲۹/۱۳۰	
۱۸/۳۳/۵۲/۱۲۷	سرپله	۱۲۹	رضوی تهرانی - سید محمد (مدّاح)
۳۰/۱۳۳	سفرنامه انگلبرت کمپفر	۹۴	رقیه (س)
۱۲	سفینه البحار	۱۲۵	رکن‌الدوله دیلمی
۱۳۰	سقای - اصغر	۲۶	روسیه‌گزار
۱۲۹/۱۲۲	سقای - شکرالله (بابا شکری)	۷۱	روضات الجنّات
۱۳۰	سقای - شهید	۶۲	روضه‌الشهدا
۳۴	سلجوقیان		
۶۲	سلطان حسین بايقرا		
۹۷	سلطان محمد صفوی		
	سلطان میراحمد --- < زیارت	۱۲۹	زجاجی - مجید (واعظ)
	سلطان عطابخش --- < زیارت	۱۳۰	زوّارحسینی - خانم
۷۵	سلمان	۱۳۰	زوّارحسینی - علی
۸۳	ستان بن انس	۵۳/۵۵/۸۷/۱۰۹	زیارت چهل تن
۱۱۵	سوريجان		زیارت حبیب بن موسی - پشت مشهد
۱۵	سید بن طاووس	۷۷/۸۰/۸۱/۸۲/۸۶/۱۲۷	
۳۷	سیفن	۵۳/۶۸/۱۲۷	زیارت سلطان امیراحمد
		۵۳	زیارت سلطان عطابخش
		۱۹/۶۹	زیارت شاه یلان
۱۳۰	شاطری - شاطراصغر	۵۳	زیارت طاهر و منصور
۲۸/۱۳۰	شاطری - شاطرعباس		زیارت هارون بن موسی - زیارت پنجه‌شاه
۱۳۰	شاطری - علی محمد	۱۶/۳۹/۵۱/۵۴/۵۵/۶۸/۸۰/۸۶	

۱۳۸ □ واژه‌نامهٔ محرم (کاشان)

۷۲	شیخ عبدالجلیل رازی	۱۳۰	شاطری - شاطرمهدی
۱۴/۱۵	شیخ مفید	۱۱۹	شاه‌جوان - علی
۱۰/۸۰/۸۱	شیر فضّه	۹۷	شاه عبّاس
			شاه یلان ... زیارت
			شام ۹/۱۰/۱۵/۲۸/۲۹/۵۹/۶۷/۶۸/۷۱/
			ص
۱۲۹	صابری اراکی - ابوالفضل (واعظ)	۷۹/۸۳	
۱۲۹	صابری اراکی - محمدحسین (واعظ)	۱۲۴	شب شعر عاشورا
۱۲۸	صالح - اللهیار	۱۲۵/۱۲۹	شجاعی - سیدابوالقاسم (واعظ)
۱۲۹	صالحی خوانساری (واعظ)	۷۶/۷۷/۷۸	شش‌گوشه
۳۴/۱۰۷/۱۳۳	صد دروازه	۲۷	شرح زندگانی من
۹/۳۲/۳۴/۳۶	صفویّه	۴۱	شرح قاموس
		۳۳/۴۰	شرفنامه منیری
			ط
۱۳۰	طبل چی - حسین	۱۱۷	شریفی - محمود «کمیل» (شاعر و مدّاح)
۱۳۰	طبل چی - عبّاس	۱۳۰	شعار - آسید حسین
۱۳۰	طبل چی - شهید	۱۳۱	شعار - سیدمصطفی
۱۳۰	طوقانی - شهیدان	۱۳۰	شعار - شهیدان
		۷۱	شعبان بن‌الحسین - ملک اشرف
		۲۵/۱۳۳	شفاعت (نشریه)
۱۳۰	ظفرمند - علی نقی	۷۷	شکوهی کاشانی - غلامحسین
۱۳۰	ظفرمند - غلامرضا	۷۱	شمس‌الدین محمد بن احمد بن جابر
			شمشیری تهرانی - حاج احمد (مدّاح)
		۱۲۹	
		۲۸/۲۹/۷۶/۸۲/۸۳	ظ
۱۲۸	عبّاس آباد		شمر
۷۳	عبّاس بن زیاد	۷۲	شیخ بدرالدین حسن بن حبیب
۱۸/۲۱/۴۱/۷۳/۷۴/۷۵/	عبّاس بن علی	۱۸/۳۸	شیخ رضا
۸۲/۹۵/۱۰۶/۱۱۳/۱۱۴		۳۸	شیخ رضایی - سیدمصطفی
۷۱	عبّاسیان	۱۴	شیخ طوسی

۱۳۰	کلوچه‌ای - محمدآقا	۱۵	قاضی طباطبائی - سید محمدعلی
۷۶/۹۸/۹۹	کوفیان	۱۳۰	قالی‌یاف - محمد (بابانخل)
۴۸/۵۱/۵۲/۶۹/۸۳/۱۰۱	کوفه	۲۷	قرباب کاشی - زین العابدین
۱۲/۱۲۷	کوی دو مسجدان	۷۴/۸۰/۱۳۳	قصره کربلا
۱۱۵	کوی زاویه	۹۰	قم
۳۳	کوی سرپله		
۱۲۹	کهریزکی - مسعود (مداح)		
۱۳۰	کیوانیان - آسیدامیر	۱۲۰	کاتب - حاج عباس (مداح)
۱۳۰	کیوانیان - سید اسدالله		کاشان / ۱۰/۱۱/۱۲/۱۶/۱۷/۱۹/۲۴/۲۵/
۱۳۰	کیوانیان - آسید فضل‌الله		۲۶/۳۲/۳۶/۳۷/۳۸/۳۹/۴۰/۴۱/۴۳/۴۴/
۲۴/۱۲۵	کیهان (روزنامه)		۴۵/۴۹/۵۰/۵۱/۵۲/۵۳/۵۵/۵۶/۵۸/۶۲/
۲۴/۳۵/۸۵/۱۲۵	کیهان فرهنگی (مجله)		۶۳/۶۴/۶۵/۶۷/۶۹/۷۰/۷۱/۷۶/۷۹/۸۵/
			۸۶/۸۷/۹۲/۹۳/۹۴/۱۰۴/۱۰۵/۱۰۶/۱۰۷
			۱۰۹/۱۱۲/۱۱۳/۱۱۴/۱۱۵/۱۱۸/۱۲۰/
			۱۲۱/۱۲۲/۱۲۴/۱۲۵/۱۲۶/۱۲۷
۱۳۰	گلابچی - احمد	۲۷	کاشانی - سید کاظم (میرغم)
۱۳۰	گلابچی - تقی	۲۷	کاشانی - سید مصطفی (میرغرا)
۱۳۰	گلابچی - محمود		کاشف الغطاء - محمد حسین
۱۳۰	گل‌ساز - شهید	۱۲۵/۱۲۶	
۱۳۰	گلشهری - شهید	۱۳	کارگر - ماشاالله
			کاروانسرای امین‌الدوله / ۱۹/۲۰/۲۱/۴۸/۶۸/
			۶۹/۸۸/۱۱۰/۱۱۱/۱۱۲
۱۲۸	لاجوردی	۷۰	کامل
۲۷/۸۷	لتحر	۷۱	کامل بن اثیر
۳۳	لفت فرس اسدی	۱۲۹	کدخداننجار (نوحی)
۲۹/۴۱/۹۵/۹۷/۱۰۶	لفت‌نامه دهخدا		کربلا / ۹/۱۲/۲۳/۲۴/۲۶/۴۹/۵۱/۶۲/۶۷/
۱۳۳			۶۸/۷۶/۷۷/۷۹/۸۰/۸۳/۸۴/۹۶/۱۰۷/۱۲۰
۱۵	لؤلؤ و مرجان	۳۲	کریم‌خان زند

ک

گ

ل

واژه‌نامهٔ محرم (کاشان) □ ۱۴۱

۱۳	مسجد سهله	۱۵	لهوف
۱۱/۱۸/۲۱/۳۷/۴۵	مسجد صادقیه		
۸۷/۹۲/۱۰۵/۱۰۸/۱۰۹/۱۲۷/۱۲۸/۱۳۳			□ م
۳۷	مسجد علی (ع)	۷۱	مأمون (خلیفه عباسی)
۱۲۷	مسجد کیهان	۱۵	مجلسی - محمدتقی
۳۷/۵۵	مسجد محمدیان	۱۲۹	مجتبی اصفهانی - احمد (مداح)
۳۹	مسجد میانچال	۹۷/۹۸	محتشم کاشانی
۱۹/۲۵/۸۸	مسجد میدان	۱۱۶/۱۳۳	محدثی - جواد
۲۵/۸۸	مسجد میدان امیر	۵۴	محلّه سرسنگ
۵۳/۵۵/۶۷/۶۸	مسلم بن عقیل (ع)	۱۲۵	محلّه کرخه
۹/۲۹/۶۰/۷۱/۱۲۷	مصر	۲۸/۳۶/۱۲۸	محلّه کلهر
۶۶	مصطفوی - آیه الله سید محمدباقر	۵۲	محلّه محتشم
۲۶/۲۷	مظفرالدین شاه	۱۲۹	محمودی بهبهانی (واعظ)
۸۲	معاویه	۱۲۹	محمودی گلپایگانی (واعظ)
۸۴/۱۲۵	معزالدوله دیلمی	۱۸/۲۵/۶۸/۱۲۷/۱۲۸	مدرسه سلطانی
۱۳۰	مقدم - قاسم	۵۵/۶۶	مدنی کاشانی - آیه الله آقارضا
۴۱/۵۶/۱۱۹/۱۲۵/۱۲۹	مناقب	۸۰	مدینه المعاجز
۱۲۹	مناقبی - محمدجواد (واعظ)	۱۵	مسار الشیعه
۴۱	منتهی الأرب	۵۰	مسترهمفر
۱۳۰	منظمی - حاج آقا جواد	۲۷	مستوفی - عبدالله
۱۲۶	المواکب الحسينیه	۱۹/۱۲۷	مسجد بالا بازار
۱۲۴	موسوی - سید شهاب الدین	۱۸/۲۲/۲۵/۵۴/۵۵/۶۸/۸۵	مسجد جامع
۴۶/۸۴	موسی (ع)	۱۰۹/۱۱۹/۱۲۷/۱۲۸	
۱۸/۳۹/۵۵/۶۹	موسی بن جعفر (ع)	۱۳	مسجد جمکران
	میرزا شرف الدین علی حسینی --- < باباشرف	۳۷/۵۴/۵۵	مسجد درب یلان
۲۵/۲۷/۵۲/۶۲/۶۸	میدان کمال الملک	۵۳	مسجد زینبیه
۸۰/۸۵/۸۶/۸۷/۹۷			

و	میدان ولی سلطان ۱۲۷۳۲/۵۲/۵۳/۵۵/۶۸	۱۲۷	ن	ناسخ التواریخ ۸۰
واعظ کاشفی - ملا حسین ۳۰/۳۵/۶۲/۷۴			ناصرالدین شاه ۲۶/۲۷/۷۷	ناظم - آقا علی ۱۳۰
وسایل الشیعه ۱۲/۱۲۰			ناظم الاطباء ۴۰/۴۱/۱۱۵	نان عباسعلی ۱۰/۵۳/۱۰۶/۱۱۴
ه	هارون الرشید ۶۹		نجار - محمد آقا ۷۷	نخل تکیه باباشرف ۱۰۹
هاشم زاده - حسین ۱۳۰			نخل درب باغ ۵۴/۱۰۹	نخل سریره ۵۳/۸۶/۱۱۲/۱۱۳/۱۱۵
هاشم زاده - حاج رضا ۱۲۸			نخل قاضی اسد ۱۰۶/۱۰۹/۱۲۷	نخل کلهر ۵۹/۸۷/۱۲۸/۱۲۹/۱۳۰/۱۳۱
هاشم زاده - علی اکبر ۱۲۹			نخل لختیها ۱۰۷/۱۰۹/۱۱۱/۱۱۲	نخل وگهواره ۲۹/۴۱/۱۳۳
هرات ۶۲			نخودکار - شهید ۱۳۰	نراقی - حسن ۲۹/۱۲۶
هروی - حافظ سلطان محمّد ۱۲۶			نظام ۱۰۷	نقاده مقدم - شهید ۱۳۰
هندوستان ۶۹			نقده مقدم - شهید ۱۳۰	النقض ۷۲
هیئت اباعبدالله الحسین (ع) ۱۸/۵۴/۵۹			نوح (ع) ۷۵/۸۴	نوری - میرزا حسین ۱۵
هیئت ابوالفضل - خیابان امام خمینی ۱۲۷			نوش آباد ۲۷	نهر علقمه ۱۰/۴۱/۱۱۸/۱۱۹
هیئت ابوالفضل - کوی زاویه ۱۱۵				
هیئت ابوالفضل - مدرسه سرسنگ ۸۶				
هیئت ابوالفضل - مدرسه سلطانی ۱۲۸				
هیئت ابوالفضل - مدرسه علمیه ۱۲۸				
هیئت ابوالفضل - مسجد جامع ۱۸/۲۵				
هیئت ابوالفضل - میدان امیر ۵۴/۶۸/۸۵/۸۶/۱۰۹/۱۱۹/۱۲۷/۱۲۸				
هیئت ابوالفضل - سلطان امیراحمد ۵۲/۸۷/۱۲۷				
هیئت احمدی - سلطان امیراحمد ۶۸/۱۲۷				

واژه‌نامهٔ محرم (کاشان) □ ۱۴۳

۹۲/۹۷/۱۰۵/۱۰۸/۱۰۹/۱۱۱/۱۲۷/۱۲۸	هیئت امام حسن مجتبی - درب اصفهان ۵۴
۱۲۷	هیئت علی اصغر - مسجد کیهان ۱۲۷
۵۴	هیئت علی اکبر - پامنار ۳۷/۵۵
۷۷/۱۲۷	هیئت علی اکبر - حبیب بن موسی ۱۶/۲۷
	هیئت علی اکبر - میدان ولی سلطان ۱۲۸
۵۲/۵۳/۵۵/۶۸/۱۲۷	هیئت چهارده معصوم - پنجه‌شاه ۳۹/۵۴/۵۵/۶۸
۱۹	هیئت علی بن موسی - درب زنجیر ۹۲/۱۱۵/۱۲۷
۱۸/۵۲	هیئت قاسم بن الحسن - سرپله ۹۲
۸۵/۱۲۷	هیئت حسینی - بالا بازار ۱۷/۵۳/۱۰۶
۸۲	هیئت کاظمینی های مقیم کاشان ۱۰۸/۱۰۹/۱۱۳/۱۱۵/۱۲۷
۵۱/۵۵/۸۰	هیئت کربلاییه های مقیم کاشان ۱۱۵
۱۲۸	هیئت متحده محمدی - پشت مشهد ۵۴/۵۵/۸۷
۶۲/۶۸/	هیئت مسلم بن عقیل - درب هو ۱۰۹/۱۲۷
۱۲۷	هیئت حیدری - درب باغ ۲۱/۵۳/۵۵/
۳۹/۵۵	هیئت موسی بن جعفر - میانچال ۶۸/۸۷/۱۰۹/۱۲۷
۵۲	هیئت مهدوی - محتشم ۶۱/۲۰
۱۲۷	هیئت فاطمیّه - پشت مشهد ۷۰/۱۲۷
	هیئت سادات ۷۰/۱۲۷
	هیئت سجادیّه - پشت مشهد ۷۰/۱۲۷
	هیئت سجادیّه مقدم - دو مسجدان ۲۰
	هیئت سقاها ۲۰
	هیئت شهدا - درب یلان ۲۱/۳۷/۵۲/۶۸/۱۲۷
	یزید بن معاویه ۲۱/۳۷/۵۲/۶۸/۸۰/۸۷/
	یهودیان ۱۸/۲۱/۳۷/۴۵/۵۲/۵۸/۶۲/۶۸/۸۰/۸۷/

۵

۷۷ یثربی - آیه الله امیر سید علی

۶۶ یثربی - آیه الله سید مهدی

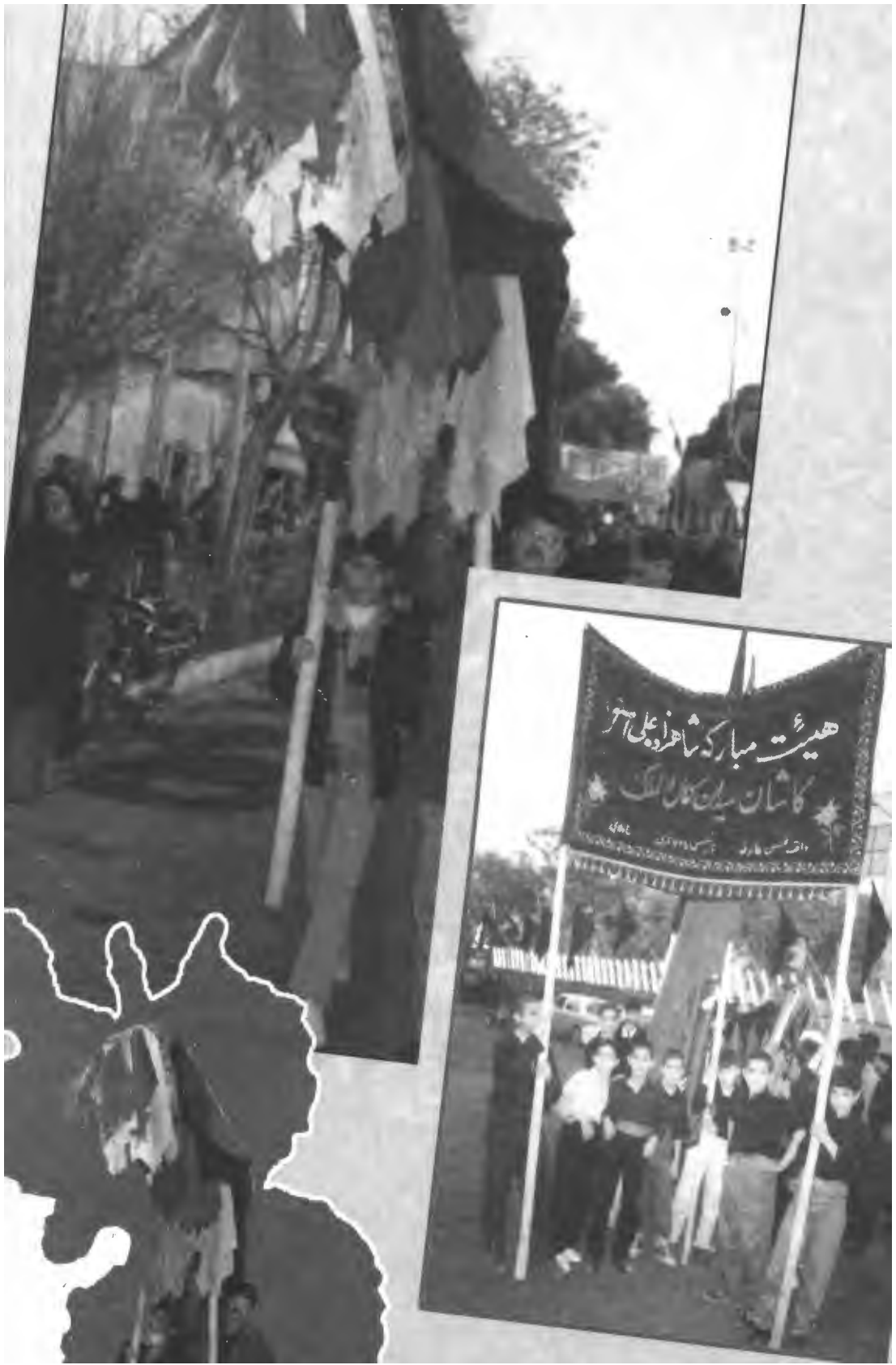
۱۴ یحیی بن زکریا (ع)

۲۸/۲۹/۸۳ یزید بن معاویه

۸۴ یهودیان

تصاویر





هدیه مبارک شاهزادگی
کاشان سید کمال لنگ
از اسرار...
۱۳۶۷









تشیخ محمد
تشیخ نجف
تشیخ اسماعیل
۱۳۷۲
نابین



eris



کتابخانه
مکتب
۱۳۷۴



هفت شهید

